H A F T - E - S O B H D A I L Y

# هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
سه‌شنبه | ۶ خرداد ۱۴۰۴ | شماره ۴۰۶۱
۱۲ صفحه | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

شهادت
امام محمدتقی (ع) را
تسلیت می‌گوییم

# اجاره خانه ۴۰ درصد گران شد

وزارت راه و شهرسازی از تورم ۳۹/۵ درصدی اجاره‌بها
در سال منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۴ و کاهش نسبی
سرعت رشد قیمت‌ها خبر داد همین صفحه

گفت‌وگو با فرهاد فخرالدینی
درباره قطعه سیمرغ و فعالیت‌های این روزهایش

## موسیقی تمام زندگی من است

ما ملت بااستعدادی هستیم، ولی استعداد بدون فضا و بستر پژمرده می‌شود

صفحه ۵

عکس: صادق ذباح

تحلیل ریشه‌های روانی، فرهنگی و اجتماعی جنایت‌های خانوادگی

## عشق‌های مسموم و سرنوشت‌های خونین

- ترس از قضاوت‌های اجتماعی، فشارهای خانوادگی و حرص به ثروت می‌تواند افراد را به سمت جنایت و خشونت سوق دهد
- در جوامعی که شکاف طبقاتی کمتری وجود دارد نرخ جرائم به طور قابل توجهی پایین‌تر است

صفحه ۶

نگاه تاریخی به برد تیم ملی فوتبال ایران
مقابل هنگ کنگ در مقدماتی جام
ملت‌های آسیا ۱۹۸۸ با ترکیب جوان‌شده
دهداری در روزهای جنگ

## ایران وسط جنگ گل زد و برد

رسانه‌ها از تیم بدون ستاره
دهداری حمایت کردند و به
حاشیه‌های تیم نپرداختند

صفحه ۱۱

بازتاب نخل طلایی ۲۰۲۵؛ واکاوی واکنش کاربران
و منتقدان فرهنگی در فضای مجازی

## جعفرپناهی و نخل طلا تبریک بگوییم یا نگوییم؟

جشنواره کن به صحنه‌ای برای نبرد روایت‌ها تبدیل شد

صفحه ۴

جوان شیشه‌ای به اتهام قتل مادرش
در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد

## مادرکشی برای خوشحال کردن معشوقه

- برادر متهم به عنوان تنها ولی‌دم پرونده تقاضای قصاص او را کرد

صفحه ۷

مسجد سلیمان، آینه‌ای از ایران بدون نفت

## از طلای سیاه تا روزگار سیاه

اولین نقطه ورود نفت به ایران، روزگاری نماد پیشرفت صنعتی بود اما امروز با مشکلات اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند. شهری که باید راهی برای بازسازی و توسعه پایدار پیدا کند

صفحه ۱۰

## روزنامه‌نگاری بی‌زحمت

استفاده بی‌رویه از هوش مصنوعی در رسانه‌ها
هویت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را به چالش می‌کشد

صفحه ۹

نوسانات دمایی ناشی از قطعی برق، سلامت محصولات منجمد
مانند سوسیس، کالباس، ماهی و میگو را تهدید می‌کند

## نبرد نابرابر سوسیس با برق رفت و برگشتی

نوسانات برق باعث افزایش خطر فساد مواد منجمد
و رشد باکتری‌ها می‌شود

صفحه ۲

برق رفت، بستنی‌ها آب شدند، مشتری‌ها فرار کردند،
فروش صفر شد

## امروز بستنی، فردا لبنیات

- با قطع برق، ظاهر بستنی تغییر می‌کند و کیفیت آن به شدت افت می‌کند

صفحه ۲

ابزارهای مخفی و داشبوردهای استخرها

## رصد لحظه‌ای تحلیل دقیق و سود بیشتر

صفحه ۸

گزارش

# اجاره ۴۰ درصد گران شد

## وزارت راه و شهرسازی از تورم ۳۹/۵ درصدی اجاره‌بها در سال منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۴ و کاهش نسبی سرعت رشد قیمت‌ها خبر داد

وزارت راه و شهرسازی با انتشار گزارشی از وضعیت بازار مسکن اعلام کرد که تورم سالانه اجاره‌بهای مسکن در کشور طی یک سال منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۴ به ۳۹.۵ درصد رسیده است. این نرخ نشان‌دهنده رشد قابل توجه قیمت اجاره در بازار مسکن است، هرچند که به گفته مسئولان وزارت راه، روند افزایش نرخ اجاره نسبت به ماه‌های گذشته کمی کند شده و حاکی از کاهش التهاب در این بخش است.

دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی با استناد به آمارهای مرکز آمار ایران اعلام کرد که تورم نقطه به نقطه شاخص اجاره‌بهای مسکن در اردیبهشت ماه به ۳۶.۹ درصد کاهش یافته که کمترین میزان در ۳۰ ماه گذشته به شمار می‌آید. این کاهش نسبی در نرخ رشد اجاره‌بها، نخستین نشانه از تأثیر مثبت سیاست‌های حمایتی دولت برای کنترل بازار اجاره مسکن است. طی ۱۲ ماه گذشته، نرخ تورم سالانه اجاره مسکن همواره بالاتر از ۴۰ درصد بوده و رسیدن این شاخص به کمتر از این میزان در اردیبهشت ماه، گواهی بر آغاز روند کاهش فشارهای قیمتی در بازار است. این موضوع به ویژه در شرایطی اهمیت دارد که اردیبهشت ماه هر سال با آغاز فصل جابه‌جایی مستأجران همراه است و معمولاً تقاضا برای اجاره واحدهای مسکونی افزایش می‌یابد.

گزارش وزارت راه و شهرسازی نشان می‌دهد که با وجود این افزایش تقاضا در اردیبهشت ۱۴۰۴، سرعت رشد اجاره‌بها کمتر از سرعت رشد عمومی قیمت کالاها و خدمات بوده است. این بدان معناست که نرخ افزایش اجاره‌بهای مسکن نسبت به تورم عمومی کاهش یافته و به نوعی بازار اجاره مسکن توانسته است روند صعودی خود را کنترل کند. کارشناسان اقتصادی دلیل این کاهش نسبی را سیاست‌های حمایتی دولت در بازار اجاره مسکن می‌دانند که شامل اقدامات متنوعی مانند تسهیلات مالی به مستأجران و مالکان، کنترل عرضه واحدهای اجاره‌ای و نظارت بر قراردادهای اجاره است. این سیاست‌ها که در ماه‌های اخیر اجرایی شده‌اند، تا حدی توانسته‌اند از افزایش بی‌رویه اجاره‌بها جلوگیری کنند و تعادل نسبی را در بازار برقرار سازند. افزایش ۳۹.۵ درصدی اجاره‌بها طی یک سال هنوز فشار قابل توجهی بر مستأجران و خانواده‌های کم‌درآمد وارد می‌کند و ضرورت دارد که برنامه‌های حمایتی با قوت و استمرار بیشتری دنبال شود. کارشناسان تاکید دارند که ادامه این روند نزولی در تورم اجاره‌بها می‌تواند شرایط بهتری برای مستأجران فراهم آورد و از تشدید نارضایتی‌ها و آسیب‌های اجتماعی مرتبط با بازار مسکن جلوگیری کند. در مجموع، گزارش وزارت راه و شهرسازی نشان می‌دهد که بازار اجاره مسکن در ایران در شرایطی پر التهاب و افزایش قیمت‌های شدید قرار دارد، اما نشانه‌های مثبتی از کاهش سرعت رشد قیمت‌ها و اثرگذاری سیاست‌های حمایتی دولت به چشم می‌خورد. پیگیری و تقویت این سیاست‌ها به ویژه در ماه‌های آینده که فصل جابه‌جایی مستأجران ادامه دارد، برای ایجاد ثبات و آرامش در بازار اجاره بسیار مهم خواهد بود.

### تداوم فشار بر اجاره‌نشین‌ها

در حالی که کاهش نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه اجاره‌بها در اردیبهشت ۱۴۰۴ از نظر آماری به عنوان نشانه‌ای از کند شدن شتاب رشد قیمت‌ها معرفی می‌شود، اما در عمل این تغییرات اندک، هنوز نتوانسته بار اصلی معیشتی را از دوش خانوارهای اجاره‌نشین بردارد. افزایش ۳۹.۵ درصدی اجاره در طول یک سال، حتی اگر کمتر از رشد ۵۰درصدی سال گذشته باشد، همچنان یک جهش قیمتی شدید محسوب می‌شود که بخش بزرگی از درآمد خانوارهای متوسط و کم‌درآمد را می‌بلعد.

بررسی‌های میدانی از بازار مسکن در تهران و کلانشهرها نشان می‌دهد که خانوارها برای تمدید قرارداد اجاره خود با فشارهایی مواجه‌اند که بسیاری را به حاشیه‌نشینی، کوچ به مناطق ارزان‌تر یا حتی به زندگی در حومه شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی سوق داده است. این روند کیفیت زندگی را کاهش داده و منجر به افزایش زمان رفت‌وآمد، افت تحصیلی فرزندان، ناهنجاری‌های اجتماعی و آسیب‌های روانی شده است. از سوی دیگر، یکی از ابزارهای اصلی دولت برای حمایت از مستأجران، یعنی وام ودیعه مسکن، کارایی لازم را نداشته است. اگرچه در سال‌های اخیر سقف این تسهیلات در برخی مناطق افزایش یافته، اما نرخ بهره بالا، فرایند پیچیده دریافت و نبود ضمانت‌های قابل تأمین، باعث شده بسیاری از مستأجران از دریافت آن منصرف شوند. در عمل، این وام‌ها به افزایش میزان رهن نیز منجر شده است و در واقع، کار سوخت رسانی به موتور تورم را انجام داده است. در همین حال، مالکان نیز به دلیل افزایش نرخ تورم، رشد قیمت مصالح ساختمانی، مالیات‌های جدید بر خانه‌های خالی و کاهش ارزش پول ملی، تلاش می‌کنند با بالا بردن نرخ اجاره، قدرت خرید خود را حفظ کنند. به‌همین‌دلیل، هرچند تورم اجاره نسبت به گذشته اندکی آرام‌تر شده، اما ساختار کلی بازار اجاره همچنان ناپایدار و فاقد تعادل است.

کارشناسان اقتصاد مسکن بر این باورند که بدون افزایش عرضه واقعی واحدهای اجاره‌ای، بازسازی نظام مالیاتی در بازار مسکن و ایجاد حمایت هدفمند از دهک‌های پایین درآمدی، نمی‌توان انتظار داشت که روند صعودی اجاره‌بها متوقف شود. برنامه‌هایی نظیر مالیات بر خانه‌های خالی، طرح نهضت ملی مسکن و حتی ارائه تسهیلات برای ساخت و ساز، تا زمانی که با سیاست‌گذاری منسجم و نظارت واقعی همراه نباشد، دردی از بازار اجاره دوا نخواهد کرد.

تغییر ساختار جمعیتی کشور و مهاجرت معکوس از شهرستان‌ها به کلانشهرها، موجب افزایش تقاضای اجاره در مناطق شهری شده است. بر اساس آمارهای غیررسمی، حدود ۴۰ درصد از خانوارهای ایرانی اکنون اجاره‌نشین هستند؛ یعنی هرگونه نوسان در بازار اجاره، به‌طور مستقیم بر زندگی میلیون‌ها نفر اثر می‌گذارد. این واقعیت، ضرورت بازنگری فوری در سیاست‌های کلان مسکن را دوچندان می‌کند.

در نهایت، باید پذیرفت که اجاره‌نشینی در ایران از یک انتخاب به یک اجبار اقتصادی بدل شده است.

یادداشت

# نسل بی‌خانه؛ رویای مسکن برای دهه هشتادی‌ها

شهر را اگر از بالای یک پل تماشا کنید، لایه‌های زندگی را مثل ورق‌های یک کتاب باز می‌بینید. برج‌های شیشه‌ای، آپارتمان‌های کوچک با چراغ‌های زرد کم‌سو، خانه‌های قدیمی و پشت‌بام‌هایی که هر کدام قصه‌ای دارند. اما در این میان قصه نسل دهه هشتادی‌ها قصه‌ای است که صدایش گاه در همهمه شهر گم می‌شود. قصه نسلی که در مرز میان امید و ناامیدی، رویای داشتن یک خانه را در سر می‌پروراند. روزگاری نه چندان دور، خانه داشتن برای جوانان یک «حق» تلقی می‌شد. شاید نه ساده، اما دست‌نیافتنی هم نبود. اما حالا برای دهه هشتادی‌ها خانه داشتن بیشتر شبیه افسانه‌ای است که هرچه بزرگ‌تر می‌شوند، دورتر می‌شود.

درک این بحران وقتی عمیق‌تر می‌شود که به اعداد و ارقام هم نگاهی بیندازیم. میانگین قیمت مسکن در شهر تهران در پایان سال گذشته به محدوده ۱۱۰ تا ۱۲۰ میلیون تومان برای هر متر مربع رسیده است. این یعنی حتی خرید یک واحد کوچک هم برای اکثر جوانان، تبدیل به رویایی دست‌نیافتنی شده است. جالب اینکه از مردادماه ۱۴۰۳، بانک مرکزی به دلیل تغییر در سامانه ثبت معاملات املاک، دیگر حتی آمار رسمی درباره وضعیت بازار مسکن منتشر نمی‌کند. این مسئله ابهام و بی‌اعتمادی را بیشتر می‌کند.

در همین میان، برنامه‌هایی که قرار بود بار سنگین این بحران را سبک کنند، خود به معضلی تازه بدل شده‌اند. نهضت ملی مسکن یکی از طرح‌هایی بود که دولت سیزدهم با وعده ساخت سالانه یک میلیون مسکن، آغاز کرد و قرار بود دو ساله به پایان برسد. اما با گذشت بیش از ۵ سال و افزایش قیمت‌ها و هزار نکته ناگفته دیگر بحث مسکن را وارد چالش دیگری کرده است.

بازار مسکن حالا صحنه‌ای تازه به خود گرفته است. کافی است سری به سایت‌های فروش اینترنتی بزنید تا متوجه شوید حواله‌های نهضت ملی مسکن، مثل یک کالای سرگردان خرید و فروش می‌شوند. بسیاری از متقاضیان به‌دلیل ناتوانی در پرداخت اقساط باقی‌مانده یا طولانی شدن زمان تحویل واحدها، تصمیم به فروش یا تهاتر حواله‌های خود گرفته‌اند. رویاهایی که قرار بود کلید خانه‌دار شدن باشند، حالا در آگهی‌های اینترنتی دست به دست می‌شوند.

آنچه امروز به‌عنوان بحران مسکن شناخته می‌شود، فقط یک عدد یا نمودار اقتصادی نیست. این بحران عمق زندگی یک نسل را نشانه رفته است. آمارها می‌گویند میانگین سن ازدواج و تشکیل خانواده بالا رفته و یکی از دلایل اصلی آن، نبود خانه‌ای برای شروع زندگی مشترک است. جوانان ترجیح می‌دهند سال‌ها در کنار خانواده بمانند یا اتاقی مشترک با دوستان اجاره کنند. بسیاری از دهه هشتادی‌ها می‌گویند اگر روزی به خانه‌ای برسند، احتمالاً پنجاه ساله خواهند بود.

دغدغه خانه اما فقط دغدغه سقف بالای سر نیست؛ این بحران، امنیت روانی و اجتماعی نسل جوان را هم تهدید می‌کند. نبود خانه یعنی تعلیق همیشگی؛ یعنی نداشتن نقطه اتکا برای ساختن آینده، برای رویاپردازی، برای بچه‌دار شدن یا حتی خرید یک گلدان. خانه نداشتن برای نسل جوان یعنی زندگی در ایستگاهی که قطار امید دیر به آن می‌رسد.

در میان این سیاهی، کورسوی امید اما هنوز روشن است. جوانان امروز بیش از گذشته اهل یادگیری، فناوری و جست‌وجوی راه‌های تازه هستند. شاید رویای خانه‌دار شدن مثل پدران و مادرانشان دیگر ساده نباشد، اما این نسل تلاش می‌کند با مدل‌های جدید زندگی، هم‌زیستی، کار و حتی سرمایه‌گذاری، راهی برای رسیدن به حداقل‌های آرامش پیدا کند. برخی به فکر مهاجرت می‌افتند؛ برخی دیگر امیدشان را به پروژه‌های مسکن دولتی یا تعاونی‌های جدید بسته‌اند، هرچند اعتمادشان به وعده‌ها اندک است. کارشناسان معتقدند حل بحران مسکن فقط با وام و طرح و پروژه ممکن نیست. باید سیاست‌های جدی برای کنترل قیمت زمین و اجاره، توسعه شهرهای جدید، حمایت از سازندگان واقعی و جلوگیری از سوداگری در بازار مسکن اتخاذ شود. اما آنچه کمتر به آن پرداخته می‌شود، نقش و صدای خود این نسل است. آیا هیچ‌گاه سیاست‌گذاری‌های بزرگ در این کشور پای حرف جوانان نشسته‌اند؟ آیا تصمیم‌گیرندگان می‌دانند که برای نسل دهه هشتادی، خانه داشتن فقط به معنای خرید چند متر مربع نیست؛ بلکه تکه‌ای از هویت، آرامش و امید به آینده است؟

امروز تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ ایران پر شده از خانه‌هایی که در آنها کسی زندگی نمی‌کند و جوانانی که خانه‌ای برای زندگی ندارند. این تناقض تلخ بازتاب معمایی است که باید برای آن راه‌حلی جدی یافت.

خبر

## توقف تولید سریال نمایش خانگی با ورود فراجا

به گزارش هفت‌صبح، یکی از سریال‌های در حال تولید شبکه نمایش خانگی به علت عدم اخذ مجوزهای مربوطه از سازمان صوت و تصویر فراگیر (ساترا)، با ورود فراجا متوقف شد.

این گزارش حاکی از آن است که با مراجعه کارگردان اثر به سازمان ساترا و تعهد به رعایت الزامات محتوایی، موضوع به‌صورت موقت حل شده و مقرر گردیده تصویربرداری سریال از سر گرفته شود. سریال مذکور با مشارکت سازمان اوج و فیلم‌نت تولید می‌شود.

**آگهی حق تقدم شرکت هفت‌صبح ماندگار (سهامی خاص)**
**به شماره ثبت ۴۸۲۲۵۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۳۸۴۴۵۱**

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ ساعت ۱۰:۰۰ و تفویض اختیار به هیئت مدیره درخصوص عملی نمودن افزایش سرمایه، مقرر است سرمایه شرکت از مبلغ ۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به ۱۶۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال منقسم به ۴۰،۰۰۰ سهم ۴،۰۰۰،۰۰۰ ریالی با نام از محل مطالبات حال شده سهامداران از طریق صدور ۳۹،۰۰۰ سهم ۴،۰۰۰،۰۰۰ ریالی بانام جدید افزایش یابد و هر سهامدار به ازاء هر سهم، حق تقدم در خرید ۳۹ سهم را دارد لذا از کلیه سهامداران دعوت به عمل می‌آید تا ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی از حق تقدم خود استفاده نموده و مدارک مثبته‌ای که نشان‌دهنده طلب حال شده ایشان است را به هیئت مدیره شرکت به نشانی استان تهران، شهرستان شمیرانات، بخش مرکزی، شهر تجریش، زعفرانیه، خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید محمدرضا افراز، پلاک ۳- طبقه همکف به کدپستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱ تحویل داده و رسید دریافت نماید و به مبلغ طلب خود سهام خریداری نماید. هیئت مدیره می‌تواند پس از انقضا مهلت قید شده، سهام باقیمانده خریداری نشده را به سایر متقاضیان واگذار نماید.

**هیئت مدیره**

خبر - تحلیل

## گوشت هست اما به همه نمی‌رسد

**گزارش‌های رسمی می‌گویند کمبودی در بازار نیست؛ اما فشار اقتصادی و سهمیه‌های محدود گوشت ارزان‌قیمت، مردم را هر روز به صف می‌کشاند. آیا آمارهای کاغذی جای واقعیت تلخ یخچال‌های خالی را می‌گیرد؟**

در حالی که مجتبی عالی، مدیرعامل اتحادیه مرکزی تعاونی کشاورزی دامداران ایران، از عدم مشکل در شبکه توزیع گوشت قرمز خبر می‌دهد و وضعیت بازار را باثبات اعلام می‌کند، مشاهدات میدانی و گزارش‌های متعدد از صف‌های طولانی بازنشستگان و اقشار کم‌درآمد در ساعات اولیه صبح مقابل میادین میوه و تره‌بار شهرداری و فروشگاه‌های زنجیره‌ای، حاکی از واقعیتی متفاوت است.

عالی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار کرده است که توزیع گوشت طبق روند روزانه انجام می‌شود و مشکلی در تأمین بازار وجود ندارد. به گفته او، با وجود انباشت دام در کشور، دولت باید به‌جای تمرکز بر واردات گوشت، از تولید داخلی حمایت کند. وی پیشنهاد می‌کند که به جای واردات گوشت، دام زنده و به‌ویژه دام مولد وارد شود تا هم اشتغالزایی تقویت شود و هم سایر فرآورده‌های دام مثل پوست، کله‌پاچه و فرآورده‌های جانبی در کشور حفظ گردد.

اما این اظهارات در تضاد آشکار با صحنه‌های ملموس شهری است. طی هفته‌های اخیر، تشکیل صف‌های طویل در ساعات اولیه صبح — به‌ویژه توسط بازنشستگان و اقشار کم‌درآمد — برای دریافت گوشت با نرخ دولتی، خبر از محدودیت عرضه در سطح بازار و کمبود پوشش‌دهی تقاضای موثر می‌دهد. این صف‌ها نشان می‌دهند که اگرچه ممکن است شبکه توزیع از نظر کاغذی فعال باشد، اما در عمل یا به میزان کافی گوشت در اختیار مصرف‌کنندگان قرار نمی‌گیرد، یا شیوه توزیع به گونه‌ای است که دسترسی عادلانه و متوازن برای تمام اقشار جامعه فراهم نمی‌گردد.

نقد اساسی به این گونه اظهارات مسئولان صنفی آن است که آن‌ها گاه بدون در نظر گرفتن شاخص‌های عینی بازار، صرفاً بر اساس داده‌های اداری و ساختاری قضاوت می‌کنند. در حالی که اقتصاددانان معتقدند ملاک نهایی ارزیابی عملکرد یک شبکه توزیع، نه ادعای مسئولان بلکه رفتار بازار و نحوه پاسخگویی آن به تقاضای موثر مردم است.

به بیان ساده‌تر، اگر عرضه به‌خوبی انجام شده و شبکه توزیع فعال است، نباید شاهد پدیده‌های آشکار کمبود در سطح مصرف‌کننده نهایی باشیم. صف‌های طولانی، سهمیه‌بندی‌های پنهان و نارضایتی عمومی نشان از ضعف در نظام توزیع، ناکارآمدی در تخصیص منابع و یا عدم تعادل میان عرضه و تقاضا دارند.

از سوی دیگر، پیشنهاد واردات دام زنده به‌جای گوشت وارداتی گرچه می‌تواند از منظر پایداری تولید و تقویت زنجیره ارزش داخلی قابل تأمل باشد، اما در کوتاه‌مدت، پاسخگوی نیاز فوری و اضطراری بازار نیست. واردات دام زنده نیازمند زیرساخت‌های بهداشتی، حمل‌ونقل و کشتارگاه‌های مجهز است و تا تحقق آن، بخش قابل‌توجهی از تقاضای فوری مصرف‌کنندگان همچنان بی‌پاسخ خواهد ماند.

در مجموع، گزارش رسمی اتحادیه دامداران باید با مشاهدات میدانی و آمارهای دقیق مصرف هم‌سنجی شود تا تصویری واقعی و دقیق از وضعیت بازار گوشت قرمز ارائه گردد؛ وگرنه صرف اعلام «نبود مشکل»، دردی از صف‌نشینان ساعت ۶ صبح دوا نخواهد کرد.

نیم خند

## مردی که با تورم ازدواج کرد

**قسمت دوم - ماه‌عسل بدون عسل**

**نمی‌شود با تورم جنگید. باید به شیوه خودش با آن ساخت. باید سبزی را نیم‌کیلو خرید. باید برنج را بسته‌بندی یک کیلویی گرفت**

مهدی خاکی فیروز
دبیر گروه اقتصاد

زندگی مشترک او با تورم، با اتفاقی شبیه ماه‌عسل شروع شد. البته نه از آن نوعی که در آن زوج‌ها کنار دریا عکس یادگاری می‌گیرند و با نوشیدنی‌های رنگارنگ روزگار می‌گذرانند. این یکی بیشتر شبیه تور مسافرتی بود که در آن نه مقصد معلوم است، نه قیمت بلیت و نه حتی معلوم است راننده کی ترمز خواهد زد.

همه‌چیز در ابتدای این رابطه، شکل آرام اما مرموزی داشت. هر روز یک تغییر کوچک، یک عدد تازه، یک شوک خفیف. او در ابتدا فکر می‌کرد این شرایط، فقط یک دوره موقت است. شاید سوءتفاهمی اقتصادی یا نوسانی مقطعی. اما تورم، خیلی زود نشان داد آمده که بماند و قصد دارد جا خوش کند. با همان اعتمادبه‌نفسی که بعضی مهمان‌ها روی مبل خانه آدم ولو می‌شوند.

در ماه‌های نخست، تازه متوجه شد که عاشق شدن با تورم، فقط به معنای افزایش قیمت نیست. این رابطه، ابعاد گسترده‌تری داشت. مثلاً دیگر نمی‌شد سر یخچال ایستاد و با خیال راحت از ماست گرفته تا مربا را برداشت. باید برنامه‌ریزی می‌کرد. باید بودجه می‌نوشت. باید از خریدهای هیجانی فاصله می‌گرفت. خلاصه، تورم آمده بود تا او را به فردی عاقل، حسابگر و در عین حال غمگین تبدیل کند.

همان‌طور که در بعضی ازدواج‌ها، زوجین کم‌کم شب‌ها جدا می‌خوابند، در این رابطه هم او کم‌کم یاد گرفت بعضی چیزها را از سبد خرید حذف کند. مثلاً انگور شد میوه‌ای لوکس.

گوشت رفت کنار سفال‌های تزئینی. لباس تازه، تبدیل شد به مفهومی نوستالژیک. هر چیزی که بوی تجمل می‌داد، دیگر جایی در خانه نداشت.

از طرفی، هرچند رابطه با تورم پرفشار بود، اما احساس تنهایی نمی‌کرد. کافی بود به اطراف نگاه کند. همسایه، همکار، مغازه‌دار، راننده، همه درگیر همین زندگی مشترک بودند. نوعی ازدواج دسته‌جمعی با پدیده‌ای که نیاز به خرید حلقه طلایی داشت، نه مهریه داشت، نه جشن، نه شام شب عقد. با این که ثبت در دفتر ازدواج رخ نداده بود، اما همه گیر افتاده بودند و راه برگشتی نبود.

ماه‌عسل این ازدواج، بیشتر شبیه یک اردوی آموزشی بود. هر روز با یک خبر جدید بیدار می‌شد. یا چیزی گران شده بود، یا کالایی که نیاز داشتیم، دیگر در بازار نبود، یا قیمتش به دلار وابسته شده بود. یاد گرفت که زندگی با تورم مثل راه رفتن در شن روان است؛ باید آرام رفت، اما هرگز نایستاد.

او کم‌کم فهمید که نمی‌شود با تورم جنگید. باید به شیوه خودش با آن ساخت. باید سبزی را نیم‌کیلو خرید. باید برنج را بسته‌بندی یک کیلویی گرفت. باید لامپ‌ها را خاموش گذاشت. شاید نامش عشق نباشد، شاید بیشتر شبیه تسلیم باشد، اما او با این زندگی و این سبک زندگی، کنار آمده بود.

و این فقط شروع کار بود.

**برق رفت، بستنی‌ها آب شدند، مشتری‌ها فرار کردند، فروش صفر شد**

# امروز بستنی، فردا لبنیات

**با قطع برق، ظاهر بستنی تغییر می‌کند و کیفیت آن به شدت افت می‌کند**



فربد فرزانه
هفت صبح

**یکی از مشکلات سوپرمارکت‌ها در هنگام قطعی برق، فاسد شدن و یا از ریخت افتادن بستنی است چرا که در این صورت مشتری آنها بسیار کم می‌شود. قطعی‌های مکرر برق که در سال جاری افزایش چشمگیری داشته، زندگی مردم، بسیاری از صنایع تولیدی و همچنین بخش بسیار بزرگی از سیستم توزیع کالا در کشور را با مشکل و اختلال مواجه کرده و همین موضوع باعث عصبانیت مردم و بخشی از خدمات عمومی مانند نانوایان، فروشگاه‌های مواد غذایی و پروتئینی و دیگر مشاغل شده و به همین دلیل شاهد اعتراض‌های پی‌درپی آنها هستیم.**

زیاد است. بر اساس آمارهای موجود، تعداد سوپرمارکت‌های تهران در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۴،۸۳۶ واحد بوده است. بنابراین آنها یکی از بازیگران بزرگ توزیع کالا و مواد خوراکی در کشور هستند.

اما با افزایش موارد قطعی برق در کشور که در هفته بین ۶ تا ۱۲ ساعت می‌شود، سوپرمارکت‌ها با چالش‌ها و خسارت‌های مالی بزرگی مواجه شده‌اند که طبیعتا این مشکلات نه فقط متوجه آنها بلکه دامنگیر مردم هم شده است.

به دلیل اینکه مواد فاسد شدنی مانند لبنیات، مواد پروتئینی مانند انواع گوشت و سوسیس و کالباس، تخم مرغ، سبزیجات و غذاهای پخته شده، عمده کالای سوپرمارکت‌ها هستند، قطعی برق می‌تواند به سرعت باعث فاسد شدن آنها شود. در این شرایط هم برای فروشنده و هم به خریدار زیان‌هایی ایجاد می‌شود.

از سوی دیگر اختلال در سیستم‌های پرداخت را هم باید در نظر گرفت. بسیاری از سوپرمارکت‌ها از دستگاه‌های کارت‌خوان و سیستم‌های فروش الکترونیکی استفاده می‌کنند. بدون برق، این سیستم‌ها از کار می‌افتند و مشتریان نمی‌توانند خرید کنند. همچنین کاهش فروش و نارضایتی مشتریان نیز یکی دیگر از تبعات قطعی برق برای سوپرمارکت‌ها است چرا که قطع برق باعث کاهش تجربه خرید مشتریان می‌شود. نبود نور کافی، عدم امکان استفاده از صندوق‌های فروش و از کار افتادن تهویه مطبوع می‌تواند مشتریان را از خرید منصرف کند. برای کاهش اثرات قطعی برق، سوپرمارکت‌ها به سمت خرید و استفاده از سیستم‌های ذخیره انرژی و یخچال‌های کم‌مصرف رفته‌اند که باعث افزایش هزینه‌های جاری آنها شده است.

> **نکته**
> **با افزایش موارد قطعی برق در کشور که در هفته بین ۶ تا ۱۲ ساعت می‌شود، سوپرمارکت‌ها با چالش‌ها و خسارت‌های مالی بزرگی مواجه شده‌اند که طبیعتا این مشکلات نه فقط متوجه آنها بلکه دامنگیر مردم هم شده است**

### تبعات قطعی برق برای سوپرمارکت‌ها

سوپرمارکت‌ها یکی از مراکز بزرگ توزیع کالای اساسی در کشور هستند که تعداد آنها بسیار

### بستنی‌های شل و بی‌ریخت!

یکی از خوراکی‌های لذت‌بخش در فصل گرما بستنی است که با خوردن آن دمای بدن تا حدودی کاهش پیدا می‌کند. جدا از این مورد، طعم خوب بستنی باعث شده که برای همه و به‌خصوص کودکان محبوب باشد.

بستنی هم یکی از کالاهایی است که سوپرمارکت‌دارها در شکل، طعم و اندازه‌های مختلف به فروش می‌رسانند.

اما قطعی‌های برق بر روی این کالا نیز اثرات منفی دارد. بدون برق، فریزرها از کار می‌افتند و بستنی‌ها به سرعت آب می‌شوند، که منجر به ضرر مالی برای فروشنده می‌شود. بیشتر فروشنده‌ها در کشور در مواقع قطعی برق اقدام به قفل کردن در یخچال و فریزرهای خود می‌کنند تا سرمای داخل آن تا حدی حفظ شده و مانع فاسد شدن محصولات آنها شود. اما با این حال، بستنی به دلیل شرایط خاصی که دارد باید در دمای استاندارد بین منفی ۱۸ تا منفی ۳۰ درجه سانتی گراد نگهداری شود که قطع شدن برق باعث آب شدن آن می‌شود. اما این همه ماجرا نیست.

وقتی برق قطع می‌شود، دمای فریزر بالا می‌رود و کریستال‌های یخ در بستنی شروع به رشد می‌کنند. این باعث می‌شود که بافت بستنی تغییر کند، لطافتش از بین برود و به جای یک بافت نرم و خامه‌ای، دانه‌های یخی در آن احساس شود.

بنابراین در روزهای گرم، مشتریان به دنبال بستنی خنک هستند، اما اگر بستنی‌ها ذوب شده باشند، فروش کاهش می‌یابد و این هم یک بخش دیگر از زیان‌های مالی فروشندگان است. البته برخی فروشگاه‌ها بستنی‌هایی که نرم و شکل ظاهری آنها از حالت استاندارد خارج شده‌اند را با تخفیف عرضه می‌کنند تا از هدر رفت سرمایه خود جلوگیری کنند.

> **نکته**
> **وقتی برق قطع می‌شود، دمای فریزر بالا می‌رود و کریستال‌های یخ در بستنی شروع به رشد می‌کنند. این باعث می‌شود که بافت بستنی تغییر کند، لطافتش از بین برود و به جای یک بافت نرم و خامه‌ای، دانه‌های یخی در آن احساس شود**

همان‌طور که پیش از این اشاره شد اگر بستنی به طور کامل آب شده باشد و دوباره منجمد شود، ممکن است کریستال‌های یخ در آن تشکیل شود که کیفیت آن را کاهش می‌دهد. بنابراین، نظارت بر دمای نگهداری و بررسی وضعیت بستنی قبل از فروش یا مصرف بسیار مهم است.

### راهکارهای فروشنده‌ها

برای جلوگیری از فاسد و یا شل شدن بستنی در فروشگاه‌ها هنگام قطعی برق، می‌توان از چند روش موثر استفاده کرد. داشتن یک ژنراتور می‌تواند در مواقع قطعی برق، یخچال‌ها و فریزرها را فعال نگه دارد. قرار دادن یخ خشک در فریزرها هم می‌تواند دمای پایین را برای مدت بیشتری حفظ کند. باید توجه داشت هر بار که در فریزر باز می‌شود، هوای گرم وارد شده و باعث افزایش دما می‌شود. پس بهتر است در زمان قطعی برق، در فریزر بسته بماند. برخی فریزرها دارای عایق‌بندی قوی‌تری هستند که می‌توانند دمای پایین را برای مدت طولانی‌تری حفظ کنند و در نهایت اینکه فریزرهای پر، دمای سرد را بهتر حفظ می‌کنند. اگر فضای خالی زیادی در فریزر وجود دارد، می‌توان بطری‌های آب یخ‌زده در آن قرار داد تا دما ثابت بماند.

گزارش دو

## بستنی و تجربه‌های نایاب کودکانه

خرید بستنی برای کودکان در تابستان یکی از لذت‌های ساده و در دسترس است که شادی و آرامش را به زندگی وارد می‌کند. وقتی برق قطع می‌شود و فریزرها از کار می‌افتند، حتی همین لحظات کوچک خوشحالی تحت تاثیر قرار می‌گیرند و خاطره‌های شیرین کودکی دچار اختلال می‌شود. این موضوع محدود به بستنی نیست، بلکه بخش مهمی از پیوست اجتماعی و روانی زندگی روزمره مردم است که کمتر به آن توجه شده است.

خرداد و تابستان برای بسیاری از خانواده‌ها فصل خاطره‌سازی و تفریح است؛ بستنی به عنوان نماد خنکی و شادی نقش مهمی در ایجاد حس خوب بازی می‌کند. کودکان با انتظار خرید بستنی یا خوردن آن در هوای گرم، احساس رضایت و شادمانی پیدا می‌کنند. اما قطعی برق و آسیب دیدن کیفیت بستنی شادی‌های کوچک مردم را نیز تهدید می‌کند.

از دیدگاه روانشناسی، لحظات ساده خوشحالی مثل خوردن یک بستنی در گرمای تابستان نقش مهمی در کاهش استرس و افزایش حس رضایت دارد. این لذت‌های کوچک به خصوص برای کودکان که درگیر بازی و تحصیل هستند، فرصتی برای تجدید انرژی و آرامش ذهنی فراهم می‌کند. بنابراین قطعی برق که حتی این لحظات را از خانواده‌ها می‌گیرد، می‌تواند باعث افزایش ناراحتی و تنش‌های روانی شود.

از سوی دیگر، این مسئله در ابعاد اجتماعی نیز قابل بررسی است. در شرایطی که مشکلات اقتصادی و فشارهای مختلف بر خانواده‌ها سنگینی می‌کند، حفظ و تامین حتی لذت‌های کوچک زندگی اهمیت زیادی دارد. بستنی و کالاهای مشابه به عنوان کالاهای کم‌هزینه و در دسترس نقش مهمی در ایجاد تعادل روانی و اجتماعی ایفا می‌کنند. از دست رفتن این فرصت‌ها در نتیجه قطعی برق، احساس نابرابری و محرومیت را در جامعه افزایش می‌دهد. توجه به این ابعاد اجتماعی و روانی باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای حل بحران قطعی برق دیده شود. وقتی تصمیم‌گیران بر تامین انرژی متمرکز می‌شوند، نباید فراموش کنند که این مسئله فراتر از صرفا تامین برق است و بر کیفیت زندگی روزمره و سلامت روان مردم تاثیر مستقیم دارد. وقتی لذت خرید بستنی برای کودکان کاهش پیدا کند، اثر روانی منفی بر خانواده‌ها وارد می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که قطعی برق فراتر از صرفا یک مشکل فنی است و ابعاد اجتماعی و روانی نیز دارد.

قطعی برق در زندگی روزمره مردم تاثیر عمیقی دارد که گاهی نادیده گرفته می‌شود. بستنی به عنوان یکی از کالاهای مورد علاقه کودکان و حتی بزرگسالان، بخشی از شادی‌های ساده روزهای گرم سال است. وقتی برق قطع می‌شود و فریزرها از کار می‌افتند، کیفیت بستنی پایین می‌آید و تجربه خرید مشتریان نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد. بستنی که آب شده و دوباره منجمد شده باشد، بافت و طعم خود را از دست می‌دهد و مشتریان دیگر تمایلی به خرید آن ندارند.

در این شرایط خانواده‌ها و کودکان بخشی از یک رفاه و لذت ساده روزمره خود را از دست می‌دهند. وقتی کودکان نتوانند در تابستان بستنی مورد علاقه خود را بخورند، این موضوع باعث ناراحتی آن‌ها و حتی افزایش استرس والدین می‌شود. این فشارهای روانی در بلندمدت می‌تواند به کاهش کیفیت زندگی و افزایش نارضایتی اجتماعی منجر شود.

در نهایت، وقتی سیاست‌گذاران به این مسئله به عنوان یک مشکل فراتر از تامین انرژی نگاه کنند و توجه به شادی‌های ساده مردم را در برنامه‌های خود قرار دهند، می‌توان امیدوار بود که کیفیت زندگی روزمره بهتر شود و تاثیرات منفی قطعی برق کمتر شود.

گزارش سه

**نوسانات دمایی ناشی از قطعی برق**

**سلامت محصولات منجمد مانند سوسیس، کالباس، ماهی و میگو را تهدید می‌کند**

## نبرد نابرابر سوسیس با برق رفت و برگشتی

- **نوسانات برق باعث افزایش خطر فساد مواد منجمد و رشد باکتری‌ها می‌شود**
- **غذاهای یخ‌زده به دمای پایدار نیاز دارند تا کیفیت خود را حفظ کنند**

قطعی برق و نوسانات دمایی مکرر، یکی از چالش‌های بزرگ برای حفظ کیفیت و سلامت فرآورده‌های منجمد مانند همبرگر کارخانه‌ای، سوسیس و کالباس، ماهی و میگوی یخ‌زده به شمار می‌رود. این محصولات به دلیل ساختار خاص و حساسیت بالا به دما، در برابر تغییرات ناگهانی سرد و گرم شدن آسیب‌پذیرند و بروز چنین نوساناتی، زیان‌های مالی و بهداشتی فراوانی به بار آورد.

در ابتدا باید توجه داشت که فرآورده‌های گوشتی و دریایی منجمد به دمای بسیار پایین و ثابتی نیاز دارند تا خواص طبیعی و کیفیتشان حفظ شود. در حالت ایده‌آل، این محصولات باید در دمای منفی ۱۸ درجه سانتی گراد یا پایین‌تر نگهداری شوند. اما هنگامی که برق قطع می‌شود یا دما به طور مکرر بالا و پایین می‌رود، این شرایط به هم می‌خورد. گرم شدن باعث شروع ذوب یخ موجود در بافت محصول می‌شود و در نتیجه آب آزاد شده، شرایط رشد باکتری‌ها و میکروب‌ها را فراهم می‌کند. پس از بازگشت دوباره به دمای انجماد، این آب دوباره یخ می‌بندد اما ساختار اصلی محصول به دلیل ذوب و انجماد مکرر آسیب می‌بیند.

در این فرآیند، بافت و طعم فرآورده‌ها تغییر می‌کند. سوسیس و کالباس ممکن است حالت نرم و لزج پیدا کنند و ماهی و میگو بعد از انجماد مجدد، بافت خود را از دست بدهند و شکننده یا اسفنجی شوند. این تغییرات باعث کاهش کیفیت ظاهری و طعمی محصولات شده و مشتریان از خرید آنها امتناع می‌کنند. به همین دلیل، فروشندگان متحمل ضرر مالی می‌شوند و مصرف‌کنندگان نیز ممکن است دچار بیماری‌های گوارشی شوند.

از سوی دیگر، فرآورده‌هایی که به دفعات گرم و سرد می‌شوند، بیشتر در معرض فساد میکروبی قرار می‌گیرند. رشد باکتری‌های بیماری‌زا در دمای بین صفر تا پنج درجه سانتی گراد به سرعت افزایش می‌یابد و این مسئله سلامت مصرف‌کننده را به خطر می‌اندازد. بنابراین حتی اگر محصول دوباره یخ زده شود، نمی‌توان به سلامت آن اطمینان کامل داشت.

زیان‌های اقتصادی این وضعیت هم بسیار چشمگیر است. فروشگاه‌ها و سوپرمارکت‌ها مجبورند بخش قابل توجهی از موجودی خود را به دلیل کاهش کیفیت کنار بگذارند یا با تخفیف بفروشند که سود آنها را کاهش می‌دهد. همچنین مشتریان ممکن است اعتماد خود را به فروشگاه‌ها از دست بدهند و این موضوع بر فروش کلی اثر منفی می‌گذارد.

> **۷**
> **نوسانات دمایی مکرر در فریزرها، محصولاتی مانند سوسیس، کالباس، ماهی و میگو را به تدریج بی‌کیفیت و ناسالم می‌کند و خسارت‌های مالی و بهداشتی گسترده‌ای به همراه دارد**

برای مقابله با این مشکل، برخی فروشگاه‌ها و عرضه‌کنندگان از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند. نگهداری محصولات در فریزرهای با عایق‌بندی بهتر، استفاده از ژنراتورهای اضطراری، قرار دادن یخ خشک در فریزرها و کاهش دفعات باز و بسته شدن در فریزر از جمله اقداماتی است که می‌تواند به حفظ دمای مطلوب کمک کند. همچنین آموزش فروشندگان در زمینه مدیریت بهتر انبار و موجودی نیز اهمیت زیادی دارد.

در نهایت، استفاده از فناوری‌های نوین مانند یخچال‌های خورشیدی یا سیستم‌های هوشمند کنترل دما می‌تواند به کاهش اثرات قطعی برق کمک کند و از زیان‌های مالی و بهداشتی بکاهد. اهمیت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پایدار انرژی و توسعه منابع تجدیدپذیر نیز به‌عنوان راهکاری بلندمدت نباید نادیده گرفته شود.

در مجموع، نوسانات دمایی ناشی از قطعی برق، نه تنها به کیفیت و سلامت فرآورده‌های منجمد آسیب می‌زند، بلکه زیان‌های اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی را برای فروشندگان و مصرف‌کنندگان ایجاد می‌کند. توجه به این مسئله و یافتن راهکارهای مناسب، گامی مهم در حفظ سلامت جامعه و رونق کسب‌وکارهاست.

درباره کاهش وابستگی آمریکا و اروپا به چین و تغییر زنجیره تأمین جهانی به سمت ویتنام، مالزی و تایلند

# پکن از مدار جهان کنار زده شد

## آمریکا و اروپا سیاست‌های تعرفه‌ای سخت‌گیرانه علیه کالاهای چینی اعمال کرده‌اند

براساس داده‌های استاتیستا و شورای روابط خارجی اروپا، وابستگی خریداران آمریکایی و اروپایی به چین از سال ۲۰۱۹ که بیش از ۶۰ درصد بود، به‌تدریج کاهش یافته و در سه‌ماهه اول ۲۰۲۵ به ۴۲ درصد رسیده است. در مقابل، سهم آسیای جنوب شرقی، شامل ویتنام، مالزی و تایلند، از ۲۰ درصد به ۲۶ درصد و سایر مناطق از ۱۰ درصد به ۳۲ درصد افزایش یافته است. این تغییر نتیجه سیاست‌های تجاری سخت‌گیرانه‌ای است که از دوره اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ آغاز شد. تعرفه‌های سنگین بر کالاهای چینی و سپس اعمال تعرفه‌های ۴۶ و ۴۹ درصدی بر ویتنام و کامبوج در دور دوم ریاست‌جمهوری او در سال ۲۰۲۵، تولیدکنندگان را وادار کرد تا کارخانه‌های خود را به مناطق با تعرفه‌های پایین‌تر منتقل کنند. ویتنام، مالزی و تایلند به‌عنوان برندگان این جنگ تجاری، با جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان در صنایع فناوری، نساجی و خودروسازی، به قطب‌های جدید تولید تبدیل شده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی در مارس ۲۰۲۵، مالزی با تعرفه ۲۴درصدی، توانسته شرکت‌های بزرگی را که از کشورهای با تعرفه بالاتر فرار می‌کنند، جذب کند. ویتنام نیز با رشد ۸ درصدی صادرات در سال ۲۰۲۴، به مرکز تولید قطعات الکترونیکی بدل شده است. تایلند هم به دلیل ارتباطات تجاری متنوع با آمریکا و ژاپن، در بخش قطعات خودرو و صنایع غذایی رشد چشمگیری داشته است. بااین‌حال، این کشورها همچنان به مواد اولیه چینی وابسته‌اند، وابستگی‌ای که به پاشنه آشیل زنجیره تأمین جدید تبدیل شده است.

چین برای مقابله با این روند، استراتژی‌های جدیدی را به کار گرفته است. به گزارش ساوت چاینا مورنینگ پست در آوریل ۲۰۲۵، پکن با گسترش تجارت با مناطق جنوب شرق آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، تلاش می‌کند وابستگی خود به بازارهای غربی را کاهش دهد. این کشور همچنین با اعمال محدودیت‌های صادراتی بر عناصر کمیاب و آنتیموان، فشار بر غرب را افزایش داده است. این اقدامات، زنجیره تأمین جهانی را شکننده‌تر کرده و قیمت کالاها را بالا برده است. به گفته بلومبرگ، قیمت برخی مواد اولیه مانند لیتیوم در سال ۲۰۲۵ تا ۱۵ درصد افزایش یافته است.

در این میان، کشورهای فقیرتر آسیایی مانند کامبوج و بنگلادش، برای کاهش فشار تعرفه‌ها، به خرید کالاهای آمریکایی روی آورده‌اند اما توان مالی محدود آنها، این روند را شکننده کرده است. کشورهای ثروتمندتر مانند ژاپن و کره‌جنوبی نیز با مذاکرات طولانی‌تر، به دنبال توافقات بهتری هستند. به گزارش نیکی آسیا در می ۲۰۲۵، ژاپن با پیشنهاد خرید ۲ میلیارد دلار کالای آمریکایی، تعرفه‌های خود را به ۲۰ درصد کاهش داده است. کارشناسان معتقدند این روند ادامه خواهد یافت. گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۵، رشد اقتصادی جهانی را ۲.۸ درصد پیش‌بینی کرده که همچنان تحت تأثیر تنش‌های تجاری و بدهی‌های بالا قرار دارد. از سوی دیگر، تنش‌های سیاسی نیز بر این تحولات سایه انداخته است. به گزارش سی‌ان‌ان در می ۲۰۲۵، روابط چین و آمریکا پس از تحریم‌های جدید واشنگتن بر شرکت‌های فناوری چینی، به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. این تغییرات نه‌تنها بر اقتصاد جهانی، بلکه بر فرهنگ و هنر نیز تأثیر گذاشته است. به‌عنوان مثال، هالیوود که به سرمایه‌گذاری‌های چینی وابسته بود، اکنون با کاهش همکاری‌ها مواجه شده است.

چهره روز

آرون تیلور-جانسون، بازیگر بریتانیایی، به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی جانشینی دنیل کریگ در نقش جیمز باند مطرح شده است. انتخاب او به‌عنوان سفیر جهانی ساعت امگا که در فیلم‌های باند از «چشم طلایی» با پیرس برازنان تا «کازینو رویال»، «اسکای‌فال»، «اسپکتر» و «وقتی برای مردن نیست» با دنیل کریگ دیده شده، گمانه‌زنی‌ها درباره این موضوع را تقویت کرده است. پیش از تغییرات در استودیوی آمازون ام‌جی‌ام، شایعاتی درباره تست بازیگری تیلور-جانسون برای نقش مأمور ۰۰۷ منتشر شده بود. تغییر بازیکر جیمز باند همواره از مباحث جذاب و جنجالی طرفداران سینما و این فیلم سینمایی بوده است.

عکس روز

# فانوس‌هایی در تاریکی آینده

## دانمارک نخستین فروشگاه تجهیزات آمادگی برای بحران را در پایتخت خود راه‌اندازی کرد؛ نشانه‌ای از تغییر نگاه جهانی به پیش‌بینی بلایای طبیعی و حوادث

دیگر زمان آن گذشته که انبار کردن کنسرو و جعبه کمک‌های اولیه، کاری مختص آدم‌های وسواسی یا بدبین تلقی شود. جهان امروز، آموخته است که ثبات ظاهری‌اش، شکننده‌تر از آن است که خیال راحت داشته باشد. از همه‌گیری جهانی و تغییرات اقلیمی گرفته تا جنگ در اوکراین و تهدیدهای سایبری، زنجیره‌ای از بحران‌ها، نهادهای مسئول را واداشته تا به مردم هشدار دهند: برای چند روز بی‌برقی، بی‌آبی و عدم دسترسی به آذوقه آماده باشید. در این میان، دانمارک قدمی تازه برداشته است: نخستین فروشگاه ویژه آمادگی بحران، در محله‌ای از کپنهاگ بازگشایی شد؛ جایی که شهروندان می‌توانند بسته‌هایی حاوی غذاهای خشک، تصفیه‌گر آب، چراغ دستی، دستگاه‌های بدون نیاز به برق، کیف نجات و دیگر اقلام مورد نیاز برای سه شبانه‌روز اضطراری را تهیه کنند. به گفته بنیانگذاران، هدف اصلی فروشگاه، فراهم آوردن وسایلی فشرده و کارآمد برای شهرنشینانی است که فضای کافی و دسترسی آسان به منابع اضطراری ندارند.

**یک تجربه جهانی، نه منحصر به دانمارک**

گرچه فروشگاه دانمارکی نخستین از نوع خود در این کشور است اما در سطح جهان، چنین تجربه‌هایی پیشینه‌ای طولانی دارد و هر بار، با حادثه‌ای بزرگ، قوت گرفته است. در بریتانیا، پس از بحران‌های زنجیره تأمین ناشی از خروج از اتحادیه اروپا، فروشگاه‌هایی با تمرکز بر بسته‌های بقاء شکل گرفتند. شهروندان بسیاری نیز با ذخیره غذا، سوخت و نصب اجاق‌های مستقل در خانه، دست به کار شدند. در آلمان، با تهدید قطع گاز در زمستان و فشار جنگ اوکراین، دولت به شهروندان توصیه کرد خود را برای بروز بحرانی ۱۰ روزه آماده کنند. فروشگاه‌هایی در شهرهای بزرگ به فروش ابزار و آموزش بقای همزمان مشغول شدند؛ از دستگاه تصفیه آب تا بخاری‌های دستی و شارژرهای بدون برق. در ژاپن که تجربه پی‌درپی زلزله و سونامی دارد، فرهنگ آمادگی برای بحران از کودکی آموزش داده می‌شود. فروشگاه‌هایی در این کشور حتی بسته‌های اضطراری ویژه سالمندان، کودکان و حیوانات خانگی تهیه می‌کنند.

**نبود آمادگی، خطری واقعی**

اگرچه ایده آمادگی ممکن است ساده به‌نظر برسد اما در عمل، نبود همین آمادگی ساده، در بحران‌های واقعی فاجعه‌بار شده است. برای مثال، در طوفان «کاترینا» هزاران نفر از ابتدایی‌ترین نیازها محروم ماندند و سرمای بی‌سابقه تگزاس مزید بر علت شد و جان بسیاری را به خطر انداخت. نبود فرهنگ آمادگی، نه‌تنها در لحظه بحران که در بازسازی روحی جامعه نیز اثرگذار است. شهروندانی که حس می‌کنند آمادگی برای هیچ مواجهه‌ای را ندارند، زودتر دچار ترس، ناامیدی و حتی خشونت می‌شوند.

**فروشگاه‌هایی برای تقویت آینده**

راه‌اندازی فروشگاه‌های آمادگی، تنها عرضه ابزار نیست؛ بازسازی نوعی از فرهنگ است. فرهنگی که می‌گوید: خانه باید دژی مستحکم و مستقل باشد و هر خانواده باید مهارت و ابزار ایستادگی در برابر بحران را داشته باشد. آمادگی، سرمایه‌ای در برابر هراس است و شاید روزی که تاریکی، برق را ببلعد و طوفان و زلزله زمین را زیر و رو کند، همین چراغ‌قوه‌ها، همین کنسروها، همین تصمیم‌های ساده امروز، تفاوت میان امنیت و آشوب، میان بقا و نابودی باشد.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

ینگه دنیا

# حکایتِ زخمِ بازِ پنج ساله

## نگاهی به وضعیت سیاه‌پوستان چند گوشه جهان در پنجمین سالگرد قتل جورج فلوید و اغاز جنبش «جان سیاه‌پوستان مهم است»

رامتین لطیفی
دبیر سرویس بین الملل

آمارها گواهند که نه‌تنها زخم کهنه تبعیض نژادی در آمریکا التیام نیافته، بلکه خشونت پلیس همچنان قربانی می‌گیرد. از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴، شمار کشته‌شدگان سیاه‌پوست به‌دست پلیس آمریکا همواره نزدیک به هزار نفر در سال بوده و در سال گذشته به هزار و ۱۲۶ نفر رسید. با این حساب، این روند پس از قتل جورج فلوید در اردیبهشت ۱۳۹۹، نه‌تنها کاهشی نداشته بلکه صعودی هم بوده است. در این میان، گرچه بیشتر قربانیان هنگام برخورد با پلیس، سلاح داشته‌اند اما شمار غیرمسلحانی که جان باخته‌اند نیز کم نیست؛ در سال گذشته، ۷۴ نفر از سیاه‌پوستان کشته‌شده توسط پلیس، نه سلاحی در دست داشتند، نه تهدیدی به‌حساب می‌آمدند. شکاف نژادی در این خشونت مرگبار نیز بسیار آشکار است. سیاه‌پوستان آمریکایی با نرخ ۶.۷ در هر ۱۰۰ هزار نفر و بومیان آمریکا با نرخ ۶.۸، بیشترین قربانیان خشونت پلیس بوده‌اند؛ در حالی که این نرخ برای سفیدپوستان ۲.۵ و برای آسیایی‌تبارها تنها یک نفر در ۱۰۰ هزار است. در مقام مقایسه میان ایالت‌ها نیز، سیاست حزبی نقش مهمی دارد. در ایالت‌هایی که در انتخابات اخیر به حزب جمهوری‌خواه و دونالد ترامپ رأی داده‌اند، نرخ کشتار پلیس از ۳.۵ به ۴ در ۱۰۰ هزار رسیده اما در ایالت‌های دموکرات‌نشین، این عدد از ۳ به ۲.۵ کاهش یافته است. به‌عبارتی، در سرزمین آزادی، بختِ زنده‌ماندن گاه بستگی به رنگ پوست و گرایش سیاسی محل زندگی دارد.

**برزیل؛ قانون جنگل در جامه قانون**

در خیابان‌های حاشیه‌ای شهر سائوپائولو، آژیر پلیس نه نشانه امنیت که نوید فاجعه است. در این کشور، قتل سیاه‌پوستان به‌دست پلیس نه‌تنها عادی، بلکه گاه مایه غرور شمرده می‌شود. بسیاری از نیروهای پلیس برزیل به دوربین‌های بدن‌پوش بی‌اعتمادند و مخالف استفاده از آنها بوده‌اند؛ مخالفتی که نشان می‌دهد شفافیت، دشمن سیاست کشتار بی‌پاسخ است. استان باهیا که تحت حاکمیت حزب چپ‌گرای کارگران است، کارنامه‌ای سیاه‌تر از بسیاری از ایالت‌های محافظه‌کار دارد. در کمتر از یک سال، ۷۵۲ نفر در جریان عملیات پلیس کشته شده‌اند که ۹۸ درصد آنها سیاه‌پوست بوده‌اند. این یعنی از هر ۱۰۰ نفر کشته‌شده، ۹۸ نفر از تبار آفریقایی بوده‌اند؛ در کشوری که خود، بزرگ‌ترین جمعیت سیاه‌پوست خارج از قاره آفریقا را در خود جای داده است. از آن بدتر، آمریکا به‌رغم شعارهای پرطمطراق، همچنان به نیروهای پلیس برزیل کمک آموزشی و مالی می‌رساند؛ کمک‌هایی که بیشتر به تقویت خشونت انجامیده تا اصلاح.

**آفریقای جنوبی؛ تبعیضی نو با چهره‌ای آشنا**

در ژوهانسبورگ، صدای اعتراض به نژادپرستی آمریکا، با زخمی کهنه از خشونت دولتی درهم‌آمیخته بود. در سال ۲۰۲۰، مردم این کشور برای بزرگداشت نام جورج فلوید به خیابان آمدند اما در همان سال، یک شهروند به نام کالینز خوسا به‌دست نظامیان کشور خودشان کشته شد. خشونت دولت علیه شهروندان نه پدیده‌ای تازه که واقعیتی روزمره در آفریقای جنوبی است. از سویی دیگر، موج مهاجرت شهروندان سیاه‌پوست آمریکایی که از فضای تبعیض در کشور خود گریخته‌اند، با نوعی استعمار نوین همراه شده است. آنان که در جست‌وجوی آسایش به کیپ‌تاون آمده‌اند، بی‌توجه به خواسته‌های مردم بومی، قیمت مسکن و کالاهای اساسی را بالا برده‌اند. این رفتار، حتی از سوی برخی روشنفکران محلی، به‌مثابه استعمار سبک زندگی تعبیر شده است؛ جایی که آسایش سیاه‌پوستان غربی، به بهای فقر بیشتر سیاه‌پوستان آفریقایی تمام می‌شود.

**آلمان؛ انتظار بی‌سرانجام برای عدالت**

برلین در تابستان ۱۳۹۹ صحنه‌خیزش هزاران نفر از سیاه‌پوستان و حامیان آنان بود. برای نخستین‌بار، بخش‌هایی از جامعه سفیدپوست نیز به خیابان آمدند تا علیه تبعیض صدای خود را بلند کنند. دولت فدرال وعده داد ۸۹ اقدام مشخص برای مقابله با نژادپرستی اجرا کند؛ وعده‌هایی که امروز، پنج سال بعد، به فراموشی سپرده شده‌اند. در فروردین ۱۴۰۴، پلیس در شهر اولدنبورگ، مرد جوانی از جامعه آفریقایی‌تبار را از پشت با گلوله کشت. این حادثه، بار دیگر فضای ترس و ناامنی را میان سیاه‌پوستان ساکن آلمان زنده کرد؛ ترسی که دولت فدرال حتی حاضر نشد درباره‌اش اظهارنظری کند. در برابر این سکوت و بی‌عملی، فعالان ضدنژادپرستی رویکردی تازه پیش گرفته‌اند. آنان اکنون بیشتر به ساخت نهادهای مستقل و سیاه‌محور روی آورده‌اند. پروژه «آفروزِنسوس» با هدف گردآوری داده درباره جمعیت یک میلیون نفری آفریقایی‌تبار در آلمان، نمونه‌ای از این تلاش‌هاست. اکنون امید به اصلاح از بالا، جای خود را به ساخت قدرتی ماندگار از پایین داده است؛ راهی دشوار اما ارزشمند.

کیوسک

کوریا هرالد کره‌جنوبی، عکس و تیتر یک خود را به تعرفه ۲۵ درصدی ترامپ روی محصولات اپل که خارج از آمریکا تولید می‌شوند، اختصاص داد و از تاثیر منفی آن روی کارخانه سامسونگ نوشت.

لیبراسیون فرانسه، عکس و تیتر یک خود را به تاثیرات سو و مخرب آفت‌کش‌ها، چاه‌های آب و مزارع غول‌پیکر بر محیط زیست اختصاص داد.

یلو زون

# اسکورسیزی و دی کاپریو در قلب مافیای خونین!

مارتین اسکورسیزی، اسطوره ۸۲ ساله هالیوود، با پروژه‌ای جنجالی به نام «نیمه‌شب خون‌خواهی» (Midnight Vendetta) بازمی‌گردد. به گزارش «ورلد آو ریل»، این فیلم که ساخت آن هنوز به طور رسمی اعلام نشده، داستان ظهور مافیای ایتالیایی در نیو اورلئان دهه ۱۸۹۰ را روایت می‌کند؛ دورانی مملو از جنایت، خیانت و انتقام. فیلم به مهاجران سیسیلی می‌پردازد که در جست‌وجوی رؤیای آمریکایی به نیو اورلئان آمدند اما قتل «دیوید هنسی»، رئیس پلیس شهر در سال ۱۸۹۰، همه‌چیز را تغییر می‌دهد. هنسی پیش از مرگ، مهاجران ایتالیایی را مقصر دانست و این اتهام، موجی از خشونت را به راه انداخت. یورش به زندان و قتل ۱۱ ایتالیایی‌تبار نیز خشم مافیای سیسیل را برمی‌انگیزد و نیو اورلئان را به خاستگاه جرایم سازمان‌یافته آمریکا بدل می‌کند. فیلمنامه این درام تاریخی توسط اریک راث، نویسنده تحسین‌شده «قاتلان ماه گل‌گون»، نگاشته شده و نوید یک اثر نفس‌گیر را می‌دهد. لئوناردو دی کاپریو، ستاره همیشگی آثار متاخر اسکورسیزی، به احتمال فراوان، نقش اصلی را بازی خواهد کرد، هرچند قرارداد او هنوز امضا نشده است. اسکورسیزی که پروژه‌های دیگری مانند «شیطان در شهر سفید» و فیلمی درباره مسیح را در دست دارد، بار دیگر با این اثر جاه‌طلبانه همه را منتظر شاهکاری جدید نگه داشته است.

**بازتاب نخل طلایی ۲۰۲۵؛ واکاوی واکنش کاربران و منتقدان فرهنگی در فضای مجازی**

# پناهی و نخل طلا؛ تبریک بگوییم یا نگوییم؟

سمیه خاتونی
هفت صبح

پس از آنکه جعفر پناهی موفق شد نخل طلای جشنواره کن ۲۰۲۵ را به دست آورد، موجی از واکنش‌ها در فضای رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و میان منتقدان و پژوهشگران سینما به راه افتاد. پرسش اصلی در این واکنش‌ها درباره کیفیت فیلم یا پیام آن نبود، بلکه درباره موضع‌گیری نسبت به شخص پناهی بود: تبریک بگوییم یا نگوییم؟

در ساعات ابتدایی اعلام خبر، شبکه‌های اجتماعی با دو قطب کاملا متمایز واکنش‌ها مواجه شدند. گروهی با تحسین این دستاورد را نمادی از مقاومت هنرمند در برابر سانسور و محدودیت خواندند و گروهی دیگر این دستاورد را زیر سوال بردند. این دوگانه‌سازی نه تنها از سوی کاربران، بلکه در میان منتقدان فرهنگی و سینمایی نیز مشهود بود؛ به گونه‌ای که برخی از منتقدان سینما در نقدهایشان ناخواسته نقد هنری را به حاشیه راندند و به تریبون‌های سیاسی نزدیک شدند. بنابراین آنچه در کنار این موفقیت هنری شایسته واکاوی است، نه صرفا جایزه بلکه نوع مواجهه جامعه فرهنگی و کاربران شبکه‌های اجتماعی با این رخداد است. مواجهه‌ای که بیش از آنکه بازتاب‌دهنده افتخار ملی باشد، آینه‌ای از شکاف‌های گفتمانی، تعارضات ایدئولوژیک و فقدان روایت واحد در مواجهه با هنرمند است.

در ابتدا باید پذیرفت شرایط اجتماعی و سیاسی پیچیده در جهان سبب شده که هنر و هنرمند نه به عنوان پدیده‌ای مستقل بلکه در بستری از معادلات ایدئولوژیک درک و تفسیر شوند. در چنین فضایی، جشنواره کن نه به عنوان رویدادی هنری، بلکه به مثابه صحنه‌ای برای نبرد روایت‌ها دیده می‌شود. جایی که هر جایزه‌ای می‌تواند نشانه‌ای برای اثبات یا نفی یک گفتمان باشد.

نکته حائز اهمیت، غیبت نقد تخصصی در بسیاری از این واکنش‌هاست. نقد سینمایی به عنوان یک کنش فرهنگی، نیازمند فاصله‌گیری از هیجان‌های لحظه‌ای، تحلیل ساختاری اثر و درک مناسبات تولید و پخش فیلم است. اما در فضای مجازی، این ظرفیت کمتر دیده می‌شود و جای خود را به داوری‌های سریع و جهت‌دار داده است. این مسئله، بار دیگر ضرورت تقویت روزنامه‌نگاری فرهنگی تحلیلی و مستقل را یادآور می‌شود. روزنامه‌نگاری که بتواند میان اثر هنری و زمینه‌های اجتماعی‌اش تمایز قائل شود، بدون آنکه در دام ساده‌سازی‌های رایج بیفتد.

### درنگی بر مواجهه فرهنگی با یک اتفاق سینمایی

در زمانه‌ای که بسترهای اجتماعی مملو از واکنش‌های احساسی و قضاوت‌های آنی است، ضرورت بازاندیشی کلان‌نگرانه نسبت به رخدادهای فرهنگی، بیش از پیش احساس می‌شود. برای این مهم باید از سطح تحلیل‌های شخص‌محور و واکنش‌های مقطعی فراتر رفت و مسئله را در بستری ساختاری، تاریخی و فرهنگی مورد تأمل قرار داد. هدف از این نوشتار نه تعیین تکلیف است و نه صدور حکم فرهنگی یا اخلاقی؛ بلکه تلاشی است تا این رویداد را در بستری تاریخی و تحلیلی فارغ از هیجانات لحظه‌ای مورد واکاوی قرار دهد.

دریافت نخل طلا توسط جعفر پناهی، جدا از ارزش سینمایی آن، فرصتی است برای تأمل دوباره بر نسبت ما با مفهوم «موفقیت هنری» و پرسش از اینکه آیا جامعه فرهنگی ما آمادگی مواجهه با افتخار را دارد یا نه؟ و آیا می‌توانیم در بحبوحه مجادلات سیاسی، صداهای مستقل هنری را به عنوان بخشی از حافظه فرهنگی‌مان به رسمیت بشناسیم؟

روشن است که پناهی یک هنرمند اپوزیسیون و منتقد به وضعیت موجود است و نگاهش برای برخی تند، تلخ و یا گزنده است. این خاصیت هنر پناهی است او از آن دست هنرمندانی است که هیچگاه به لباس موافق در نمی‌آید، هنرمندانی که معتقدند هنر همواره بر ساختار است نه همسو با ساختار! در این طرز فکری نظام با هر مشخصاتی به دلیل ساختار حاکمیتی نفی می‌شود. بی‌جهت نبود که ژان لوک گدار بارها ساز و کار جشنواره کن را به باد انتقاد گرفت و از آن به عنوان سلاحی تبلیغاتی برای دولت‌ها یاد کرد.

اما نکته حائز اهمیت این است که تاریخ سینما، همچون تاریخ فوتبال و سایر هنرها، چندان به نیت‌ها، مناسبات پشت‌پرده یا بازی‌های سیاسی در لحظه وقعی نمی‌نهد. آنچه باقی می‌ماند یک آمار است، یک اثر انگشت، یک دستاورد ثبت شده در حافظه جهانی است. درست همان‌طور که نخل طلای عباس کیارستمی در ۱۹۹۷ برای ایران در تاریخ ماند، نخل طلای پناهی نیز بخشی از کارنامه سینمای ایران خواهد بود، فارغ از آنکه امروز با آن چگونه برخورد کنیم.

در نهایت، تاریخ به یاد خواهد آورد که ایران، با تمام تناقض‌ها، گسست‌ها و پیچیدگی‌های سیاسی‌اش، در سال ۲۰۲۵ نخل طلا گرفت. ثبت این جایزه در حافظه سینمای جهان، نقطه‌ای است در امتداد مسیری که با کیارستمی آغاز شد و با فیلم‌سازانی چون پناهی و دیگران ادامه می‌یابد. الگویی از تداوم حضور سینمای ایران در سطح جهانی و گشودن درهایی تازه برای فیلم‌سازان با دیدگاه‌ها و سلیقه‌های گوناگون.

### اپوزیسیون مهاجر یا درون‌زا؟

نکته دیگر، حضور جعفر پناهی در این مسیر است. فیلم‌سازی که به‌رغم محدودیت‌ها، بازداشت، ممنوعیت کار همچنان ایستادگی کرد و فیلم ساخت. او نه تنها از کشور نرفت، بلکه با تمام دشواری‌ها، در داخل ایران فیلم ساخت و آن را به سطح اول سینمای جهان رساند. این حرکت به نوعی پاسخ است به هنرمندانی که از بیرون، نسخه‌ای سیاسی برای تغییرات اجتماعی در ایران می‌پیچند. بدون آنکه خود در متن واقعیت‌های کشور زیست کرده باشند و همچنین انعکاسی صادقانه از فضای سینمایی ایران است که در آن هنرمند در دیالکتیکی دو سویه می‌تواند حرفش را بزند و کارش را پیش ببرد هر چند که در ادامه ممکن است به خاطر عدول از برخی ساختارها بازخواست شود.

جعفر پناهی، چهره‌ای که در سال‌های اخیر به‌عنوان نماد سینمای معترض شناخته شده، درون ایران مانده، فیلم ساخته، خطر کرده و به‌جای آن‌که نقش اپوزیسیون مهاجر را بازی کند، درون‌زا مانده است. این مسئله، فارغ از رویکردهای سیاسی او، حامل پیام مهمی برای اهالی فرهنگ است: ایستادگی درون یک ساختار، ولو با چالش همچنان می‌تواند صدا داشته باشد. ارزش کار او در این است که در دل محدودیت‌ها و با پایبندی به حضور در سرزمین مادری، اثری قابل رقابت در سطح جهانی ارائه کرده است. این اتفاق نشان می‌دهد که امکان خلق اثر هنری موثر در دل دشواری‌ها وجود دارد، و همین پویایی می‌تواند نقطه امیدی برای آینده سینمای ایران باشد.

در کنار پناهی، حضور چهره‌هایی چون سعید روستایی نیز در این جشنواره قابل تأمل است. او نماینده نوعی از سینمای محافظه‌کارتر است که تلاش می‌کند میان خطوط قرمز رسمی و زبان جهانی سینما، تعادلی برقرار کند. روستایی اگرچه شاید جسارت پناهی را نداشته باشد، اما باز هم در سطحی بین‌المللی حضور دارد و این حضور، خود نشان از چندصدایی بودن سینمای ایران است.

### گوش تاریخ به آمار و داده‌ها حساس‌تر است تا به هیاهو

درنهایت آنچه باید به آن اندیشید، نه صرفا تبریک یا تقبیحِ موفقیت یک فیلم‌ساز، بلکه درک جایگاه سینمای ایران در زیست‌بوم فرهنگی جهان است. نخل طلا تنها یک جایزه نیست، سندی است بر پویایی هنری در دل تضادها و نشانه‌ای از تداوم فرهنگی یک ملت. شاید همین استمرار، بزرگ‌ترین دستاورد باشد. استمرار سینمایی که به‌رغم همه موانع، هنوز صدایی برای گفتن دارد. یک نشانه برای فیلم‌سازان جوانی که هنوز به آینده امیدوارند، برای هنرمندانی که می‌خواهند «سینمای خودشان» را بسازند و با زبان خودشان با جهان حرف بزنند.

به همین اعتبار، اگر بخواهیم نگاه فلسفی‌تری داشته باشیم، جایزه پناهی نه تز است و نه آنتی‌تز؛ بلکه بخشی از دیالکتیک تاریخی یک ملت است که می‌خواهد خودش را در آینه جهانی بازتاب دهد.

افزون بر این در تحلیل چنین رویدادی می‌بایست منطق تاریخی نیز در نظر گرفته شود. در نظام‌های اجتماعی، آن‌چه درنهایت به جریان مسلط بدل می‌شود، برآیند بلندمدت اراده جمعی و تجربه‌گرایی اکثریت است. در شرایطی که بخشی از جامعه خواهان آزمون مسیرهای جدید فرهنگی است، هرگونه مقاومت در برابر آن، اگر فاقد مشروعیت اجتماعی باشد نه تنها ناکارآمد که به نوعی نفی پویایی اجتماعی تلقی می‌گردد. از این منظر، حتی اگر منتقد دریافت این جایزه باشیم، نمی‌توان از اهمیت آن به عنوان یک مولفه اثرگذار در روند فرهنگی ایران غفلت کرد. لازم است آن را به مثابه بخشی از دیالکتیک مستمر فرهنگ معاصر ایران تحلیل کرد؛ دیالکتیکی که در آن سینما، به عنوان یکی از هنرهای زبانی-روایی، قادر است روایتی موازی با روایت رسمی ارائه دهد.

درنهایت تاریخ گوشش به آمار و داده‌ها حساس‌تر است تا به هیاهو. آنچه از ما باقی می‌ماند نه بحث‌های تلخ این روزها، بلکه دستاوردهایی است که در ساختار جهانی ثبت شده‌اند. ما به عنوان ناظران فرهنگی و اگر نه هنرمند، لااقل به‌عنوان انسان‌های مستقل، وظیفه داریم صدای اکثریت جامعه را درک کنیم و اجازه دهیم مسیر تجربه و آزمون ادامه یابد حتی اگر گاهی با سلیقه شخصی ما ناسازگار باشد. در این میان آنچه خطرناک است، نه صدای بلند یک فرد یا جایزه یک کارگردان، بلکه آن است که برآیندِ عمومی و جریان اصلی جامعه به حاشیه رانده شود و خواستِ اکثریت فدای اقلیت شوند و فرصت تجربه‌گرایی اکثریت جای خود را به صلاحدید اقلیت دهد.

### سینمای جهان سوم؛ مشروعیت یا رسمیت!

سینمای ایران، به مثابه بخشی از سینمای جهان سوم، همواره در تلاش بوده است تا جایگاه خود را در نظم غالب سینمای جهانی (که به طور سنتی تحت سلطه گفتمان‌های سفیدپوست اروپایی-آمریکایی قرار دارد) بازتعریف کند. در چنین ساختاری، هر موفقیت بین‌المللی برای یک فیلم‌ساز ایرانی، نه صرفا یک رویداد شخصی، بلکه ثبت یک نشانه تاریخی برای منطقه است. این جایزه از جهت جایگاه نمادین در نظام بین‌المللی سینما، به مثابه «اثر انگشت فرهنگی» است. اثری که بعد از گذر از تابع جنجال‌های لحظه‌ای، تابع روندهای بلندمدت تاریخی خواهد شد و درنهایت تاریخ هنر سینما درباره ماندگاری یا عدم‌ماندگاری آن قضاوت خواهد کرد. با این وجود چنین جوایزی در کنار سایر مولفه‌ها، می‌توانند به برهم زدن ساختارهای تثبیت شده مرکز در سینما کمک کنند. به ویژه برای سینمای جهان سوم که در مسیر تثبیت صدای خویش، به این دست موفقیت‌ها نیازمند است. نه از آن رو که مشروعیت خود را وامدار نهادهای غربی سازد، بلکه از آن جهت که در حافظه تاریخی نظم سینمای جهان، به عنوان بازیگری موثر و دارای روایت مستقل به رسمیت شناخته شود.

نخل طلای پناهی، با همه پیچیدگی‌های پیرامونش، اینک بخشی از تاریخ رسمی سینمای ایران در جهان است. این واقعیت را اگرچه نمی‌توان الزاما جشن گرفت، اما می‌توان محترمانه به رسمیت شناخت. به مثابه استمرار صدای متفاوت، مستقل و قابل شنیدن سینمای ایران در سپهر بین‌الملل.

# پاسخ سازمان صدا و سیما به گزارش «مدیران در قاب رسانه مانده‌اند»

**پیرو گزارش «مدیران در قاب رسانه مانده‌اند» که به تاریخ ۲۹ اردیبهشت‌ماه در صفحه فرهنگ و هنر منتشر شده است، سازمان صدا و سیما، جوابیه‌ای به روزنامه هفت صبح ارسال کرده است. این جوابیه به شرح زیر است.**

پیش از آنکه نگاهی کارشناسانه به گزارش سرکار خانم عسل آذرپور ـ دبیر محترم فرهنگ و هنر روزنامه هفت صبح ـ داشته باشیم، لازم به ذکر است که شیوه ورود ایشان به موضوع، بیش از آنکه مبتنی بر تحلیل فنی و تخصصی باشد، متأثر از نگاه شخصی و پیش‌داوری است. بدیهی است رویکرد فردی هر نویسنده محترم و شایسته احترام است؛ اما اینکه ایشان در مقام دبیر فرهنگ و هنر روزنامه اظهار کرده‌اند که در اتاق محل کارشان دو دستگاه تلویزیون وجود دارد که همواره خاموش است، جای تأمل دارد. این در حالی است که تعداد قابل توجهی از شهروندان، به اقتضای حرفه خود، در محیط کار به طور مستمر تلویزیون را روشن نگه می‌دارند و توصیه می‌شود با توجه به مسئولیت‌شان در نقد سازنده و کارشناسی عملکرد رسانه ملی، برای ارزیابی منصفانه، از ظرفیت تلویزیون در محل کار خود نیز بهره‌مند شوند تا شائبه قضاوت‌های سطحی و بدون اطلاع که با رسالت حرفه روزنامه‌نگاری در تعارض است، ایجاد نشود. نویسنده گزارش ابتدا اعلام کرده قصد دارد با اتکا به داده‌های آماری به نقد عملکرد سازمان بپردازد؛ اما در عمل گزارشی غیرکارشناسانه ارائه داده است که در ادامه برخی محورهای آن بررسی می‌شود:

**۱.** براساس گزارش منتشر شده، نویسنده محترم به پیگیری اخبار حادثه بندر شهیدرجایی بندرعباس اشاره داشته و مدعی شده که سازمان صدا و سیما صرفا به یک زیرنویس و خبر کوتاه درباره انفجار بسنده نموده است. درحالی که انتظار می‌رود به عنوان خبرنگاری باسابقه، به تجربیات مدیرمسئول محترم روزنامه که خود از سابقه مدیریتی در رسانه ملی برخوردارند نیز مراجعه می‌کردند؛ چرا که ایشان به خوبی واقف‌اند که هیچ رسانه ملی و جریان اصلی اطلاع‌رسانی در هیچ کشوری مجاز به فدا کردن صحت و دقت به بهای سرعت نیست. روشن است که در مقایسه با شبکه‌های اجتماعی، جریان رسانه‌ای رسمی محدودیت‌هایی در انتشار اخبار به لحاظ صحت و رعایت مقررات دارد، ضمن آنکه در بسیاری از موارد، برخی نهادهای مافوق نیز در نحوه انتشار اخبار از سوی رسانه ملی سیاستگذاری می‌کنند.

**۲.** به تصریح متخصصان ذی‌ربط، عملکرد سازمان صدا و سیما در پوشش خبری انفجار بندر شهیدرجایی بندرعباس دقیق، به موقع و مطابق اصول حرفه‌ای بوده است. گزارش‌های پخش زنده، حضور مستمر خبرنگاران و انتشار اخبار به شکل لحظه‌ای و کارشناسی شده، شاهد این ادعاست. اختصاص زمان مناسب در بخش‌های خبری مختلف، اعم از اخبار ساعت ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ و نیز مصاحبه‌ها با مقامات مسئول، بیانگر اهتمام سازمان به مدیریت اطلاع‌رسانی بحران بوده است. از این‌رو، شایسته است مدیریت محترم روزنامه علت عدم توجه به این موارد با وجود دو تلویزیون در اتاق دبیر محترم را مورد بررسی قرار دهند.

**۳.** نویسنده در بخش دیگری از گزارش، اذعان دارد که برای تحلیل وضعیت فعلی ناگزیر است به آمارهای روابط‌عمومی سازمان صدا و سیما مراجعه کند؛ اما از یک‌سو، آمار سازمان را ملاک قضاوت قرار می‌دهد و از سوی دیگر، صحت آن را زیر سؤال می‌برد! این رویکرد، ارزشیابی سنجیده و علمی را خدشه‌دار و نحوه قضاوت نویسنده را مبتنی بر تمایل ایشان به اثبات ادعای پیش‌داورانه به هر شکل و با تمسک به هر ابزار می‌نمایاند.

**۴.** نویسنده محترم با استناد هم‌زمان به دو گزاره ـ یکی درباره رشد مخاطبان رسانه‌های اجتماعی و دیگری درصد استفاده از این رسانه‌ها ـ کوشیده نتیجه‌ای معارض با داده‌های مرکز تحقیقات صدا و سیما درباره مخاطب تلویزیونی القا کند. درحالی که تفاوت کارکرد خبررسانی تلویزیون و رسانه‌های اجتماعی نیازی به توضیح کارشناسی ندارد و قیاس ارقام مربوط به جمعیت مخاطب، بدون توجه به این تمایز، مغالطه‌آمیز است. توصیه می‌شود برای تحلیل عمیق‌تر، مقایسه‌ای با داده‌های مراجع بین‌المللی سنجش مخاطب مانند نیلسن (آمریکا)، بارب (بریتانیا) و استاتیستا (آلمان) صورت پذیرد.

**۵.** در ادامه گزارش، به نقل از رئیس محترم مرکز تحقیقات، بر توقف سیر نزولی مخاطبان و افزایش بینندگان بخش‌های خبری اشاره شده است. مقایسه درصد استفاده از شبکه‌های اجتماعی (۷۴/۲ درصد) با میزان بینندگان اخبار (۶۰/۴ درصد) از جانب نویسنده، بدون در نظر گرفتن کارکردهای مختلف این رسانه‌ها، قابل‌پذیرش نیست. شایان ذکر است که سهم قابل‌توجهی از اخبار شبکه‌های اجتماعی فارسی نیز برگرفته از سازمان صدا و سیما است و هم‌زمانی مصرف این رسانه‌ها، به معنای ترک یا کاهش مخاطب تلویزیونی نیست. مضاف بر آن که با وجود تفوق بدیهی شبکه‌های اجتماعی در همه جای دنیا، این میزان مراجعه به اخبار رسانه ملی جزو توفیقات آن به شمار می‌رود و درحالی که تلاشی هدفمند برای بی‌مخاطب نشان دادن رسانه ملی می‌شود، این داده قابل توجه نکته‌ای مثبت است.

**۶.** نگارنده در بخش «تحولی از میراث گذشتگان» به موضوع بحران قهر مخاطب و سرمایه در ابتدای دوره مدیریتی ریاست فعلی سازمان اشاره کرده است؛ اما از نظر دور داشته که وقوع حوادث اجتماعی و سیاسی سال ۱۴۰۱ بر تعامل برخی هنرمندان با رسانه ملی تأثیر گذاشت. با این وصف، بازگشت هنرمندان و تولیدات جدید صدا و سیما با حضور، همکاری و نقش‌آفرینی آنان — که البته «پایتخت ۷» به عنوان نمونه شاخص آن، عقبه‌ای بیش از دو سال داشته و خلق‌الساعه هم نیست- حاصل سیاست‌های تعاملی سازمان است؛ کما اینکه در تمام این مدت نیز سازمان از همکاری چهره‌های ارزشمند و شاخص هنر کشور بهره‌مند بوده و حضور شخصیت‌هایی که همکاری آنان در هر پروژه سینمایی و... آرزوی هر سینماگر و برنامه‌ساز است، مؤید همین گزاره است. عطف مجدد به موضوع تولید «پایتخت ۷»، توجه به این نکته را مفید می‌داند که در همان حالی که تلاشگران هدفمند ترسیم سیمای منزوی از رسانه ملی، مدام در حال تخریب صدا و سیما بودند، گروه تولید «پایتخت» و سیمافیلم در فضایی دور از هرگونه هیاهو و جنجال خبری، تلاشی دو ساله را پشت سر گذاشتند و این سریال را به مرحله پخش رساندند.

**۷.** برداشت خبرنگار محترم از سخنان ریاست سازمان، مبنی بر رد ورود هنرمندان و چهره‌های مشهور به رسانه ملی، صحیح نیست و تأکید مجدد می‌شود که تربیت استعدادها و همکاری با چهره‌های جدید در کنار همکاری با هنرمندان شناخته شده و متعهد، همواره مورد توجه مدیریت صدا و سیما بوده و هست. مستند به مصاحبه‌های متعدد ایشان، باب همکاری همواره گشوده بوده و محدودیتی برای حضور و همکاری هنرمندان پیش‌بینی نشده است.

**۸.** در بخش دیگری از گزارش، با اشاره به مجموعه نمایشی «پایتخت ۷»، میان میزان مخاطب آن و سریال‌های پس از آن قیاس غیرکارشناسانه و دور از واقع‌بینی و شاخصه‌های علمی صورت گرفته است. سازمان صدا و سیما بارها بر تداوم تولید و حمایت از ویژندهای موفق تولیدی خود تأکید داشته و افتخار دارد که میزان مخاطب سریال‌های شاخص در دوره تحول از آمار قابل توجهی برخوردار بوده است.

**۹.** بهره‌گیری نگارنده از اسناد و داده‌های غیرعلنی سازمانی، سطح تحلیل قابل اطمینانی از یک گزارش پژوهشی را نیز فراهم نیاورده است. ای کاش مطالعه و دقت بیشتری در تحلیل همه جانبه داده‌ها مشاهده می‌شد تا گزارش حاضر از شاخصه‌های حرفه‌ای بیشتری بهره‌مند گردد. بهره‌گیری نگارنده از اطلاعات پژوهشی خاصی را که محتوا و هدف آن‌ها ارتباطی با قضاوت و نتیجه‌گیری هدف‌دار ایشان ندارد نیز بایستی در زمره همان رفتار دوگانه ایشان دانست که با اطلاعات آماری اعلامی از سوی روابط‌عمومی سازمان داشته‌اند.

شناسه آگهی : ۱۹۳۶۹۹۸ نوبت اول

شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان

فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) یک مرحله ای

شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان در نظر دارد مناقصه های عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۲ می باشد.
آخرین مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت : ساعت : ۱۹:۰۰ روزدو شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۲
آخرین مهلت زمانی ارائه پیشنهاد : ساعت : ۱۳:۰۰ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۷
**زمان بازگشایی پاکت های ارزیابی کیفی : ساعت ۸:۰۰ صبح روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸**
هزینه درج آگهی روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف : آدرس اصفهان، خیابان ۲۲ بهمن، مجموعه اداری امیر کبیر، شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان و تلفن ۰۳۱۳۲۶۴۷۳۰۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۱۴۵۶- ۰۲۱
**۱-موضوع مناقصه : تهیه مصالح و اجرای شبکه ۲۰ کیلوولت شهرک صنعتی جمبزه**
مبلغ برآورد اولیه : ۱۸۶,۴۹۲,۷۲۸,۳۷۲ ریال و براساس فهارس بهای سال ۱۴۰۴سازمان برنامه و بودجه کشور (اعتبار طرح جاری)
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : ۹,۳۲۴,۶۴۷,۰۰۰ ریال
رشته و پایه تشخیص صلاحیت پیمانکاران: رتبه ۵ یا بالاتر در رشته نیرو
مدت اجرا: ۹ ماه
**۲-موضوع مناقصه : تهیه مصالح و اجرای شبکه روشنایی و کارگاهی شهرک صنعتی محمد آباد جرقویه**
مبلغ برآورد اولیه : ۱۹۷,۸۳۶,۹۸۳,۱۱۲ریال و براساس فهارس بهای سال ۱۴۰۴سازمان برنامه و بودجه کشور (اعتبار طرح جاری)
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : ۹,۳۲۴,۶۴۷,۰۰۰ ریال
رشته و پایه تشخیص صلاحیت پیمانکاران: رتبه ۵ یا بالاتر در رشته نیرو
مدت اجرا: ۶ ماه
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۰۷
امور پیمانهای شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان
۱۵۰

شناسه آگهی : ۱۹۳۵۶۴۷ نوبت دوم

شرکت سهامی برق منطقه‌ای گیلان

# پویش ۲۵ درجه ای دما
تداوم جریان انرژی با صرفه جویی در مصرف برق

آگهی تجدید مناقصه عمومی دو مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی به شماره ۱۴۰۴۱۱۰۰۴

شرکت برق منطقه ای گیلان در نظر دارد مناقصه **خرید مفصل های مورد نیاز پروژه خط کابلی ۶۳ کیلوولت عضدی آج بیشه** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره ثبت ستاد ۲۰۰۴۰۰۱۰۹۷۰۰۰۰۰۵ و از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی فشرده برگزار نماید . کلیه مراحل فرآیند مناقصه از دریافت اسناد مناقصه ، ارائه پیشنهاد مناقصه گران و گشایش پاکت ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد . لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه ، مراحل ثبت نام در سامانه و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. به پیشنهادهای واصله خارج از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و همچنین به پیشنهادهایی که بعد از انقضاء مدت مقرر واصل شود ، ترتیب اثر داده نخواهد شد . سایر اطلاعات مورد نیاز به شرح ذیل اعلام می شود :
**۱- نام و نشانی مناقصه‌گزار:** شرکت برق منطقه‌ای گیلان به نشانی رشت - خیابان امام خمینی — چهارراه قدس - امور تدارکات و قراردادها
**۲- موضوع مناقصه:** خرید مفصل های مورد نیاز پروژه خط کابلی ۶۳ کیلوولت عضدی آج بیشه
**۳- زمان ، مهلت ، مبلغ و محل دریافت اسناد:** متقاضیان می توانند از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۶ عصر روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه و برای دانلود اسناد مناقصه فوق اقدام نمایند .
**۴- شرایط پیمانکار :** اسناد و مدارک مبین سابقه شرکت مناقصه گر در زمینه تولید و یا فروش تجهیزات موضوع مناقصه
**۵- مدت انجام کار:** ۴ماه شمسی
**۶- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ ۶/۵۰۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل (شش میلیارد و پانصد و دو میلیون ریال) به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر و یا واریز وجه به حساب بانک مرکزی به شماره ۴۰۰۱۱۰۶۱۰۷۳۷۶۵۸۰(تمرکز وجوه سپرده — بودجه شرکتهای دولتی) شماره شناسه شبا IR ۵۸۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۰۶۱۰۷۳۷۶۵۸۰ می باشد.
**۷- مهلت ارسال پیشنهادها:** تا ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ می باشد .
**۸- تاریخ گشایش پیشنهادها:** تا ساعت ۱۱ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ در دفتر مدیریت عامل می باشد .
**تذکر مهم :** پیشنهاد دهندگان می بایستی ضمن بارگذاری کلیه مدارک پاکتهای ( ارزیابی کیفی، الف ، ب ، ج ) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت در مهلت مقرر ، نسبت به ارسال اصل مدارک (فقط پاکت الف) ، در پاکت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ به دبیرخانه برق منطقه ای گیلان اقدام نمایند .
**۹-** سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج شده است .
**۱۰-** اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : تلفن مرکز راهبری و پشتیبانی ۱۴۵۶
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۰۶
روابط عمومی برق منطقه ای گیلان
۱۴۲

SMS Telegram WhatsApp
0920 200 17 07
شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی
از طریق پیامک ، تلگرام و واتس‌اپ

گفت‌وگو با استاد فرهاد فخرالدینی درباره قطعه سیمرغ و فعالیت‌های این روزها یشان

# موسیقی تمام زندگی من است

- آرزوی من این است که نه لزوما دولت، بلکه هیچ نهاد و قدرتی مانع رشد موسیقی نشود
- ما ملت بااستعدادی هستیم، ولی استعداد، بدون فضا و بستر پژمرده می‌شود

سما بابایی
هفت صبح

**در تاریخ معاصر موسیقی ایران، چند نام وجود دارد که خود به نغمه‌ای ماندگار در حافظه فرهنگی یک ملت بدل شده‌اند و استاد استادان «فرهاد فخرالدینی» در این زمره است. ایشان دَهه‌هاست که به عنوان آهنگساز، رهبر ارکستر، نویسنده، نظریه‌پرداز و معلم، به شکلی پیوسته و باوقار به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد و آثاری خلق می‌کند که همه‌شان بر بلندای اصالتِ این سرزمین می‌درخشند. تاریخِ موسیقی ایران، کم آهنگساز به خود ندیده است؛ اما چونان «فرهاد فخرالدینی» کم به خود دیده است، مردی سرشار از تکنیک، دانش و نبوغِ هنری و در عین حال کم‌نظیر در صبوری و اخلاق و همین است که او را به چهره‌ای مرجع در موسیقی ایرانی بدل کرده است. از تمام این‌ها مهم‌تر آن‌که ایشان در روزگارِ تنگنای موسیقی شجاعانه ایستاد، نجیبانه سکوت کرد و با کیفیتی تمام‌عیار بازگشت. او موسیقی را همچون یک روایت تاریخی و فلسفی با زبان امروز، بازآفرینی کرد.**

**کارنامه او گستره‌ای کم‌نظیر دارد. از موسیقی متن سریال‌هایی چون «سربداران»، «امام علی»، «بوعلی سینا» و «کیف انگلیسی» تا تأسیس و رهبری ارکستر موسیقی ملی ایران در سال ۱۳۷۷ و خلق آثاری یکی پس از دیگری غنی. نام فرهاد فخرالدینی در تاریخ موسیقی ما، همچون نغمه‌ای خوش‌آهنگ است به گستره فرهنگِ ایران زمین.**

**در آخرین ماه‌های سالِ گذشته او به مدت ده شب، «سیمرغ» را که جزو آخرین ساخته‌هایش است، در صحنه تالار وحدت به اجرا درآورد. به همین بهانه با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم.**

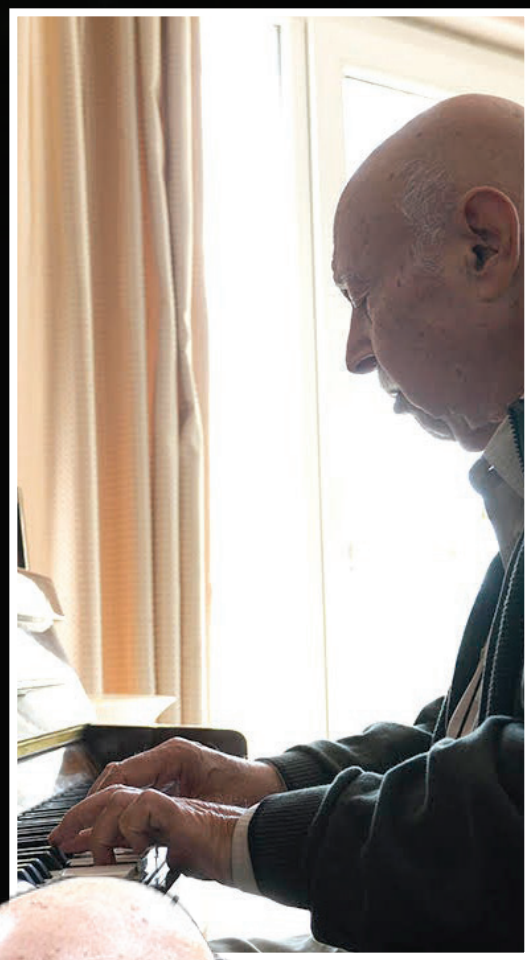

**» آقای فخرالدینی، پروژه «سیمرغ» از کجا و چگونه آغاز شد؟**

نقطه آغاز برای من همیشه یک انگیزه درونی است و در مورد «سیمرغ»، این انگیزه از علاقه دیرینه‌ام به منطق‌الطیر عطار نشأت گرفت. اثرِ عطار، از جنس حکایت‌هایی است که هم با فلسفه در می‌آمیزد، هم با عرفان، هم با اسطوره. عطار نیشابوری، فراتر از آن‌که تنها شاعری نامدار در تاریخ ادبیات ایران باشد، پزشک و داروساز برجسته‌ای نیز بود. همین است که لقب «عطار» به او داده شده است. او داروخانه‌ای بزرگ داشته و خود در جایی اشاره می‌کند: «به داروخانه پانصد شخص بودند که در هر روز نبضم می‌نمودند». یعنی روزانه پانصد نفر به داروخانه او مراجعه می‌کردند، نبض‌شان گرفته می‌شد و دارو می‌گرفتند. اگر این ادعا واقعیت تاریخی داشته باشد، با چهره‌ای روبه‌رو هستیم که نه فقط در شعر، بلکه در زیست عملی مردم عصر خود نیز حضوری پررنگ و تعیین‌کننده داشته است.

با این همه، مهم‌ترین میراث فکری و ادبی عطار، بی‌تردید منظومه عرفانی و رمزی «منطق‌الطیر» است. اثری که او در آن، با تمثیل گروهی از پرندگان در جست‌وجوی سیمرغ، داستانی از سفر درونی انسان برای رسیدن به حقیقت وجود روایت می‌کند. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در مقدمه خود بر این اثر، به رباعی فشرده‌ای از «افضل سرخوش» شاعر قرن دوازدهم هجری در هند اشاره می‌کند که چکیده محتوای این اثر است: «سی مرغ ز شوق، بال و پر بگشودند/ در جستن سیمرغ، هوا پیمودند/ کردند شمار خویش چون آخر کار/ دیدند که سیمرغ، همین‌ها بودند»

درواقع، جوهر اندیشه عطار در این اثر، دعوت به شناخت خویش و تأکید بر نقش فرد در سرنوشت خویش است. بینشی که می‌کوشد نشان دهد نیروی رهایی و معنا نه در بیرون، بلکه در درون خود انسان نهفته است. در این خصوص با آرش امینی صحبت کردیم، اشعار انتخاب شد و به تدریج ساختار پنج‌موومانِ آن شکل گرفت.

**» درباره این پنج موومان، توضیحاتِ بیشتری می‌دهید؟**

هر کدام از این موومان‌ها، بخش یا چهره‌ای از روایت عطار را بازتاب می‌دهند. برای مثال، نخستین موومان، تصویری است از لحظه آغاز آفرینش. باد آغاز می‌شود، باران فرو می‌بارد، جویبارها راه می‌افتند و حیات، با آهنگ خلقت، آرام‌آرام شکل می‌گیرد. موسیقی در اینجا بدون کلام است و تنها با صدای سازها، فضایی از زایش و زندگی را بازسازی می‌کند. پس از آن، نوبت به نیایش می‌رسد. نیایشی برگرفته از زبان عطار، که به‌واسطه گروه کُر و دو خواننده مستقل، در همراهی با ارکستر، شکل می‌گیرد.

در موومان دوم، مجمع پرندگان پدیدار می‌شود. پرندگانی از گونه‌ها و رنگ‌های مختلف، گرد هم می‌آیند تا درباره پرسشی بنیادین به گفت‌وگو بنشینند: آیا در کوه قاف، مرغی عظیم و نادیده به نام سیمرغ وجود دارد؟ و اگر چنین است، آیا او می‌تواند راهی برای رهایی ما، برای معنا بخشیدن به زندگی‌مان باشد؟ در این میان، پرسوناژهایی برجسته از دل روایت عطار برآمده‌اند. مهم‌ترین آن‌ها، بی‌تردید «هدهد» است؛ مرغ راهنما، دانا و الهام‌بخش. هدهد، که در افسانه‌های دینی نیز جایگاهی والا دارد، همان است که پیامبر سلیمان، زبان پرندگان را از طریق او درک می‌کرد. در این اثر نیز، او پیشواست. رهبر سفری دشوار. پرندگان، در ابتدا با تردید و بهانه‌جویی از سختی راه سخن می‌گویند: «این سفر تا کوه قاف، از طاقت ما بیرون است». بسیاری کنار می‌کشند و تنها آنان که دل به راه سپرده‌اند، با هدهد همراه می‌شوند. عطار در روایت خود، تعداد همراهان را نمی‌گوید؛ اما آنان که همراه شدند، از هفت وادی طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فقر و فنا گذشتند.

موومان چهارم، لحنی حماسی و درونی دارد و سرانجام، در موومان پایانی، راز گشوده می‌شود. پرندگان، بر قله قاف، به جای سیمرغ، تنها خود را می‌یابند، اما خودی تازه و دگرگون‌شده، منقلب‌شده. عطار در این بخش، دست از تمثیل برمی‌دارد و به صراحت می‌گوید: «سیمرغی نیست جز آن‌ها که راه را پیمودند.» سی‌مرغ، همان سی پرنده هستند.

**» و چاره‌ای برای اجرای این مفهوم گسترده در قالب موسیقی نبود جز اجرا همراه با ارکستر سمفونیک؟**

وقتی حرف از سفر معنوی و کشف حقیقت باشد، دیگر نمی‌توان با یک ساز یا دو ساز روایت کرد. حجم عظیم مفاهیم، نیاز به گستره صوتی و احساسی دارد. من ارکستر بزرگ را انتخاب کردم چون به آن مثل یک ابزار زنده نگاه می‌کنم؛ ابزاری که اگر درست چیده شود، می‌تواند به خالص‌ترین حالات درونی مخاطب نفوذ کند و او را وارد یک فضای ذهنی و شهودی مشترک کند.

**» استاد، شما در دهه ۷۰ ارکستر ملی را تأسیس کردید. آن تجربه برایتان چگونه بود؟**

تشکیل ارکستر ملی ایران یکی از نقاط حساس زندگی من بود. سال‌ها قبل از تأسیس رسمی، با دوستانی چون تجویدی، شجریان، علیزاده، مشیری، ترقی و... صحبت‌هایی در میان بود. بالاخره در سال ۷۷ راه‌اندازی شد و توانستیم آثار بزرگی را اجرا کنیم؛ هم در ایران، هم در خارج از کشور. اما متأسفانه پس از مدتی، شرایط برای ادامه کار به‌گونه‌ای پیش رفت که دیگر نمی‌شد در همان مسیر ماند. ترجیح دادم با احترام، کناره بگیرم.

**» ترک ارکستر برایتان تلخ نبود؟**

نه. وقتی دیگر نتوانی کاری را در سطحی که باور داری انجام بدهی، کنار رفتن یک تصمیم حرفه‌ای است. بعد از آن، وقت بیشتری برای تألیف، آهنگسازی و نوشتن داشتم. هنوز کار می‌کنم و مشغول نوشتن هستم. اصولا کارهای زیادی برای اجرا وجود دارد. یعنی آثاری در گذشته نوشته شده است که نیاز به بازنگری دارند، برای مثال پیش از انقلاب قطعه‌ای روی شعری از عراقی (ای عشق کجا به من فتادی/ای درد به من چه رو نهادی) ضبط و منتشر کرده بودم. این اثر را در دوران جوانی‌ام نوشته بودم و خاطره خوبی از آن داشتم. ارکستراسیون و هارمونی آن را مقداری تغییر دادم و آماده کردم. کار دیگری که آماده کردم و تحویل آقای شهرام توکلی دادم قطعه‌ای به نام «شُلَیل» با یک هارمونی خاص بود، از این قطعات فراوان دارم. باید جست‌وجو و روی‌شان بازنگری کنم. هر کدام از این آثار مانند بچه‌ها و عزیزان آدم است، بعضی اوقات که سراغ این کارها می‌روم می‌بینم مدت‌هاست که آن‌ها را پیگیری نکردم، دلم به درد می‌آید و حقیقتا بغضم می‌گیرد. درست مانند عزیزی که آدم مدت‌هاست ندیده و سراغ آن نرفته، چنین حالی به من دست می‌دهد.

**» شما از جمله معدود استادانی هستید که تا امروز فعال مانده‌اید. راز این تداوم چیست؟**

شاید یک کلمه کافی باشد: عشق. من بدون عشق نمی‌توانم زندگی کنم. موسیقی تمام زندگی من است. در کنار این، همیشه به شاگردانم گفته‌ام که کار را باید جدی گرفت. این جمله را از اساتیدم به یاد دارم.

**» در دوران شما، شاگردان شخصیت مستقل داشتند. چرا امروز بسیاری از هنرجویان، تنها تقلید می‌کنند؟**

آموزش، به جای تربیت خلاقیت، به سمت بازتولید محفوظات رفته. در گذشته، معلم به شاگرد فضا می‌داد تا خودش بشود. امروز بسیاری از معلمان، ناخواسته شاگرد را شبیه خود می‌خواهند. این برای موسیقی، سم است. هنر باید زنده باشد، تنفس کند، رشد کند؛ نه آنکه در قابی ثابت بماند.

**» با توجه به وضعیت فعلی، آینده موسیقی ایران را چطور می‌بینید؟**

امیدوارم، اما نگران. موسیقی ما هنوز زنده است، چون مردم زنده نگهش داشته‌اند. در هر خانه‌ای سازی هست، کلاس‌های موسیقی پر از علاقه‌مند است، اما هنرمند حرفه‌ای، از نظر معیشتی، در تنگناست. این بی‌مهری‌ها، دلسرد کننده است. اگر حمایت نهادینه نشود، استعدادها خاموش می‌شوند.

**» آیا شما با موسیقی پاپ مخالفتی دارید؟**

نه. من با هیچ نوع موسیقی مخالف نیستم. هر سبکی، مخاطب خودش را دارد. موسیقی پاپ، اگر حرفه‌ای و با هویت باشد، می‌تواند اثرگذار باشد. نگرانی من از این است که همه ظرفیت‌های موسیقی، صرف یک جریان تجاری شود و انواع دیگر موسیقی، به حاشیه بروند. این یعنی مرگ تنوع.

**» واژه «موسیقی سنتی» از نظر شما بار معنایی مثبتی ندارد. چرا؟**

سنت، اگر به معنای ایستایی تعبیر شود، با ذات موسیقی ما ناسازگار است. موسیقی ایرانی، بر اساس ردیف یا گوشه‌ها نیست که سنتی می‌شود یا مدرن. این موسیقی، همواره در حال تحول بوده. واژه‌ها نباید آن را در قاب محدود کنند. مهم، کیفیت و عمق کار است، نه قالب نام‌گذاری.

**» و اگر بخواهید یک آرزو را برای موسیقی ایران بیان کنید؟**

آرزوی من این است که نه لزوما دولت، بلکه هیچ نهاد و قدرتی، مانع رشد موسیقی نشود. اگر حمایت نمی‌کنند، لااقل بگذارند نفس بکشد. ما ملت بااستعدادی هستیم، ولی استعداد، بدون فضا و بستر، پژمرده می‌شود.

نکته

**تشکیل ارکستر ملی ایران یکی از نقاط حساس زندگی من بود. سال‌ها قبل از تأسیس رسمی، با دوستانی چون تجویدی، شجریان، علیزاده، مشیری، ترقی و... صحبت‌هایی در میان بود. بالاخره در سال ۷۷ راه‌اندازی شد و توانستیم آثار بزرگی را اجرا کنیم؛ هم در ایران، هم در خارج از کشور اما متأسفانه پس از مدتی، شرایط برای ادامه کار به‌گونه‌ای پیش رفت که دیگر نمی‌شد در همان مسیر ماند. ترجیح دادم با احترام، کناره بگیرم**

نگاه

## منشوری برای تربیت و اصلاح کودکان آسیب‌دیده

ربیع‌اله قربانی
رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران

بسیاری از کودکان بزهکار، محصول شکست‌های مکرر خانواده، فقر، تبعیض یا خشونت هستند و برای درمان این مسائل، همکاری با نهادهایی چون بهزیستی، آموزش و پرورش، شهرداری، کانون اصلاح و تربیت، سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها ضروری است.

در مجتمع قضایی شهید فهمیده که ویژه اطفال و نوجوانان است پرونده‌هایی که رسیدگی می‌شود، تنها سرنوشت یک فرد را رقم نمی‌زند بلکه بر مسیر تربیت یک نسل تأثیر می‌گذارد و سلامت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی بر توسعه پایدار کشور اثرگذار است. مجتمع قضایی ویژه اطفال و نوجوانان، تنها یک نهاد رسیدگی نیست بلکه محور حمایت، اصلاح و بازگشت سالم کودکانی است که عمدتاً ناخواسته در مسیر ناصوابی قرار گرفته‌اند.

برخورد با اطفال و نوجوانان در فرایند رسیدگی به پرونده‌ها و در مرحله تخفیف، تعقیب، صدور و اجرای حکم باید به گونه‌ای باشد که واقعاً به اصلاح این افراد منجر شود و نباید با ناامیدی رأی صادر کنیم و بگوییم بستر اصلاح فراهم نیست، به لحاظ وضعیت سنی، بستر فکری و شخصیتی برای بازسازی و تربیت این دسته از افراد وجود دارد. آرایی که در مجتمع قضایی شهید فهمیده ویژه اطفال و نوجوانان صادر می‌شود، می‌تواند منشوری برای تربیت و اصلاح کودکان آسیب دیده باشد.

حمایت از کودکان باید از جنبه شعاری خارج شود و در عمل احساس امنیت روانی را در آنها ایجاد کند. این امر ممکن نیست مگر اینکه کودکان را از لحاظ روانشناسی به خوبی بشناسیم و از خدمات مشاوره‌ای بهره‌مند شویم همچنین لازم است که همکاران قضایی و اداری در این مجتمع مستمر خود را در زمینه مطالعات روانشناسی و آشنایی با روش‌های نوین اصلاح و تربیت کودک تقویت کنند.

رسیدگی به پرونده‌های اطفال نیازمند تخصص ترکیبی در حوزه‌های حقوق کودک، روان‌شناسی رشد، جامعه‌شناسی، عدالت ترمیمی، ارتباطات انسانی و حتی مطالعات فرهنگی است. هیچ‌یک از ما به صرف تجربه یا دانش قبلی، از یادگیری در این عرصه بی‌نیاز نیستیم؛ بنابراین باید سرپرست جدید مجتمع دوره‌های منظم آموزش تخصصی برای قضات، کارشناسان، مددکاران و حتی پلیس کودک را برنامه‌ریزی و اجرا کند.

در برخورد با بزهکاران، نباید تنها بر کیفر تمرکز کنیم بلکه سیاست عدالت ترمیمی باید به‌طور قوی‌تری در نظر گرفته شود همچنین نوع برخورد با بزهکاران باید شامل مشاوره، آموزش و خدمات اجتماعی باشد تا هدف اصلاح کودک تحقق یابد.

باید به این نکته توجه داشت که عمده مجرمانی که با آنها مواجه هستیم، به دلیل شرایط خانوادگی و اجتماعی در مسیر انحراف قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، به درک عمیق‌تری از وضعیت آنها نیاز داریم و نباید آنها را صرفاً به عنوان بزهکار ببینیم.

باید خانواده را در فرآیند بازسازی کودک مشارکت دهیم. برنامه‌های حمایتی، آموزش والدین، مشاوره‌های خانوادگی و بازدیدهای مکرر پس از دادرسی، جزو الزامات عملکرد موثر مجتمع ویژه اطفال و نوجوانان است. یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در موفقیت این مجتمع، مشارکت مردمی و آگاهی‌رسانی است. هرچه مردم بیشتر با وظایف و مأموریت دادگاه‌های اطفال آشنا شوند، مشارکت آنها در حمایت از کودکان بیشتر خواهد شد.

محیط دادرسی باید برای کودکان قابل فهم و امن باشد و حضور والدین در جلسات دادرسی می‌تواند احساس امنیت را در آنها تقویت کند. رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با اطفال و نوجوانان باید سریع، دقیق و متناسب با نیاز کودک و نوجوان باشد. باید به جای نگاه آماری، به این موضوع توجه کنیم که چه تعداد از افرادی که به ما مراجعه کرده‌اند، به زندگی سالم اجتماعی بازگشته‌اند.

اگر در این مجتمع، کودکی بتواند بار دیگر به مدرسه بازگردد، امید را تجربه کند، محبت را بفهمد و به جامعه بازگردد، در مسیر موفقیت قرار گرفته‌ایم اما اگر فرایند دادرسی او را بیشتر به انزوا، ترس یا تکرار جرم سوق دهد، هرچند رأی قانونی باشد، باید به این فکر کنیم که نتوانسته‌ایم به هدف اصلی خود در اصلاح و حمایت از او دست یابیم.

### آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ابراهیم شاملوفر و سمیه رضائی پناه به ترتیب به شماره ملی ۰۰۵۴۳۴۵۷۶۶ و ۰۰۸۰۷۷۹۶۰۳ وکالتا از سوی مالک با شماره وکالت ۱۴۴۶۰۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ دفتر ۲ شهریار که مراتب تایید ان به دفترخانه ارسال گردیده است باستناد دو برگ استشهادیه مصدق شده که امضا شهود ان ذیل شناسه یکتا به شماره ۱۴۰۴۰۲۱۵۴۴۰۱۰۰۰۰۷۶ رمز تصدیق ۸۷۰۲۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۱ دفترخانه ۲ شهریار مدعی فقدان سند مالکیت ۱۶۱۶۳/۵ سهم مشاع از صد و ده هزار و نهصد و هفتاد و پنج سهم ششدانگ یک قطعه زمین به شماره شش هزار و هشتصد و یک فرعی از پنجاه و سه اصلی مفروز و مجزی شده از شماره یک هزار و نهصد و پنج فرعی قطعه دو تفکیکی واقع در حوزه ثبتی شهریار استان تهران به مساحت ۱۱۰۹/۷۵ یک هزار و یکصد و نه متر و هفتاد و پنج دسیمتر مربع ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۵۷۰۱۴۳۳۹ به شماره چاپی ۴۱۲۲۷۴ ج ۹۶ بنام جمشید شاه محمدی به شماره ملی ۴۳۹۱۵۹۰۲۶۳ ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم شده لذا مراتب به استناد تبصره ذیل ماده ۱۲۰ قانون ثبت در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نماید و در غیر اینصورت این اداره پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند المثنی طبق مقررات اقدام خواهد نمود.

م الف ۱۲۳۰۶

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار - مهدی ناصری

۱۴۶

### آگهی فقدان سند

خانم ناهید رضوانی به استناد دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی ۴۳ شهریار با شناسه یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۴۴۱۲۰۰۰۰۳۰ و رمز تصدیق ۹۹۸۶۸۴ مدعی است سند مالکیت مقدار ۴/۴ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۵۱۷۸ فرعی از ۴۶ اصلی مفروز و مجزا شده از ۵۰۶۲ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱۳ و واقع در حوزه ثبت ملک شهریار استان تهران به مساحت ۲۴۷ مترمربع که به شماره چاپی ۹۶۷۱۰۱ سری الف سال ۰۳ ذیل دفتر الکترونیک شماره ۱۴۰۳۲۰۳۰۱۰۵۷۰۳۷۸۳۲ به نام خانم ناهید رضوانی ثبت و سند صادر گردیده است و برابر سند شماره ۵۲۲۶ مورخه ۱۴۰۳/۱۱/۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۷۱ شهر شاهدشهر و نیز سند ۸۵۷۸۸ مورخه ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳ شهر شهریار در مالکیت مالک متن قرار گرفته است و به علت اسباب کشی مفقود گردیده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است باشد لذا مراتب باستناد تبصره ذیل ماده ۱۲۰ قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق یا سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نماید و در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

م الف ۱۲۳۱۰

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار - مهدی ناصری

۱۴۴

تحلیل ریشه‌های روانی، فرهنگی و اجتماعی جنایت‌های خانوادگی با تمرکز بر فشارهای سنتی، کمبودهای عاطفی و ناآگاهی اجتماعی

# عشق‌های مسموم و سرنوشت‌های خونین

- ترس از قضاوت‌های اجتماعی، فشارهای خانوادگی و حرص به ثروت می‌تواند افراد را به سمت جنایت و خشونت سوق دهد
- در جوامعی که شکاف طبقاتی کمتری وجود دارد نرخ جرائم به طور قابل توجهی پایین‌تر است

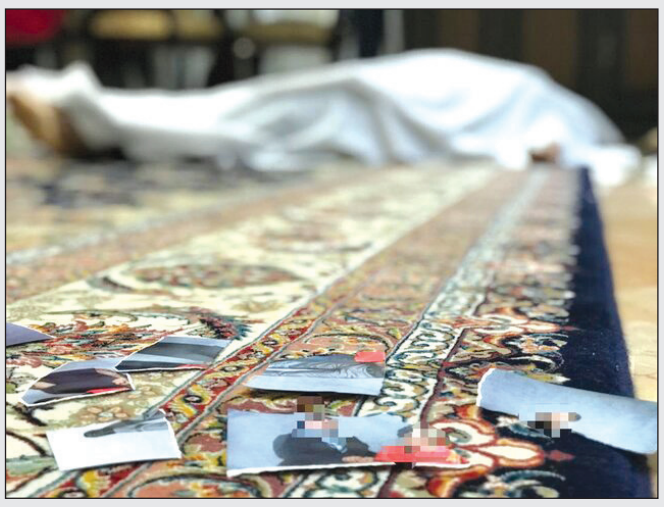

سیما فراهانی
هفت صبح

**«پشیمان نیستم!» این جمله را مردی می‌گوید که همسر خبرنگارش را با ضربات دمبل و چاقو به قتل رساند و یکی از هولناک‌ترین جنایت‌های خانوادگی را رقم زد. مردی که قصد داشت حتی پسر نوجوانش را هم به قتل برساند. «برق طلاهای دختر خاله‌ام مرا وسوسه کرد»؛ این را هم مردی می‌گوید که دختر خاله‌اش یعنی همان مجری شبکه افق را به طرز هولناکی، به قتل رساند به خاطر مقدار کم طلا! مدت‌هاست که قتل‌ها و جنایت‌های خانوادگی، به‌عنوان یک پدیده شوم، سایه‌ای سنگین بر زندگی بسیاری از مردم انداخته است. این داستان‌ها، داستان‌هایی از عشق، خیانت و درگیری‌های عاطفی هستند که در بستر فرهنگی و اجتماعی خاصی شکل می‌گیرند. این داستان‌ها، نه تنها نشان‌دهنده پیچیدگی‌های روانی فردی هستند، بلکه یادآوری می‌کنند که چگونه فرهنگ و سنت‌ها می‌توانند بر رفتار انسان‌ها تأثیر بگذارند. در این روایت‌ها، ما با دنیایی مواجه می‌شویم که در آن عشق و نفرت، امید و ناامیدی، همه و همه در هم تنیده‌اند و نتیجه‌اش، گاه به جنایتی هولناک ختم می‌شود. آیا می‌توانیم به این چرخه خشونت پایان دهیم؟ آیا می‌توانیم با افزایش آگاهی و آموزش، به جامعه‌ای دست یابیم که در آن عشق و احترام به جای خشونت و جنایت نشسته باشد؟ این سوالاتی هستند که نیاز به بررسی عمیق‌تر این پدیده را یادآوری می‌کنند.**

### کمبودهای عاطفی و خانوادگی

در دنیای پیچیده‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، با گروه خاصی از قتل‌های آشنا روبه‌رو هستیم. بعضی‌ها ریشه در مسائل ناموسی دارند و بعضی‌ها نیز ریشه در تمایل به کسب مال و منال بدون زحمت. دکتر مهرداد امیری، روانشناس در گفت‌وگو با خبرنگار هفت صبح این مسئله را بررسی می‌کند و می‌گوید: «این پدیده، نه تنها ناشی از عوامل فردی، بلکه به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی وابسته است. بسیاری از افرادی که دست به یکسری از جنایت‌های خانوادگی می‌زنند، از دوران کودکی با کمبودهای عاطفی و خانوادگی مواجه بوده‌اند. آن‌ها در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که نتوانسته‌اند به درستی آن‌ها را تربیت کنند و به همین دلیل، در درون خود پر از عقده‌های روانی و احساسی هستند. این کمبودها باعث می‌شود که آن‌ها در مقایسه با دیگران، احساس نارضایتی و حسرت کنند. در خیالات خود، این افراد به مقایسه ثروت و موفقیت دیگران می‌پردازند و فراموش می‌کنند که برای رسیدن به این موفقیت‌ها، چه تلاشی لازم است. در جامعه‌ای که برخی افراد به راحتی و از طریق ارتباطات خاص به موفقیت‌های مالی دست می‌یابند، این حسرت و آرزو بیشتر خود را نشان می‌دهد. آن‌ها به جای تلاش و کوشش، به دنبال راه‌های آسان و بدون زحمت هستند.»

### جنایتکاران کم هوش

در دنیای امروز، افزایش جرائم و رفتارهای خشونت‌آمیز به معضلی جدی تبدیل شده است. این پدیده نه تنها امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند، بلکه بر سلامت روانی افراد نیز تأثیرات منفی می‌گذارد. در این میان، نقش عوامل روانشناختی و اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای بزهکارانه به وضوح قابل مشاهده است. استاد دانشگاه فرهنگیان تهران، در ادامه تحلیل این موضوع می‌گوید: «این مسئله به ویژه در افرادی که از نظر هوش و توانایی‌های تحلیلی در سطح پایین‌تری قرار دارند، بیشتر به چشم می‌خورد. این افراد که معمولاً در تصمیم‌گیری‌های خود دچار مشکل هستند، به راحتی در دام افکار منفی و جنایت‌کارانه گرفتار می‌شوند. از نظر روانشناسی، افرادی که به چنین اقداماتی دست می‌زنند، معمولاً قادر به ارزیابی درست پیامدهای اعمال خود نیستند و در نتیجه، به راحتی به سمت خشونت و جنایت می‌روند. به قول بندورا، روانشناس آمریکایی، افرادی که به فکر پیامدهای اعمال خود هستند، هرگز به سمت جنایت نمی‌روند. در واقع، این افراد باهوش و متفکر، به دنبال راه‌های منطقی و انسانی برای حل مشکلات خود هستند. اما کسانی که در این مسیر قرار می‌گیرند، معمولاً به دلیل ناتوانی در تفکر منطقی و عمیق، به سمت اقداماتی می‌روند که نه تنها به خودشان آسیب می‌زند، بلکه به جامعه نیز خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. این مسئله به ویژه در جوامع ما که تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و فرهنگی قرار دارند، بیشتر مشهود است. در چنین جوامعی، افراد ممکن است به خاطر ترس از قضاوت‌های اجتماعی یا فشارهای خانوادگی، تصمیمات نادرستی اتخاذ کنند. این فشارها و حرص به ثروت، می‌تواند آن‌ها را به سمت جنایت و خشونت سوق دهد.»

### ریشه‌ها و راهکارها

در جامعه‌ای که با پدیده‌های پیچیده اجتماعی و فرهنگی روبه‌روست، قتل‌هایی با ردپای آشنا، به عنوان یکی از چالش‌های جدی مطرح می‌شود. این پدیده نه تنها ناشی از عوامل فردی و روانی است، بلکه به ساختارهای اجتماعی و اقتصادی نیز وابسته است. امیری ادامه می‌دهد: «یکی از عوامل مهم در وقوع قتل‌های ناموسی، عدم کنترل هیجان و احساسات است. افرادی که به دلیل ناآگاهی یا عدم توانایی در مدیریت هیجان‌های خود، به رفتارهای خشونت‌آمیز دست می‌زنند، معمولاً از تفکر منطقی و عمیق باز می‌مانند. این افراد در لحظات بحرانی، به جای فکر کردن به پیامدهای اعمال خود، تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرند و تصمیمات نادرستی می‌گیرند. به عنوان مثال، در مواردی که فرد به دلیل خیانت یا مسائل عاطفی به شدت هیجان‌زده می‌شود، به جای بررسی راه‌های منطقی برای حل مشکل، به سمت خشونت و جنایت می‌رود. این عدم کنترل هیجان نه تنها به خود فرد آسیب می‌زند، بلکه به جامعه نیز خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.»

### تأثیر فرهنگ و سنت

فرهنگ و سنت‌های موجود در جامعه نیز نقش مهمی در بروز قتل‌های خانوادگی با علت‌های ناموسی ایفا می‌کنند. این روانشناس با اشاره به چنین موضوعی می‌گوید: «در جوامعی که به شدت تحت تأثیر فرهنگ‌های خاص قرار دارند، افراد ممکن است به خاطر حفظ آبرو یا ناموس خانواده، دست به اقداماتی بزنند که در نهایت به خشونت و جنایت منجر می‌شود. این مسائل به ویژه در مناطقی که فرهنگ‌های سنتی و محافظه‌کارانه حاکم است، بیشتر به چشم می‌خورد. افرادی که در چنین جوامعی زندگی می‌کنند، ممکن است به دلیل ترس از قضاوت‌های اجتماعی یا فشارهای خانوادگی، تصمیمات نادرستی اتخاذ کنند. این فشارها می‌تواند باعث شود که فرد به جای حل منطقی مشکلات، به سمت خشونت و جنایت برود.»

### کاهش وقوع جنایات به شرط افزایش آگاهی عمومی

این روانشناس جنایی، به راهکارهایی در این زمینه اشاره می‌کند و می‌گوید: «برای کاهش وقوع قتل‌های خانوادگی و دیگر جرایم خشن، ضروری است که آگاهی‌های روانشناختی و اجتماعی در جامعه افزایش یابد. اگر مردم نسبت به رفتارهای خود و پیامدهای آن‌ها آگاه شوند، احتمال وقوع چنین جنایت‌هایی به شدت کاهش خواهد یافت. آموزش قوانین و حقوق یکی از این راهکارهاست. مردم باید با قوانین آشنا شوند و بدانند که هرگونه اقدام غیرقانونی چه پیامدهایی دارد. این آگاهی می‌تواند به جلوگیری از وقوع جنایات کمک کند. همچنین به افراد آموزش داده شود که زمان به خودی خود مشکلات را حل نمی‌کند و باید برای حل مسائل تلاش کنند. این موضوع به آن‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با مشکلات، به جای اقدام ناگهانی، به فکر راه‌حل‌های منطقی باشند. ایجاد اعتماد در روابط اجتماعی و خانوادگی، به ویژه در زمینه‌های حقوقی و مالی، هم می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کند. وقتی افراد به یکدیگر اعتماد داشته باشند، احتمال بروز تنش‌ها و درگیری‌ها کاهش می‌یابد. همچنین به نظر من، مردم باید به اهمیت تفکر قبل از عمل و مشورت با افراد متخصص توجه داشته باشند. این موضوع به ویژه در زمینه‌های حقوقی و مالی بسیار حیاتی است. مشورت می‌تواند به افراد کمک کند تا از تصمیمات نادرست جلوگیری کنند. در این میان رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی هم باید به مردم کمک کنند تا نسبت به مسائل اجتماعی حساس شوند و از آن‌ها مطالبه‌گری کنند. این حساسیت می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی و کاهش وقوع جنایات کمک کند.»

### بی‌تفاوتی نسبت به جرم

وقتی صحبت از قانون‌گریزی و قانون‌مندی می‌شود، هر دو حالت تأثیر عمیقی بر جامعه می‌گذارند. زمانی که جنایت در جامعه گسترش می‌یابد و نمونه‌های مشابه به کرات تکرار می‌شود، متأسفانه این پدیده به تدریج قفل می‌شود و حساسیت اجتماعی نسبت به این جنایت‌ها کاهش پیدا می‌کند. به مرور زمان، رگ گردن مردم به خاطر این مسائل دیگر بیرون نمی‌زند و این وضعیت به امری عادی تبدیل می‌شود. دکتر امیری با بیان این صحبت‌ها موضوع را از جنبه دیگری بررسی می‌کند: «این وضعیت می‌تواند به فاجعه‌ای بزرگ منجر شود، مثلا مشکلاتی نظیر گرسنگی و فقر به بخشی از زندگی روزمره تبدیل می‌شوند و کسی هم متوجه این تغییرات نمی‌شود. گسترش جنایت و خشونت هم به دلیل کثرت شنیدن، دیدن و خواندن در رسانه‌ها، به نوعی اشباع شدگی در جامعه منجر می‌شود. مردم به تدریج نسبت به این بدی‌ها بی‌تفاوت می‌شوند و آن‌ها را جزئی از زندگی می‌پندارند. وقتی به این مرحله برسیم، هیچ کس برای اصلاح امور اقدام نمی‌کند و این بزرگ‌ترین فاجعه‌ای است که ممکن است در جامعه رخ دهد. یکی از پیامدهای این وضعیت، از بین رفتن سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به معنای حضور فعال و موثر مردم در جامعه برای اصلاح امور است. وقتی مردم دیگر نسبت به این موضوعات حساسیتی نداشته باشند، سرمایه اجتماعی به صفر می‌رسد و این موضوع به ضرر جامعه تمام می‌شود. در این شرایط، قانون‌گریزی بیشتر می‌شود و هزینه‌های بازگرداندن جامعه به مسیر قانون‌مداری به شدت افزایش می‌یابد. این مسئله نه تنها برای جامعه، بلکه برای حاکمیت و دولت و تمام ارگان‌ها نیز چالش‌برانگیز می‌شود. در نهایت، این چرخه منجر به افزایش جنایت و کاهش امید به زندگی در جامعه می‌شود. بنابراین، ضروری است که مردم را بیشتر آگاه کنیم. رسانه‌ها باید به آموزش و اطلاع‌رسانی درباره تأثیرات منفی قانون‌گریزی و جنایت بپردازند. باید به ایجاد حساسیت‌های اجتماعی نسبت به این موضوعات پرداخته و مردم را به مطالبه‌گری ترغیب کنیم تا دیگر چنین اتفاقاتی نیفتد. همچنین باید قوانینی وضع شود که مجازات‌های سخت‌تری برای جنایتکاران در نظر بگیرد و آن‌ها را از پیامدهای اعمال خود آگاه کند. با این اقدامات، می‌توانیم به جامعه‌ای سالم‌تر و آگاه‌تر دست یابیم که در آن امید به زندگی و احساس امنیت دوباره به مردم بازگردد.»

### ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی جنایت

برای کاهش قتل‌های ناموسی و دیگر جرایم، باید به عوامل فرهنگی، اجتماعی و روانی توجه کنیم و تلاش کنیم تا آگاهی مردم را افزایش دهیم. با ایجاد یک جامعه آگاه و حساس، می‌توانیم به سمت کاهش خشونت و افزایش امنیت اجتماعی حرکت کنیم. این موضوع نه تنها به نفع فردی است، بلکه به نفع کل جامعه خواهد بود. عبدالصمد خرمشاهی، یک حقوقدان جنایی است که این موضوع را از زاویه دیگری بررسی می‌کند و به خبرنگار هفت صبح می‌گوید: «در سال‌های اخیر، جوامع مختلف به ویژه در کشور ما با پدیده‌ای نگران‌کننده به نام افزایش جرائم خشن مواجه شده‌اند. این افزایش تنها به قتل‌های خانوادگی یا خویشاوندی محدود نمی‌شود، بلکه به نوعی نشان‌دهنده یک بحران اجتماعی عمیق‌تر است. در واقع، این افزایش نشان‌دهنده یک روند کلی در جامعه است که به عواملی فراتر از یک یا دو واقعه خاص مربوط می‌شود. جرائم خشن به هیچ وجه یک شبه یا به طور ناگهانی بروز نمی‌کنند؛ بلکه هر بزه یا جرمی که اتفاق می‌افتد، ریشه در علل و عوامل مشخصی دارد که از منظر جرم‌شناسی قابل تحلیل و بررسی هستند. این عوامل می‌توانند شامل شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی باشند که بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند. بنابراین، برای درک بهتر این پدیده، لازم است به بررسی عمیق‌تر این عوامل و زمینه‌های اجتماعی بپردازیم تا بتوانیم راهکارهای موثری برای کاهش جرائم خشن ارائه دهیم.»

### برنامه‌ای برای کاهش فاصله طبقاتی و بهبود وضعیت اقتصادی

این حقوقدان معتقد است برای کاهش این جرائم، دولت باید برنامه‌هایی برای کاهش فاصله طبقاتی و بهبود وضعیت اقتصادی جامعه تدوین کند: «این اقدامات می‌تواند شامل ایجاد شغل‌های جدید و افزایش دستمزدها باشد. آموزش باید در اولویت قرار گیرد. بهبود کیفیت آموزش و دسترسی به آن می‌تواند به کاهش مشکلات اجتماعی کمک کند. قوه قضائیه و سایر نهادهای مربوطه هم باید برنامه‌های موثری برای پیشگیری از جرم داشته باشند. این برنامه‌ها باید شامل آموزش و ارتقاء آگاهی عمومی در مورد خطرات و عواقب رفتارهای بزهکارانه باشد. بدون اقدامات موثر و تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی، نمی‌توان انتظار داشت که با نصیحت و موعظه، رفتارهای بزهکارانه کاهش یابد.»

### فقر مادی و فرهنگی

**خرمشاهی به بارزترین دلایل وقوع جرائم خشن در جوامع اشاره می‌کند و می‌گوید: «در تاریخ بشریت همواره گفته شده است که فردی که مرتکب جرم می‌شود، از شکم مادرش جنایتکار به دنیا نیامده است. این جمله به وضوح نشان‌دهنده این است که رفتارهای بزهکارانه تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرند. یکی از بارزترین دلایل بروز جرم، فقر اقتصادی است. در جوامع مرفه، که شکاف طبقاتی کمتری وجود دارد و مردم از امکانات مالی و اجتماعی برخوردارند، امکانات تفریحی و امنیت شغلی و سرگرمی دارند، نرخ جرائم به طور قابل توجهی پایین‌تر است. در مقابل، در جوامع با فقر مادی بالا، افراد به دلیل نبود منابع کافی برای تأمین نیازهای اولیه خود، ممکن است به سمت رفتارهای بزهکارانه سوق پیدا کنند. نبود آموزش و آگاهی در جوامع هم می‌تواند به بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و جنایتکارانه منجر شود. جوامع با سطح بالای آموزش و فرهنگ، معمولاً دارای نرخ کمتری از جرائم هستند. این آموزش نه تنها شامل تحصیلات رسمی، بلکه آموزش‌های اجتماعی و اخلاقی نیز می‌شود که می‌تواند به شکل‌گیری رفتارهای مثبت و کاهش خشونت کمک کند.»**

### چرخه‌های معیوب اجتماعی

**خرمشاهی در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «جرائم و مشکلات اجتماعی به یکدیگر مرتبط هستند و می‌توانند یک چرخه معیوب ایجاد کنند. این چرخه می‌تواند شامل چند مورد باشد. اعتیاد به مواد مخدر و الکل یکی از عواملی است که می‌تواند به بروز جرائم منجر شود. افرادی که به این مواد وابسته هستند، ممکن است برای تأمین نیازهای خود دست به سرقت یا سایر جرائم بزنند. همچنین افزایش آمار طلاق در جامعه ما، به ویژه در سال‌های اخیر، یکی دیگر از عوامل موثر در بروز جرائم است. خانواده‌هایی که در آن‌ها تنش و درگیری وجود دارد، معمولاً محیطی ناامن را برای کودکان فراهم می‌کنند. این کودکان، در آینده ممکن است به رفتارهای خشونت‌آمیز و بزهکارانه روی آورند. بیکاری و نبود امنیت شغلی نیز می‌تواند به احساس ناامیدی و افسردگی منجر شود. این احساسات منفی می‌توانند افراد را به سمت جرائم سوق دهند.»**

## خرده حادثه

### افشای راز همسرکشی پس از ۶سال در تهران

مرد جوانی که همسرش را به قتل رسانده بود، با تلاش‌های کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ دستگیر شد.

سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ، اظهار کرد: سال ۱۳۹۸ با دریافت گزارشی مبنی بر قتل زن جوانی در خانه‌ای واقع در خیابان استخر، موضوع به طور ویژه در دستور کار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

وی افزود: ماجرا از تماس تلفنی مردی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ آغاز شد. وی به اپراتور اعلام کرد یکی از آشنایان نزدیک‌شان کودک خردسالش را به او سپرده و مدعی شده همسرش را به قتل رسانده است، سپس از محل گریخته. این مرد همچنین از وجود اختلافات خانوادگی میان زوج جوان خبر داد.

سردار گودرزی گفت: با اعلام این موضوع، تیمی از زبده‌ترین کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ راهی محل حادثه شدند و جسد زن جوانی را که بر اثر ضربات چاقو به قتل رسیده بود، در خانه‌اش پیدا کردند.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ متذکر شد: بررسی‌های اولیه نشان داد متهم که مدتی با همسرش اختلاف داشته، روز حادثه در جریان درگیری خانوادگی، او را با ضربات چاقو به قتل رسانده و سپس فرزندشان را به یکی از بستگان سپرده و متواری شده است.

وی افزود: در ادامه و همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، اقدامات اطلاعاتی کارآگاهان آغاز و مشخص شد متهم پس از ارتکاب جنایت، ابتدا به ارومیه گریخته و سپس به‌صورت غیرقانونی از مرز خارج و راهی ترکیه شده است.

سردار گودرزی گفت: تحقیقات برای شناسایی محل اختفای او ادامه داشت تا اینکه کارآگاهان دریافتند وی پس از گذشت شش سال به کشور بازگشته و در یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد حضور دارد. این سرنخ کافی بود تا عملیات بازداشت وارد مرحله جدیدی شود. وی افزود: کارآگاهان پس از شناسایی محل دقیق، در عملیاتی غافلگیرانه وارد کمپ و موفق به دستگیری متهم شدند. او در همان تحقیقات اولیه به قتل همسرش با ضربات چاقو اعتراف کرد.

رئیس پلیس آگاهی پایتخت ادامه داد: وی در تشریح علت وقوع این جنایت گفت، مدت‌ها با همسرم اختلاف داشتم و شب حادثه بار دیگر مشاجره‌مان بالا گرفت. کنترل خودم را از دست دادم. ابتدا با چاقو به او ضربه زدم و وقتی دیدم بی‌هوش شده، خفه‌اش کردم. کودک در آن زمان خواب بود. بعد از قتل، او را در آغوش گرفتم و از خانه خارج شدم. بچه را به داماد خانواده سپردم چون نمی‌خواستم صحنه تلخ حادثه را ببیند. با چند خودروی عبوری خودم را به ارومیه رساندم و از آنجا به‌طور غیرقانونی وارد ترکیه شدم اما در آنجا نیز بازداشت شدم و چون مدارک شناسایی نداشتم، خودم را تبعه افغانستان معرفی کردم. همین باعث شد مرا به افغانستان دیپورت کنند. در افغانستان سرگردان و بی‌پناه بودم. بعد از مدتی تصمیم گرفتم به ایران برگردم اما نمی‌خواستم کسی متوجه شود. در تهران در میان کارتن‌خواب‌ها زندگی می‌کردم و گرفتار مصرف شیشه شدم. وقتی در یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد بودم، نمی‌دانستم تحت تعقیبم. روزی کارآگاهان وارد کمپ شدند. فقط نگاه‌شان کردم. به نظر می‌رسید می‌دانند من چه کسی هستم.

وی افزود: با صدور قرار قانونی از سوی مرجع قضایی، متهم جهت روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت و تحقیقات همچنان ادامه دارد.

### دستگیری عامل مزاحمت و شرارت شهرک ولیعصر

معاون اجتماعی سازمان اطلاعات پلیس پایتخت از دستگیری یک اراذل و اوباش به اتهام قدرت‌نمایی و عربده‌کشی در شهرک ولیعصر تهران خبر داد. معاون اجتماعی پلیس اطلاعات در این باره گفت: ماموران پایگاه پنجم پلیس اطلاعات خبری را در خصوص عربده‌کشی و رعب و وحشت شهروندان شهرک ولیعصر دریافت که ماموران پس از دریافت خبر سریعا پیگیری خبر را در دستور کار خود قرار دادند. در ادامه معاون اجتماعی پلیس اطلاعات افزود: ماموران پس از بررسی و تایید صحت و سقم خبر، عامل این شرارت را شناسایی کردند که مشخص شد یکی از اوباش سابقه‌دار منطقه با عربده‌کشی باعث ایجاد ناامنی و رعب و وحشت برای شهروندان شده. ماموران با انجام تحقیقات تکمیلی خود مخفیگاه این اوباش را شناسایی و پس از اخذ دستور قضایی اقدام به دستگیری او کرده که متهم با رویت ماموران سریعا با شی تیزی اقدام به خودزنی از ناحیه گردن کرد. معاون اجتماعی پلیس اطلاعات در پایان خاطرنشان کرد: متهم بلافاصله پس از دستگیری توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شده تا پس از کسب بهبودی به دادسرا معرفی شود.

### جوان شیشه‌ای به اتهام قتل مادرش در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد

# مادرکشی برای خوشحال کردن معشوقه

**• برادر متهم به عنوان تنها ولی‌دم پرونده تقاضای قصاص او را کرد**

شش ماه قبل مرد جوانی سراسیمه با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و خبر از قتل هولناک مادر خود در خانه مسکونی‌اش واقع در شهرستان دماوند داد. به این ترتیب تیم جنایی خیلی سریع برای رسیدگی به موضوع در محل وقوع جنایت حاضر شدند و در اولین بررسی‌ها مشاهده کردند که زن ۵۵ ساله به نام فریبا با ضربات متعدد چاقو از پای در آمده و غرق در خون روی زمین افتاده است. پسر فریبا به عنوان نخستین کسی که با جسد مادرش مواجه شده بود، هدف تحقیقات جنایی قرار گرفت و به ماموران جنایی گفت: «من مدتی قبل ازدواج کردم و زندگی مستقلی داشتم اما تقریبا هر روز از مادرم که به همراه برادر مجردم زندگی می‌کردند خبر و سراغی می‌گرفتم تا اینکه صبح روز حادثه برادر کوچک‌ترم به نام فرشاد در محل کارم سراغ من آمد. فرشاد به شدت پریشان بود و گریه می‌کرد. او می‌گفت من برای تو برادر خوبی نبودم و برای مادرمان هم فرزند خوبی نبودم. من می‌دانستم برادرم عصبی و معتاد است اما گیج شده بودم و نمی‌دانستم چرا آن حرف‌ها را می‌زند. هر چقدر به او گفتم مگر چه شده که اینطور حرف می‌زنی، او جواب درستی نداد و بعد هم رفت. من خیلی نگران شده بودم و با خودم فکر کردم نکند فرشاد مبتلا به افسردگی شده و کاری دست خودش بدهد. از حرف‌هایش اینطور فهمیده بودم که او قصد خودکشی دارد.»

پسر بزرگ فریبا ادامه داد: «بعد از رفتن فرشاد خیلی سریع با مادرم تماس گرفتم تا موضوع را به او اطلاع دهم. می‌خواستم بگویم مراقب فرشاد باش! اما مادرم جواب تلفنم را نداد و همین موضوع من را بیشتر نگران کرد. برای همین کار را رها کردم و به خانه مادرم آمدم. من کلید خانه را داشتم و وقتی در را باز نکرد، خودم وارد خانه شدم و با جسد مادرم که به طرز هولناکی کشته شده بود، مواجه شدم. حالا انگار معنی حرف‌های فرشاد را می‌فهمم! او مادرم را کشته و برای همین عذاب وجدان داشت و سراغ من آمده بود.» با اطلاعاتی که پسر فریبا در اختیار ماموران جنایی قرار داد، برادر او به عنوان تنها مظنون پرونده تحت تعقیب قرار گرفت و سرانجام دستگیر شد.

**اولین اعترافات**

فرشاد بعد از دستگیری به قتل هولناک خود اعتراف کرد و گفت: «من معتاد به شیشه هستم و بیماری اختلال شخصیت دارم. روز حادثه خمار بودم و حالم دست خودم نبود. از مادرم خواستم به من پول بدهد اما با او بحثم شد و دیگر نفهمیدم چه کار می‌کنم. وقتی مواد کشیدم تازه به خودم آمدم و فهمیدم چه کاری کرده‌ام. برای همین با عذاب وجدان نزد برادرم رفتم.» محاکمه فرشاد در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران آغاز و در دفاع از خود جزئیات حادثه را شرح داد. این در حالی است که برادر او به عنوان تنها ولی‌دم پرونده تقاضای قصاص متهم را کرده است.

**قتل مادر به خاطر معشوقه**

فرشاد در دفاع از خود گفت: «وقتی بچه بودم پدرم ما را رها کرده و رفته بود. او اعتیاد داشت و سال‌ها بعد من هم اسیر اعتیاد شدم. تا اینکه با دختری دوست شدم که انگار قبل از آشنایی او با او هیچ عشقی را تجربه نکرده بودم. بعد از مدتی فهمیدم آن دختر با افراد دیگری هم ارتباط دارد و دختر خوبی نیست اما به حدی عاشقش بودم که نمی‌توانستم از او دل بکنم. برای همین هر خواسته‌ای داشت انجام می‌دادم تا ترکم نکند. در نهایت پولم تمام شد و دیگر پولی نداشتم تا هدایای مورد نظر آن دختر را تامین کنم. از طرفی خودم هم درگیر مصرف مواد بودم و برای همین روز حادثه به سرم زد مادرم را بکشم و طلاهایش را سرقت کنم.» متهم ادامه داد: «آن روز ناغافل به مادرم حمله کردم و بالش را روی سرش گذاشتم تا صدایش درنیاید بعد با چاقو به او چند ضربه زدم و طلاهایش را دزدیدم که کل آن ۳۰ میلیون تومان بیشتر ارزش نداشت.» قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم برای صدور رای وارد شور شدند.

### دستگیری خانم کلاهبردار جوان در جهرم

فرمانده انتظامی جهرم از دستگیری خانمی خبر داد که ۱۰ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بود. سرهنگ «علی‌اصغر محمدپور» در تشریح این خبر بیان داشت: در پی ارجاع یک فقره احکام جلب از دستگاه قضایی مبنی بر دستگیری خانمی جوان به اتهام کلاهبرداری، بررسی موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی افزود: ماموران یگان جلب انتظامی شهرستان جهرم تحقیقات خود را آغاز و موفق شدند خانم کلاهبردار را شناسایی و دستگیر کنند. فرمانده انتظامی جهرم با اشاره به اینکه در سوابق مجرم ۱۰ میلیارد ریال کلاهبرداری با عنوان خرید لوازم خانگی با دادن چک و سفته بلامحل، وجود دارد، گفت: متهم برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

### کشف ۱۰ میلیارد تومان لوازم پزشکی قاچاق در شمال تهران

رئیس پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ از کشف بیش از ۵ هزار قلم تجهیزات دندانپزشکی خبرداد و گفت: کارشناسان ارزش کالاهای قاچاق کشف شده را بیش از ۱۰ میلیارد تومان برآورد نموده اند. سرهنگ «کارآگاه مهدی افشاری» توضیح داد: با انجام اقدامات فنی و پلیسی مامورین این پلیس موفق به کشف محل احتکار لوازم دندانپزشکی در محدوده میدان پونک شدند. ایشان عنوان داشت: در پی اقدامات اطلاعاتی مشخص گردید افرادی اقدام به تجهیزات دندانپزشکی در انباری در میدان پونک می نمایند. جناب سرهنگ افشاری افزود: مامورین این پلیس در بازرسی مشاهده می نمایند محل یک باب انبار بوده که مقادیری تجهیزات دندانپزشکی در محل دپو و فاقد هرگونه اسناد و مدارگ گمرکی می باشد. این مقام انتظامی افزود: کالاها شامل تجهیزات دندانپزشکی (فیکچر - اباتمنت) بوده که پرونده قضایی مربوطه تشکیل و به همراه متهم به مرجع قضائی معرفی گردید. این مقام پلیسی بابیان اینکه کارشناسان ارزش ریالی اموال کشف شده را بیش از ۱۰ میلیارد تومان اعلام کرده اند، اضافه کرد: اغلب کالاهای قاچاق ورودی به کشور فاقد کیفیت و استاندارد لازم می باشند و سلامت مصرف کنندگان را به مخاطره می اندازد. از شهروندان درخواست کرد درصورت مشاهده هرگونه قاچاق و یا احتکار کالا با این پلیس به شماره های ۰۲۱۶۶۷۴۷۳۴۳ ویا ۰۹۹۹۹۸۷۱۳۹۲ تماس بگیرند.

## جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

### پاسخ‌های شماره قبل

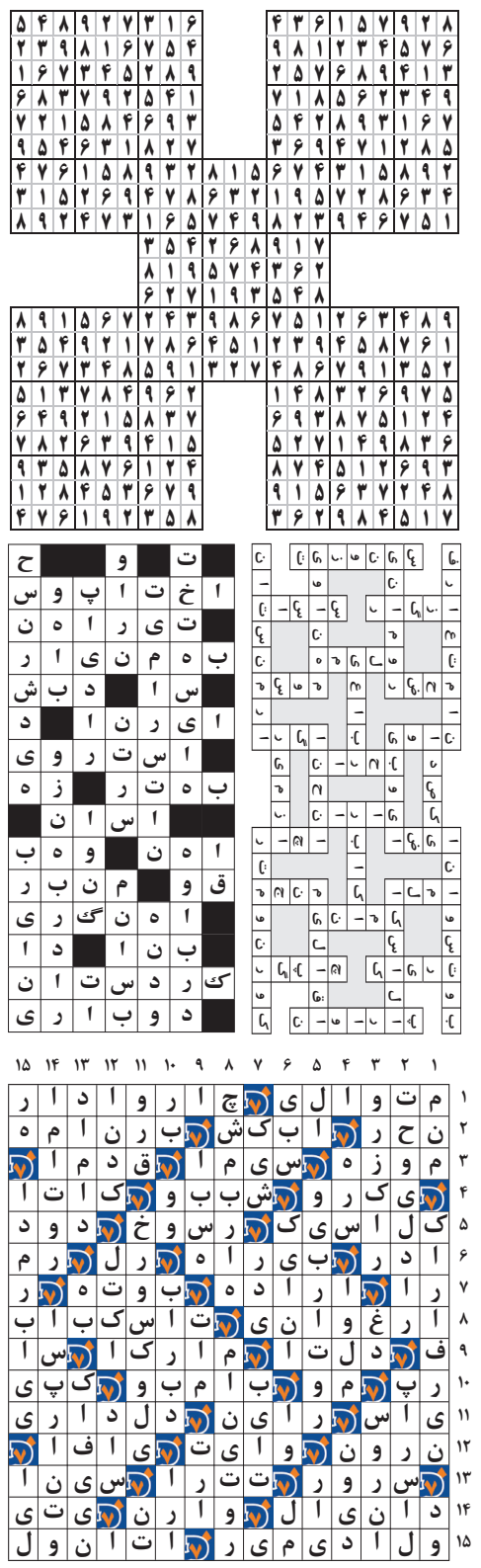

### لغت‌یابی

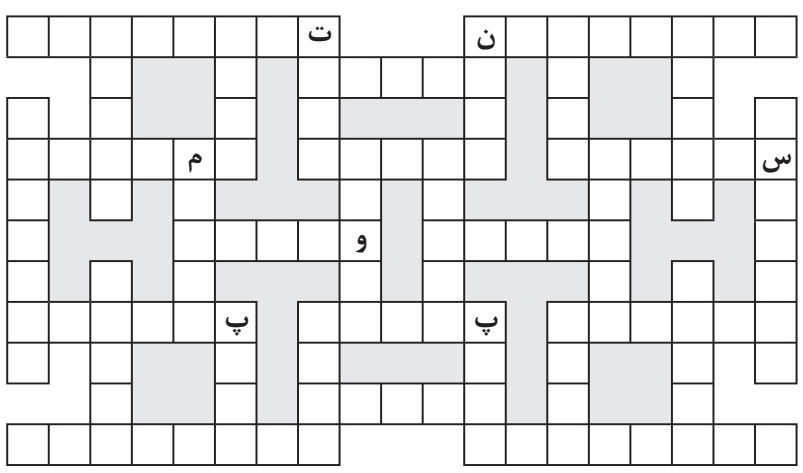

**توضیح**

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

**۴ حرفی:** پاچه، پخته، ترعه، دخمه، کریه، ناصر، نافه، نخبه

**۵ حرفی:** اشعار، بحران، پیوند، تاکسی، تجارب، تصمیم، توسکا، جولان، رباعی، ستوان، مقتضی، ممیزی، هریسه، وارسی، پیمودن، سورتمه، نمادین، همکاری

**۶ حرفی:** ترکیب بند، زمین لرزه، گستراندن، همه جانبه

**۷ حرفی:** پست خانه، سیاه سنگ

**۸ حرفی:** ترکیب بند

### جدول شرح در متن

### سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

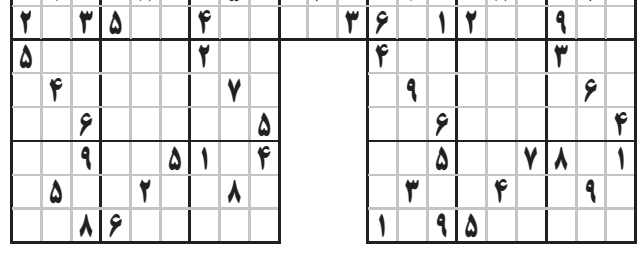

### جدول کلمات متقاطع

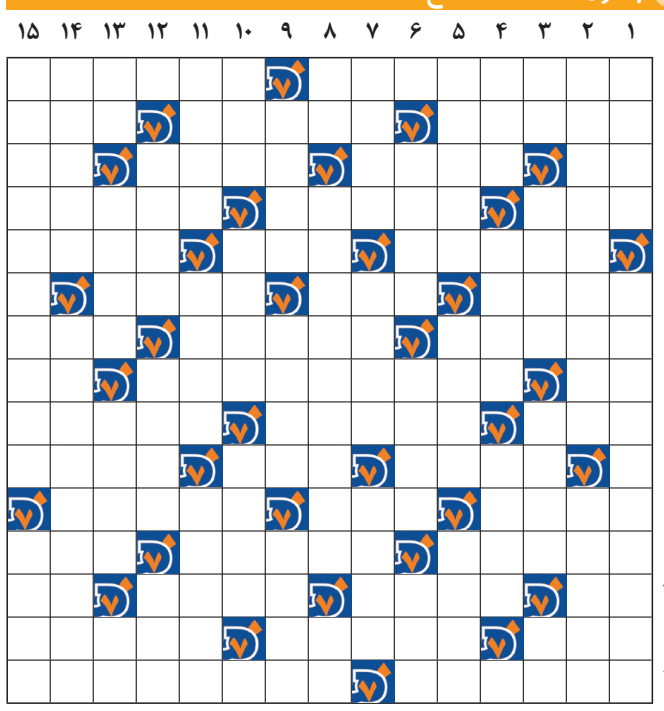

**افقی**

۱- ناموافق- نازیدن
۲- اثری از جمشید طاهری- توطئه- سستی
۳- عدد عنقا- مربوط به جنگ- نسب شناس- پسوند شباهت
۴- بدگویی شعری- بنیادی و اصولی- مزه خوشایند
۵- تنگ سفالی- گویشی در کشورمان- آشکار و پیدا
۶- حشره سمی- طریقه و روش- محکم و استوار
۷- ریحان- شاعر پریشان- پاسبان عصر قاجار
۸- اصفهان قدیم- سلسله پادشاهی در تاریخ ایران- هنوز بیگانه
۹- سال ترکی- اسب اصیل و نجیب- از سازندگان ایرانی قطعات کامپیوتری
۱۰- شهری در ایالت آریزونا- حرکت هوا- عامل تخمیر
۱۱- ستاره دنباله دار- قمر برجیس- دالان
۱۲- مهره فروشی- راهنمایی- بازی رایانه ای قدیمی
۱۳- رودی در آلمان- حلال لاک- خواب کودکانه- پروردگار
۱۴- صفحه چوبی مدور کاسبان قدیم- نجوای جادوگری- شهر بندری فرانسه
۱۵- پله و پلکان- از هنرهای دستی ایرانی

**عمودی**

۱- نام قدیم کشور اتریش- آزرده و مکدر
۲- از شاعران ایرانی سده دهم- جزیره ای در دریای کارائیب
۳- کله- جفتک- فیلمی به کارگردانی داریوش مهرجویی- ابریشم خام
۴- کلام شرط- چیره شدن- روادید
۵- جنباندن و لرزاندن- وضعیت سخت- آیین مغولی
۶- خانه- نوعی قارچ- از سبزیجات
۷- پایتخت کشور ساموآ- شب مهتابی- از توابع یزد
۸- نشانه مفعولی- نام سابق شهر اراک- گل سرخ
۹- از لبنیات- شناس- خدایی
۱۰- بزرگترین نوع گوزن- آهنگساز بنام یونانی- کوچکتر از اقیانوس
۱۱- خنده رو- پایتخت کشور اوکراین- اثری از ویلیام شکسپیر
۱۲- مادر بزرگ- قسمتی از گوش- رود روسیه
۱۳- معاون هیتلر- بازدارنده- کندزبان- بخار دهان
۱۴- کیمیا- زلزله سنج
۱۵- ابزار یکسویه کردن جریان الکتریسیته- هوای بارانی

نگاه

چالش نظارتی در بازار دارایی‌های دیجیتال ایران

## رمزپول یا رمزارز؟

در حالی که بازار دارایی‌های دیجیتال در سراسر جهان با رشد سریع و پیچیدگی‌های فزاینده‌ای مواجه است، ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای فعال در این حوزه، با چالش‌های حقوقی و نهادی خاص خود دست به گریبان است. سند تازه‌ای از معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی به‌طور صریح تأکید کرده که «رمزپول» و «رمزارز» دو مفهوم کاملا متفاوت‌اند و قانون بانک مرکزی تنها درباره رمزپول‌ها قابل اعمال است. این تفکیک، اختلافات عمیق میان نهادهای مسئول در تنظیم‌گری این بازار را به وضوح نمایان ساخته است.

رمزپول در تعریف این سند، پول ملی دیجیتال‌شده مانند «رمزریال» است که صرفا تحت صلاحیت و نظارت انحصاری بانک مرکزی قرار دارد. در مقابل، رمزارزهایی مانند بیت‌کوین، اتریوم و هزاران توکن دیگر، دارایی‌های دیجیتال غیرمتمرکز هستند که در زمره قوانین پولی بانک مرکزی جای نمی‌گیرند و ماهیت متفاوتی دارند. این تمایز مهم، نقشه راه قانونی برای آینده بازار دارایی‌های دیجیتال کشور است.

اما بانک مرکزی برخلاف این تفکیک روشن، در تلاش است با تفسیر گسترده قوانین، تمامی دارایی‌های رمزنگاری‌شده را در قالب «رمزپول» تعریف کرده و بر آنها نظارت داشته باشد. این رویکرد که به استناد نامه رئیس‌جمهور و برخی مواد قانونی مطرح شده، با واکنش شدید مجلس مواجه گردیده که به صراحت اعلام کرده صلاحیت بانک مرکزی صرفاً محدود به رمزپول است و رمزارزها از حوزه نظارتی این نهاد خارج‌اند.

این کشمکش در داخل کشور، بازتابی از چالش‌های جهانی در حوزه تنظیم‌گری رمزارزهاست. در سطح بین‌المللی، کشورها مدل‌های متنوعی را برای مواجهه با دارایی‌های دیجیتال انتخاب کرده‌اند؛ برخی نظارت‌های متمرکز و محدود اعمال می‌کنند، برخی قوانین جامع و چندجانبه را به اجرا در می‌آورند و برخی دیگر با اتخاذ رویکردی نوآورانه به دنبال حفظ نوآوری در عین کنترل ریسک‌ها هستند اما نکته مهم این است که هیچ کشوری تاکنون نتوانسته با رویکردی انحصارطلبانه و یک‌جانبه بازار رمزارز را به طور کامل کنترل کند؛ زیرا ذات غیرمتمرکز و پیچیدگی‌های فنی آن، نیازمند همکاری نهادی گسترده و چارچوب‌های منعطف است.

این بحث به ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بانک مرکزی به‌رغم داشتن ظرفیت محدود برای حمایت از بازار رمزارزها، اصرار دارد نقش ناظری انحصاری بر این حوزه داشته باشد. کارشناسان اقتصادی و حقوقی معتقدند این اصرار بی‌فایده و حتی آسیب‌زا است، زیرا بانک مرکزی نه‌تنها امکانات لازم برای مدیریت جامع و دقیق این بازار را ندارد، بلکه تلاش برای کنترل یک‌جانبه می‌تواند به تداخل وظایف میان نهادهای مختلف منجر شود و رشد سالم بازار را مختل کند. در مقابل، مجلس شورای اسلامی که مسئولیت قانون‌گذاری و نظارت بر روند توسعه اقتصادی کشور را برعهده دارد، با رویکرد بانک مرکزی مخالفت کرده و این نقش نظارتی انحصاری را به رسمیت نشناخته است. این موضع را باید به فال نیک گرفت؛ چراکه احترام به تفسیر قانونی صحیح و محدود کردن دامنه نظارت بانک مرکزی به رمزپول‌ها، فضای بهتری برای رشد دارایی‌های دیجیتال فراهم و از ایجاد سردرگمی و تضادهای حقوقی جلوگیری می‌کند.

از سوی دیگر، نهادهای مختلفی از جمله وزارت اقتصاد، سازمان بورس، وزارت ارتباطات و شورای عالی فضای مجازی در حوزه دارایی‌های دیجیتال فعال هستند و هر کدام نقش مهمی در توسعه این بازار ایفا می‌کنند. بهترین راهکار برای ایران، همکاری نهادی و تدوین چارچوب‌های قانونی روشن و هماهنگ است که بتواند ضمن حفظ نوآوری و جذابیت بازار، امنیت و شفافیت را نیز تضمین کند. فعالان بازار رمزارزها نیز بر این باورند که وجود قوانین روشن و منسجم، ضمن جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، باعث کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری و افزایش اعتماد عمومی می‌شود. همچنین با توجه به تجارب جهانی، روشن است که تنظیم‌گری موفق تنها زمانی ممکن است که نهادهای مختلف با احترام به جایگاه و ظرفیت‌های یکدیگر، در قالب یک همکاری مشارکتی عمل کنند. اتفاقی که در مجلس رخ داده و رویکرد انحصارطلبانه بانک مرکزی را رد کرده، می‌تواند نقطه عطفی در مسیر توسعه اقتصاد دیجیتال ایران باشد. این تصمیم نشان می‌دهد که قانون‌گذاران کشور به دنبال ایجاد ساختاری منسجم، مبتنی بر قانون و همکاری نهادی هستند، نه رویکردهای دستوری و محدودکننده که تنها به ایجاد چالش‌های جدید در این عرصه منجر می‌شود.

ابزارهای مخفی و داشبوردهای استخرها

# رصد لحظه‌ای، تحلیل دقیق، سود بیشتر!

**تازه‌کارها چگونه با سایت‌های ساده مثل WhatToMine درآمدشان را پیش‌بینی می‌کنند و چرا برای حرفه‌ای‌ها نرم‌افزارهای پیچیده مثل Minerstat و Hive OS ضروری‌اند.**

استخراج ارزهای دیجیتال این روزها به یکی از مشاغل پررونق و جذاب تبدیل شده است اما کسب درآمد از ماینینگ به خرید دستگاه‌های استخراج یا همان ماینرها محدود نمی‌شود؛ مدیریت هوشمندانه و تحلیل دقیق عملکرد این دستگاه‌ها نکته کلیدی است که می‌تواند تفاوت بین سود و زیان را رقم بزند. برای همین، ابزارها و سایت‌های متعددی طراحی شده‌اند که به استخراج‌کنندگان کمک می‌کنند وضعیت ماینرهای خود را پایش کنند، بهره‌وری آنها را بسنجند و در نهایت تصمیمات بهتری درباره تنظیمات و مدیریت فارم استخراج اتخاذ کنند.

استخرهای ماینینگ که بستر اصلی برای استخراج جمعی هستند، داشبوردهای مخصوص خود را در اختیار کاربران می‌گذارند تا عملکرد ماینرها را به شکل لحظه‌ای بررسی کنند. در این گزارش به بررسی مهم‌ترین سایت‌ها و ابزارهای تحلیل عملکرد ماینرها و همچنین نقش داشبوردهای استخرها می‌پردازیم تا دید بهتری نسبت به این حوزه پیچیده اما حیاتی داشته باشید.

یکی از ساده‌ترین و شناخته‌شده‌ترین سایت‌ها در این زمینه WhatToMine است. این سایت بیشتر به عنوان یک ماشین حساب سودآوری شناخته می‌شود و به شما امکان می‌دهد مدل ماینرتان را انتخاب، مصرف برق را وارد و با توجه به قیمت‌های روز ارزهای دیجیتال و سختی شبکه، میزان سودآوری تقریبی را محاسبه کنید. مزیت اصلی WhatToMine سهولت استفاده و سرعت بالای محاسبه است؛ کافی است چند مشخصه ساده را وارد کنید و نتایج را در همان لحظه ببینید. اما در مقابل، این سایت فقط یک ابزار محاسبه است و قابلیت رصد زنده و نظارت لحظه‌ای روی عملکرد دستگاه شما را ندارد؛ یعنی نمی‌توانید از آن انتظار داشته باشید که دما، هش‌ریت لحظه‌ای یا هشدار خطاهای ماینر را نشان دهد. برای کسانی که می‌خواهند صرفاً یک دید کلی از درآمد احتمالی داشته باشند، WhatToMine انتخاب خوبی است اما اگر می‌خواهید کنترل دقیق‌تر و مدیریت حرفه‌ای‌تر روی ماینرتان داشته باشید، باید دنبال گزینه‌های پیچیده‌تر باشید.

Minerstat یکی از همین گزینه‌های حرفه‌ای است. این سایت و نرم‌افزار همراه آن امکان مدیریت کامل و نظارت زنده بر ماینرها را فراهم می‌کند. شما می‌توانید هش‌ریت واقعی دستگاه را به صورت آنلاین ببینید، دما، مصرف برق و حتی اخطارهای فنی را دنبال کنید. علاوه بر این، قابلیت تغییر تنظیمات دستگاه از راه دور وجود دارد و امکان دریافت گزارش‌های تحلیلی به شکل نمودارهای زمانی به شما کمک می‌کند روند عملکرد ماینرتان را به دقت بررسی کنید. البته استفاده از Minerstat کمی پیچیده‌تر است و نیاز به نصب نرم‌افزار روی ماینر دارد، پس برای کاربران تازه‌کار ممکن است چالش‌برانگیز باشد اما برای فارم‌های بزرگ و حرفه‌ای که به دنبال بهینه‌سازی حداکثری هستند، این ابزار بسیار کاربردی و ارزشمند است.

NiceHash بیشتر به عنوان بازاری برای خرید و فروش قدرت هش شناخته می‌شود اما ابزار محاسبه سودآوری نیز ارائه می‌دهد. اگر بخواهید، می‌توانید مشخصات ماینرتان را وارد کنید و ببینید در شرایط فعلی بازار چقدر درآمد ممکن است داشته باشید. امکانات نظارت سخت‌افزاری در NiceHash محدود است و این سایت بیشتر روی معاملات هش تمرکز دارد، بنابراین برای کنترل دقیق دستگاه‌ها گزینه کاملی نیست.

یکی دیگر از گزینه‌های پیشرفته Hive OS است؛ یک سیستم عامل اختصاصی برای ماینرها که علاوه بر نصب روی دستگاه، داشبورد مدیریتی قدرتمندی دارد. Hive OS امکان کنترل کامل ماینرها را در اختیار شما قرار می‌دهد، وضعیت هر دستگاه را با جزئیات بالا نشان می‌دهد، از دما و هش‌ریت گرفته تا مصرف برق و وضعیت اتصال و مناسب کسانی است که چندین دستگاه دارند یا یک فارم بزرگ را مدیریت می‌کنند. البته کار با Hive OS نیازمند دانش فنی و تجربه نسبتاً بالاست و نصب آن کمی تخصصی به نظر می‌رسد اما در عوض امکاناتی که ارائه می‌دهد، در دنیای ماینینگ بسیار ارزشمند است.

برای کسانی که ماینرهای ASIC دارند، سایت ASIC Miner Value به عنوان یک بانک اطلاعاتی کامل از مدل‌های مختلف ماینرهای ASIC شناخته می‌شود. این سایت مشخصات فنی، هش‌ریت، مصرف برق و سودآوری هر مدل را به‌روزرسانی شده بر اساس قیمت بازار نمایش می‌دهد. با این حال، این سایت بیشتر برای انتخاب مدل ماینر و بررسی بازدهی آنها مناسب است و قابلیت رصد لحظه‌ای یا مدیریت مستقیم دستگاه‌ها را ندارد.

اما جدا از نقش استخرها در مدیریت استخراج، سایت‌های تحلیلی و نرم‌افزارهای مدیریت، استخرهای ماینینگ نقش بسیار مهمی در نظارت و مدیریت عملکرد ماینرها دارند. استخرهای ماینینگ که محیطی مشترک برای اتصال ماینرها هستند، معمولا داشبوردهای اختصاصی خود را در اختیار استخراج‌کنندگان قرار می‌دهند. این داشبوردها به کاربران اجازه می‌دهند به صورت لحظه‌ای هش‌ریت ارسالی هر ماینر را مشاهده کنند، میزان درآمد استخراج شده را ببینند و از وضعیت اتصال دستگاه‌ها مطلع شوند. مهم‌ترین مزیت داشبورد استخرها این است که نمایی واقعی از عملکرد استخراج در محیط عملیاتی ارائه می‌دهد؛ برای مثال شما می‌توانید به سرعت متوجه شوید که کدام دستگاه به استخر متصل نیست یا هش‌ریت ارسالی‌اش کاهش یافته است. همچنین معمولا سیستم‌های هشداردهنده‌ای وجود دارد که اگر ماینر دچار مشکل شود، به شما اطلاع می‌دهد تا بتوانید سریعا اقدام کنید.

با این حال، داشبوردهای استخرها معمولا اطلاعات تخصصی مثل دما، مصرف برق یا سایر پارامترهای سخت‌افزاری را نشان نمی‌دهند و تمرکزشان بیشتر روی عملکرد استخراج و میزان هش‌ریت است. از این رو، بهترین روش برای ماینرهای حرفه‌ای ترکیب استفاده از یک پلتفرم مدیریت سخت‌افزاری پیشرفته مانند Minerstat یا Hive OS همراه با داشبورد استخر است. این ترکیب به شما اجازه می‌دهد هم از نظر فنی و سخت‌افزاری بر دستگاه‌ها نظارت داشته باشید و هم از جنبه عملکرد استخراج و درآمد واقعی آنها در استخر مطلع شوید.

در نهایت اگر بخواهیم یک جمع‌بندی کلی داشته باشیم، باید گفت که اگر تازه‌کار هستید و فقط می‌خواهید ببینید ماینرتان چقدر می‌تواند درآمد داشته باشد، سایت‌هایی مثل WhatToMine و ASIC Miner Value بهترین گزینه هستند چون کاربری آسان و دسترسی سریع دارند. اما اگر قصد مدیریت حرفه‌ای‌تر و دقیق‌تر دارید و می‌خواهید به صورت زنده هش‌ریت، دما و مصرف برق را کنترل کنید، ابزارهایی مثل Minerstat و Hive OS انتخاب‌های بهتری خواهند بود. در کنار اینها، داشبوردهای استخرهای ماینینگ نقش مهمی در نظارت بر عملکرد استخراج و شناسایی مشکلات احتمالی دارند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

ماینینگ دنیایی پر از جزئیات فنی است و هر چه ابزارهای بیشتری برای تحلیل و مدیریت داشته باشید، احتمال موفقیت و سودآوری بیشتر خواهد بود. بنابراین، شناخت کامل این سایت‌ها و داشبوردها و استفاده هوشمندانه از آنها، یکی از کلیدهای موفقیت در این عرصه پررقابت و پیچیده است.

نکته

**استخراج ارزهای دیجیتال این روزها به یکی از مشاغل پررونق و جذاب تبدیل شده است اما کسب درآمد از ماینینگ به خرید دستگاه‌های استخراج یا همان ماینرها محدود نمی‌شود.**

**استخرهای ماینینگ که بستر اصلی برای استخراج جمعی هستند، داشبوردهای مخصوص خود را در اختیار کاربران می‌گذارند تا عملکرد ماینرها را به شکل لحظه‌ای بررسی کنند**

| نام سایت/ابزار | نوع خدمات | قابلیت‌های کلیدی | مناسب برای | نکات مهم |
|---|---|---|---|---|
| WhatToMine | ماشین حساب سودآوری | محاسبه سودآوری بر اساس مدل و قیمت‌ها | تازه‌کارها، محاسبه سریع | بدون رصد زنده دستگاه |
| Minerstat | نرم‌افزار مدیریت و نظارت زنده | نظارت بر هش‌ریت، دما، مصرف برق، هشدارها | فارم‌های حرفه‌ای | نیاز به نصب نرم‌افزار |
| NiceHash | بازار خرید و فروش هش + محاسبه | محاسبه سود، معاملات هش | کاربران بازار هش | امکانات نظارتی محدود |
| Hive OS | سیستم عامل و داشبورد مدیریت | کنترل کامل دستگاه‌ها، گزارش‌های دقیق | ماینرهای چنددستگاهی | نیازمند دانش فنی |
| ASIC Miner Value | بانک اطلاعات مدل‌های ماینر ASIC | مشخصات فنی، هش‌ریت، مصرف برق، سودآوری | انتخاب و بررسی ماینرها | بدون رصد زنده |
| داشبورد استخرها | نظارت عملکرد در استخر ماینینگ | نمایش هش‌ریت ارسالی، درآمد، وضعیت اتصال | همه استخراج‌کنندگان | اطلاعات سخت‌افزاری کم |

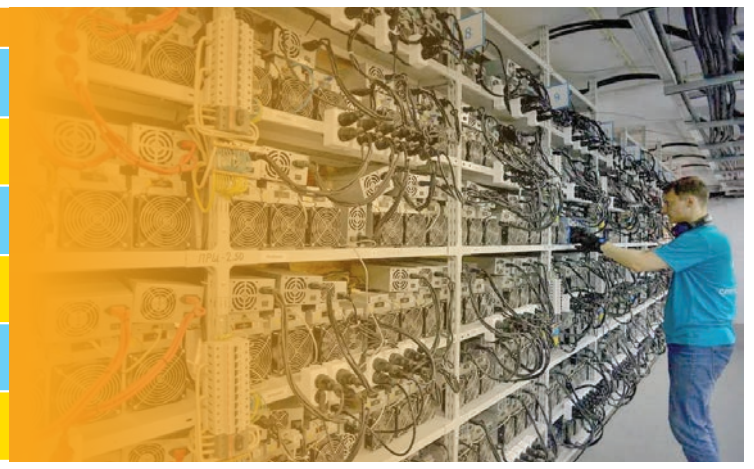

شناسه آگهی : ۱۹۳۵۵۷۵ نوبت اول

شرکت ملی نفت ایران

## آگهی مناقصه

شرکت ملی حفاری ایران «سهامی خاص»

مشخصات مناقصه:

| نام مناقصه گزار | شماره مناقصه | موضوع مناقصه | مبلغ برآورد (ریال) | مبلغ برآورد (یورو) | مبلغ تضمین |
|---|---|---|---|---|---|
| شرکت ملی حفاری ایران | ۲۰۰۴۰۹۳۹۸۵۰۰۰۱۷۲ | تعمیر اساسی ۸ دستگاه موتور DEUTZ مدل BF4M2012C | ۳٫۲۵۷٫۶۰۰٫۰۰۰ | ۷۴۸۰۵/۶۵ | ۳/۰۴۵/۰۰۰/۰۰۰ |

روش ارزیابی : بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می شود، انجام می گردد.(حداقل امتیاز ۵۰)

تحویل اسناد به شرکت: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ( ستاد ) به نشانی www.setadiran.ir و اصل ضمانت نامه به آدرس اهواز - بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه - شرکت ملی حفاری ایران - ساختمان پایگاه عملیاتی - طبقه اول پارت B - اتاق ۱۰۷- دبیرخانه کمیسیون مناقصات - شماره تماس ۳۴۱۰۰۰۰۰ - ۳۴۱۴۸۵۸۰-۰۶۱

تاریخ شروع دریافت اسناد : توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ۷روز پس از آن ادامه خواهد داشت .از روز پنجشنبه مورخ (۱۴۰۴/۰۳/۰۸) لغایت روز شنبه مورخ (۱۴۰۴/۰۳/۱۷) آخرین مهلت ارسال پاسخ استعلام : ۱۴ روز پس از آخرین روز دریافت اسناد روز شنبه مورخ (۱۴۰۴/۰۳/۳۱)

انواع تضامین قابل قبول : ضمانتنامه بانکی (به جز ضمانتنامه بانک پاسارگاد و سپه که مورد قبول نمی باشد) و یا ضمانتنامه های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا IR۳۵۰۱۰۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶) و سایر تضمین های معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ت / ۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ مورد قبول و پذیرش می باشد.

مدت اعتبار پیشنهاد/ تضمین : ۹۰روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)

• کانال‌های اطلاع‌رسانی شرکت ملی حفاری ایران www.nidc.ir http://sapp.ir/nidc_pr هفت صبح

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

شرکت ملی حفاری ایران – اداره قراردادها

۱۴۹

شناسه آگهی : ۱۹۳۷۵۴۱

## آگهی مناقصه عمومی ساخت آرامگاه های خانوادگی در بلوک سبحان آرامستان خلدبرین یزد

سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری یزد

**مناقصه گزار:** سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری یزد

**موضوع مناقصه:** ساخت آرامگاه های خانوادگی در بلوک سبحان آرامستان خلدبرین یزد

**مبلغ و نوع سپرده شرکت در مناقصه:** مبلغ ضمانت شرکت در مناقصه مبلغ ۴,۳۵۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال معادل ۵٪ (پنج درصد) مبلغ کل برآورد ۸۷,۰۹۹,۹۰۵,۴۱۸ ریال) می‌باشد که می‌تواند به صورت واریز به حساب شماره ۲۰۹۰۴۱۰۸۱۷ نزد بانک تجارت شعبه مرکزی یزد و یا به صورت ضمانت‌نامه بانکی(با اعتبار سه ماه) در وجه سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری یزد و یا اوراق مشارکت بی‌نام باشد. در ضمن به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

**مدت قرارداد:** شش ماه

**محل دریافت اسناد:** تمامی متقاضیان می‌بایست برای خرید اسناد، با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیک(ستاد)، اسناد را دریافت و مطالعه نمایند.

**قیمت و زمان فروش اسناد:** مبلغ خرید اسناد ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد. مهلت فروش اسناد از تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ لغایت ۱۴۰۴/۰۳/۱۶ می‌باشد.

**زمان و محل تحویل پیشنهادات:** متقاضیان می‌بایست تا ساعت ۱۸:۰۰ روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۳/۲۸پاکت‌های پیشنهادی خود را در سامانه تدارکات الکترونیک دولت(ستاد) بارگذاری نمایند.

**زمان بازگشائی پاکت‌ها:** کلیه پاکت‌ها در ساعت ۰۹:۰۰ روز پنج‌شنبه ۱۴۰۴/۰۳/۲۹ در دفتر ریاست سازمان آرامستان شهرداری یزد مفتوح می‌گردد.

**محل انجام کار:** سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری یزد

سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است. شماره تماس ۰۳۵۳۳۱۳۵۸۱۳

چنانچه برندگان اول تا دوم حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده‌های آن‌ها به ترتیب ضبط خواهد شد.

سازمان در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.

هزینه چاپ و نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد. (آرامستان ها ـ حسنی) ـ (ش ـ ا ـ د: ۱۰۳۶)

روابط عمومی سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری یزد

۱۵۱

## آگهی فراخوان مناقصه

شرکت آب و فاضلاب استان کردستان

شرکت آب و فاضلاب استان کردستان در نظر دارد پروژه های ذیل را از طریق مناقصه به پیمانکاران واجد صلاحیت واگذار نماید.

| ردیف | کدمناقصه | عنوان پروژه | مبلغ برآورد اولیه (ریال) | مدت اجرا | محل تامین اعتبار | مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ (ریال) | مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: انواع تضمین | نوع مناقصه | شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۴۰۴-۵۰ | "اصلاح و احداث شبکه جمع آوری فاضلاب شهر کامیاران-فاز ۱" | ۳۲,۶۸۵,۳۰۷,۷۹۸ | ۳ماه | منابع داخلی | ۱۶۳۵۰۰۰۰۰۰ | ضمانت نامه بانکی، سپرده نقدی، اوراق مشارکت | عمومی یک مرحله ای | ۲۰۰۴۰۰۷۰۱۴۰۰۰۰۰۹ |
| ۲ | ۱۴۰۴-۴۷ | "تکمیل شبکه جمع آوری فاضلاب مسکن ملی شهرستان کامیاران فاز ۲" | ۳۶,۷۴۵,۷۴۴,۵۷۲ | ۳ماه | طرح های عمرانی | ۱۸۳۸۰۰۰۰۰۰ | ضمانت نامه بانکی، سپرده نقدی، اوراق مشارکت | عمومی یک مرحله ای | ۲۰۰۴۰۰۷۰۱۴۰۰۰۰۱۰ |
| ۳ | ۱۴۰۴-۴۳ | "احداث خط انتقال چاه های شماره ۳ و ۴ کامیاران به ایستگاه مرکزی شهر کامیاران" | ۴۴,۱۵۶,۳۸۱,۷۱۶ | ۴ ماه | طرح های عمرانی | ۲۲۱۰۰۰۰۰۰۰ | ضمانت نامه بانکی، سپرده نقدی، اوراق مشارکت | عمومی یک مرحله ای | ۲۰۰۴۰۰۷۰۱۴۰۰۰۰۱۱ |
| ۴ | ۱۴۰۴-۲۹ | آبرسانی به روستای ماضی بن دگاگا از توابع شهرستان سروآباد | ۲۸,۵۵۲,۹۵۸,۳۴۱ | ۶ ماه | طرح های عمرانی | ۱,۴۲۸,۰۰۰,۰۰۰ | ضمانت نامه بانکی، سپرده نقدی، اوراق مشارکت | عمومی یک مرحله ای | ۲۰۰۴۰۰۷۰۱۴۰۰۰۰۰۸ |
| ۵ | ۱۴۰۴-۳۶ | آبرسانی به مجتمع سرکل (روستای لنج آباد) از توابع شهرستان مریوان | ۲۹۹۰۰۷۰۳۰۳۰ | ۴ماه | طرح های عمرانی | ۱,۴۹۶,۰۰۰,۰۰۰ | ضمانت نامه بانکی، سپرده نقدی، اوراق مشارکت | عمومی یک مرحله ای | ۲۰۰۴۰۰۷۰۱۴۰۰۰۰۱۲ |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| محل دریافت اسناد مناقصه: | سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس setadiran.ir | | | | | |
| مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد ایران: | از: | روز: | یک شنبه | | مورخ: | ۱۴۰۴/۰۳/۰۴ |
| | تا: | ساعت: | ۱۹ | روز: پنج شنبه | مورخ: | ۱۴۰۴/۰۳/۰۸ |
| مهلت زمانی ارائه پیشنهاد قیمت: | ساعت: | ۱۹ | روز: دوشنبه | | مورخ: | ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ |
| زمان شروع بازگشایی پاکت ها: | ساعت: | ۸ | روز: سه شنبه | | مورخ: | ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ |
| آدرس مناقصه‌گزار: | سنندج، خیابان امام، استانداری، بالاتر از پل کمانگر، جنب پست بانک، شرکت آب و فاضلاب استان کردستان، کد پستی: ۶۶۱۳۹۱۵۴۷۱، تلفن: ۳۱۰۴۲۰۰۰-۳۳۱۵۰۸۱۵ (۰۸۷)، فکس: ۳۳۱۷۷۶۷۱ (۰۸۷) | | | | | |
| مهلت تحویل پاکت الف (ضمانت نامه شرکت در مناقصه): | | پایان وقت اداری روز: | دوشنبه | | مورخ: | ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ |
| محل تحویل پاکت الف (ضمانت نامه شرکت در مناقصه): | | دفتر امور قراردادها | | | | |

اپ خبری هفت صبح
دانلود از وب سایت هفت صبح
www.7sobh.com

با نصب این نرم افزارموبایلی ، همزمان با تحریریه روزنامه هفت صبح از تازه ترین اخبار، تصاویر و ویدئوهای خبری آگاه شوید. محتوای خبری این اپلیکیشن متفاوت از روزنامه چاپی خواهد بود وسعی‌مان این است بین صدها خبر و گزارش روزانه ، مهم ترین اخبار را در اختیارتان قرار دهیم. برای ثبت نظر ، لایک و ابراز احساسات نسبت به اخبار منتشر شده باید به عنوان عضو عادی ثبت نام کنید.
عضویت عادی و استفاده از نرم افزار رایگان است اما در نسخه جدید نرم‌افزار خبری هفت‌صبح این امکان فراهم شده است که اعضاء ویژه با خرید اشتراک هفتگی ، ماهانه یا سالیانه به نسخه pdf روزنامه و سایر گزارش‌ها ، یادداشت‌ها و مطالب اختصاصی روزنامه دسترسی پیدا کنند.

# روزنامه‌نگاری بی‌زحمت

## استفاده بی‌رویه از هوش مصنوعی در رسانه‌ها، هویت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را به چالش می‌کشد

**افشین امیرشاهی**
سردبیر

هوش مصنوعی فقط با یـک «بفرما» پاهایش را گذاشــته وسـط تحریریه‌ها و نشسته پشت میز خبرنگاران. مثل میهمانی که با یک تعارف کوچک، زودتر از همه خودش را به شام رسانده و حـالا مثل صاحب‌خانه‌ها رفتـار می‌کند. اما داستان چیســت؟ در همین یکی دو سال اخیر مخصوصاً امسال به‌نظرم یک موج عجیب‌وغریب راه افتاده که هرکسی دستی در نوشتن دارد یک جورهایی چت‌جی‌بی‌تی ابزار دستش شده است. به شکلی که انگار بدون چت‌جی‌بی‌تی نمی‌توانند پاراگراف اول را تمام کنند. به‌خصوص کســانی که عنوان کارشناس، تحلیلگر، دکتر و مهندس و یادداشــت‌نویس را دارند، بیشتر از این ابزارها استفاده‌می‌کنند.

همین ابتدای امر بگویــم که اصلاً و ابداً مخالف هوش مصنوعی نیســتم. من هم بعضی وقت‌ها از ابزارهــای هوش مصنوعــی کمک می‌گیرم. ولی مسئله‌ای که باید تامل بیشتری در موردش داشــت، این اســت که خیلی‌ها دیگر فرق بین «نوشتن» و «تولید محتوا» را متوجه نمی‌شوند. فرق بین «تحقیق» و «دستور دادن به چت‌بات» از یاد رفته اســت. به‌جای اینکه یک نویســنده خودش ســراغ تولید محتوا و پیدا کردن سوژه برود، در مورد موضوع گزارش یا نقد حرف بزند و مصاحبه کند، مشاهده و تحلیل کند، چند نکته و ســوال را تایپ می‌کند و یک متن خوشگل و خوش‌نثر با ســاختار نســبتا بی‌نقص تحویل می‌گیرد. همین می‌شــود تولیــد محتوا برای روزنامه یا نظر کارشناسی.

بد ماجرا اما مــوارد دیگری هم هســت. چون بســیاری از این نثرها خیلی وقت‌ها شبیه هم هســتند. کافی است به ســبک جمله‌بندی‌ها، کلمــات تکــراری، تیترهــای ســوال‌دار، نقطه‌ویرگول‌های پرکاربرد و مواردی فراوان از این دست در محتواهای مختلف نوشته شده توسط هوش مصنوعی توجــه کنید. انگار یک کارخانه محتواســازی درحال تهیه متن برای نویسندگان مطبوعاتی است.

در یک سال گذشته بارها شده که مطلبی از یک خبرنگار یا تحلیل‌گر به دســت من رسیده که همان ابتدای کار می‌توان فهمید توسط هوش مصنوعی تهیه شده اســت. نثرش براق، تمیز اما بی‌روح اســت. دقیقاً مدلی که از دل ماشین بیرون می‌آید. متن‌هایی فرموله شــده، تکراری و قابل‌پیش‌بینی که این روزها بیشــتر از قبل می‌بینیم. تیترها هم همین طور است. دیگر از شــباهت تیترها تعجب نمی‌کنیم. درحالی که اگر کسی می‌خواهد از هوش مصنوعی برای تیتر نوشتن اســتفاده کند باید سراغ کلیدواژه‌هایی برود که در تیترهای پیشنهادی هوش مصنوعی وجود دارد نه این که خود تیتــر را عینا به کار ببرد. ممکن است یک واژه جذاب در بخشی از تیتر به کارتان بیاید و همان را می‌توانید با ذوق و سلیقه خودتان و تعریف رسانه‌تان به تیتر تبدیل کنید. درست مثل همان کارکرد جلسه‌های تیتر که گاهی ممکن اســت تیتر مورد نظر درنیاید ولی یک نفر کلمه یــا واژه‌ای را مطرح کند که همان کلمه را بــا خلاقیت‌های گروهی به تیتر تبدیل کنیم.

همین مســئله را در کمیته‌هــای عضوگیری انجمن‌هــای صنفی روزنامه‌نــگاری می‌توانیم مشــاهده کنیم. یکی از ملاک‌هــای پذیرش عضو تازه به نحوه نوشــتن، نثر گزارش و سوژه مطالب برمی‌گردد. اما در کمال تعجب می‌بینیم خبرنگاری که کارش را تازه شــروع کرده است مطالبی می‌نویسد که تصور می‌کنیم توسط یک روزنامه‌نگار قدیمی با سی سال سابقه ویراستاری و اصلاح شــده باشد. اما در واقع نویسنده کسی نیســت جز چت‌جی‌بی‌تی پرکار. خیلی زود با نسلی طرف خواهیم بود که به جای تلاش بیشتر و حضور فعــال در حوزه‌های خبری و گفت‌وگو و تحقیق، ســراغ هوش مصنوعــی می‌روند و کارهایشــان را با الگوریتم جلو می‌برند. یعنی تخصص اول‌شان شده پرامپت نویسی و حرف زدن با هوش مصنوعی.

### منتقدهای ماشینی

اما شــاهد یک پدیده دیگر تحت عنوان «کارشناس‌رسانه»، «منتقد رسانه» و مشاور رسانه هم هســتیم. کسانی که تجربه رسانه‌ای قابل توجهی ندارند. به‌شکل درست و حسابی اهل قلم محسوب نمی‌شوند، ولی منتقد نوشته‌های مطبوعاتی‌ها دیگران هستند. کارشان هم خیلی ساده و بی‌زحمت است. فقط مطلبی که به مذاق و سلیقه‌شان خوش نمی‌آید را به چت‌جی‌بی‌تی می‌دهند و می‌گویند این مطلب را به‌شــدت نقد کن. نتیجه هم در ظاهــر یک نقد دقیق با کلمات سنگین و رنگین است که با ژست روشنفکری نوشته شده، غافل از این‌که آن متن هر چیزی هست جز یک نقد قابل اتکا. اما همان محتوا را بدون کم و کاست به‌عنوان نظر کارشناسی خودشــان منتشــر می‌کنند. به این شــکل می‌شوند مشاور با تجربه.

اما زنگ خطرها بیشــتر از این مواردی اســت که گفته شد. یک مســئله جدی‌تر به سرچ‌ها برمی‌گردد. خیلی‌ها فکــر می‌کنند چیزی که هوش مصنوعی تحویل‌شــان داده، درســت و بی‌نقص اســت. امــا در واقع این طور نیســت. متوجه نیســتیم که الگوریتم‌هــا یک نتیجه را گاهی براساس اطلاعات قدیمی یا حتی اشتباه منتشــر می‌کنند. این مسئله را بســیاری از ما امتحان کرده‌ایــم. یعنی یک موضوع را از هوش مصنوعی درخواست کرده‌ایم اما اطلاعات ارائه شــده یا با موضوع‌های دیگری مخلوط شده، یا قدیمی است. گاهی نیز این اطلاعات جعلی، پر ایراد و نادرست اســت. حالا اگر همان اطلاعات در روزنامه منتشر شــود و کسی هم نظارت بر محتوای هوش مصنوعی نداشــته باشد با یک فاجعه خبری مواجه خواهیم بود.

درباره موضوع رســانه و هــوش مصنوعی یک مسئله مهم دیگر را باید در نظر بگیریم. بخش بزرگی از جذابیــت یک گزارش یا یادداشــت به‌واسطه شخصیت نویسنده آن شکل می‌گیرد. درخشش ســبک فردی، برداشــت‌های ویژه، کنایه‌ها، تردیدها و حتی اشــتباهات انســانی همه از اجزای اصالت در روزنامه‌نگاری هستند. اما وقتی متن توسط یک ماشین نگاشته شود، این نشــانه‌ها حذف می‌شــود و با محتوایی مواجه می‌شویم که روح ندارد. مانند غذایی که خوش‌عطر و طعم است، اما هیچ حسی از خانه و مادربزرگ در آن نیست.

### مرز میان کمک‌گرفتن و جایگزینی

هوش مصنوعــی را می‌توان بــه فرمان خودرو تشبیه کرد. اگر در دست یک راننده ماهر باشد به مقصد می‌رســد. اما در دستان نابلد، تصادف اجتناب‌ناپذیر اســت. یا حتی مثل یک نقشــه است که می‌تواند راه را به تو نشان بدهد اما نباید جای تو تصمیم بگیرد که به کدام مسیر بروی. بنابراین اگر روزنامه‌نگار بداند که چه‌زمانی باید از این ابزار کمک بگیرد و چگونه صحت اطلاعات را راســتی‌آزمایی کند و تا چه اندازه در فرآیند نگارش دخالت انسانی داشــته باشد، می‌توان بــه آینده حرفه امیــدوار بود. اما اگــر تمام بار تحقیق، نگارش و تحلیل را بر دوش یک ماشین بیندازیم، دیگر چه تفاوتی میان یک روزنامه‌نگار و یک کاربر معمولی اینترنت باقی می‌ماند.

روزنامه‌نگاری صرفاً تولید محتوا نیســت، بلکه مجموعه‌ای از مهارت‌های انسانی، تجربه‌مندی، مسئولیت‌پذیری و شهود اســت. این لیست را می‌تــوان کامل‌تر کرد. لذا اســتفاده بی‌رویه از هوش مصنوعــی، روزنامه‌نگاری را از یک حرفه به یک خط تولید بی‌جــان تبدیل می‌کند. اگر مراقب نباشیم، آینده این حرفه در خطر خواهد بود. آینده‌ای که ماشین‌ها می‌نویسند و انسان‌ها منتشر می‌کنند. همین الان هم گاهی مطالب رسانه‌ها را می‌خوانیم ممکن است ندانیم پشت این متن‌ها چه کســی قرار دارد. روزنامه‌نگاری یک شــغل خلاق و انسانی اســت، نه ماشینی. بنابراین باید کاری کنیم که ماشــین‌ها کمک کننده باشند، نه اینکه جای ما را بگیرند.

### دستورالعمل رسانه‌های معتبر

اما در میانه تســلط هوش مصنوعی بر محتوای رسانه‌ها، تعدادی از رسانه‌های معتبر جهان بیکار ننشسته‌اند و نسبت به استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوا، موضع‌گیری رســمی کرده‌اند. «نیویورک‌تایمز» اعلام کرده که هوش مصنوعی ابــزار کمکی اســت و نباید جایگزین نویسنده شود. «بی‌بی‌سی» به‌صراحت اعلام کرده که چت‌بات‌ها در خلاصه‌ســازی اخبار دقت کافی ندارند و اغلب اطلاعــات را تحریف می‌کنند. به همین دلیل استفاده از این ابزارها را به تحلیل داده‌های کم‌ریســک محدود کرده‌اند. رســانه‌هایی چون «گاردین» و «وال‌استریت ژورنال» نیز استفاده از هوش مصنوعی را صرفاً در مراحل اولیه تولید محتوا مانند تهیــه پیش‌نویس، اســتخراج داده یا ترجمــه متون مجاز دانســته‌اند. امــا تأکید دارنــد که هر محتوایی باید توســط انســان بازبینی و ویرایش شــود. «گاردین» حتی پا را فراتر گذاشــته و اعلام کــرده که تمام محتواهایی که با کمک هوش مصنوعی تولید می‌شــوند، باید برچسب‌گذاری شوند. گاردین گفته که چنین رویکردی شفافیت ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد روزنامه‌نگاری واقعی هنوز زنده است.

## ذره‌بین

# روابط‌عمومی سیاه

## روابط‌عمومی سیاه جدایی میان مردم و سازمان را از طریق شایعات و اخبار جعلی انجام می‌دهد

**محمدرضا نوروزپور**
معاون امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ

تصویر هر سازمانی که مردم آن را دوست داشته باشــند، یا ممکن است از آن بترسند و یا هر تصویر دیگری توسط روابط‌عمومی ترسیم می‌شود. تصویرسازی درست از هر سازمانی و گرفتن قلم از دست دشمن خیلی اهمیت دارد؛ در دنیا بودجه‌های کلانی برای تبیین و تصویرسازی هزینه می‌شود که اصلاً قابل مقایسه با بودجه‌های کشورمان در این حوزه نیست. جایگاه درخور شأن روابط‌عمومی‌ها به آن‌ها اعطا نشده و بودجه لازم نیز در اختیار این واحد قرار نمی‌دهند؛ البته این موارد رافع مسئولیت‌های سنگین روابط‌عمومی نیست.

در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که دسترسی به منابع خبری به ویژه غیرموثق بیشتر است؛ با پدیده روابط‌عمومی سیاه روبرو هستیم که جدایی میان مردم و سازمان را از طریق شایعات و اخبار جعلی انجام می‌دهد.

افشــاگری و یا بزرگنمایی از یک موضوع کوچک و تسری آن برای تخریب کل سازمان نیز از دیگر اقدامات روابط‌عمومی‌های سیاه اســت؛ برای مبارزه با این اقدامات باید تلاش و تصویر واقعی هر سازمانی را به عموم مردم منعکس کرد.

فرصت‌هایی را که هوش مصنوعی می‌تواند در اختیار قرار دهد، نباید نادیده گرفت؛ می‌توان از این فناوری برای تبدیل اطلاعات و دریافت دیتای جدید درون سازمانی و حرکت به سمت بلاک چین بهره‌مند شد.

به عنوان مثال امروزه امور خیریه بر بستر فناوری‌های نوین محقق می‌شود. یکی از دلایلی که در دنیا و حتی کشورهای به ظاهر کمونیستی اقبال به سمت امور خیریه افزایش پیدا می‌کند، همین فناوری‌های نوین است.

وقف در دنیا به شــدت در حال افزایش بوده و دلیل عمــده آن فعالیت بر پایه فناوری‌های نوین است؛ دلیل اقبال عمومی از این فناوری‌های نوین نیز این هست که هر تغییری در مجموعه آن شبکه به صورت همزمان ایجاد و هیچ چیزی مخفی از ذینفعان نیست.

اگر امور خیریه و موقوفات در بسترهای فناورانه و مبتنی بر قراردادهای هوشمند قرار بگیرد، هیچ فردی به اصالت آن تردید وارد نمی‌کند؛ حتی روابط‌عمومی سیاه نمی‌تواند در این خصوص اخبار جعلی تهیه کند.

اگر خیران بدانند که بر اســاس بلاک چین می‌توانند برای امــور عام‌المنفعه، بهداشتی، زیســت‌محیطی و غیره اقدام کنند، بیشتر استقبال خواهند داشت. باید به سمت روش‌های نوین حرکت کنیم، به این پدیده وقف نوین می‌گویند؛ تصویرسازی سازمان، ایجاد ارتباط با رسانه، تبلیغات سازمان، حمایت از برنامه‌های وقف و موقوفه، حضور در فضای مجــازی و راه‌اندازی کمپین‌ها از جمله وظایف روابط‌عمومی است.

امروز وقف به این نیاز دارد که هر فردی می‌تواند با پول کم در وقف و امور خیریه مشارکت داشته باشد. می‌توان سبدهای وقف در بورس با اهداف مختلف از جمله اشتغالزایی و یا صاحب خانه شدن زنان سرپرست خانوار ایجاد کرد، این وظیفه روابط‌عمومی هست که تبیین لازم را در این زمینه انجام دهد؛ افزایش انگیزه برای مشارکت مردم در امور خیریه نیز برعهده روابط‌عمومی است.

روابط‌عمومی اگر با رسانه خوب تعامل نکند، از رسانه که ابزار و مسیر تصویرسازی درست و ارتقا است، محروم و حتی ضربه می‌خورند؛ با رسانه‌های دارای مجوز کار کنید، چون رسانه‌های بدون مجوز به رسانه‌های اصلی و وجهه سازمانی خدشه وارد می‌کنند.



## آگهی تحدید حدود عمومی حوزه ثبتی زیرکوه

قوه قضاییه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان جنوبی

پیرو آگهی نوبتی منتشره و به موجب مقررات ماده ۱۴ قانون ثبت تحدید حدود شماره‌های
**بخش ۱۴ زیرکوه**
**قطعات مفروزه مزرعه حاجی اباد**

**پلاک ۴۹ -اصلی**
۱-پلاک۴۹۸۹فرعی آقای سید حمید اسلامی ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آبادبلوار امام رضا(ع)خیابان مهر داخل کوچه
۲-پلاک ۵۲۵۲ فرعی آقای حسن غضنفری ششدانگ یک قطعه زمین بایر به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع)
۳ -پلاک۵۲۵۳فرعی دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی نیروی انتظامی ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع)
۴-پلاک ۵۲۵۴ فرعی خانم کنیز غلامحسینی بمرود ششدانگ یک قطعه زمین بایر به نشانی حاجی آباد خیابان شاهد ۱۴
۵-پلاک ۵۲۵۶ فرعی آقای یاسر محمدی ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آباد بلوار مطهری کوچه مطهری ۹
۶-پلاک ۵۲۵۸ فرعی خانم کنیز بهلولی ششدانگ یک قطعه محوطه به نشانی حاجی آباد کوچه آبان
۷-پلاک ۵۲۵۹ فرعی خانم هاجر ایراندوست ششدانگ یک باب منزل به نشانی حاجی آباد بلوار ابوذر غفاری کوچه ابوذر غفاری ۶
۸-پلاک ۵۲۶۰ فرعی خانم ها فاطمه-عصمت-رقیه -شهرت همگی شاکری ششدانگ یک باب مغازه (میزان مالکیت هر کدام از اشخاص فوق الذکر ۲ دانگ مشاع از ششدانگ میباشد )به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع)نبش خیابان رازی
۹-پلاک ۵۲۶۱ فرعی خانم ها حدیقه قمی -عزت شاکری ششدانگ یک باب مغازه (میزان مالکیت حدیقه قمی ۴ دانگ و عزت شاکری۲ دانگ مشاع از ششدانگ میباشد )به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع) حد فاصل خیابان رازی و بانک کشاورزی
۱۰-پلاک ۵۲۶۳ فرعی آقای محمد دلاکه ششدانگ یک باب مغازه به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع)روبروی سه راهی آبیز
**تاریخ تحدید حدود:۱۴۰۴/۰۴/۰۱**
۱۱-پلاک ۵۲۶۴ فرعی آقای محمد دلاکه ششدانگ یک قطعه محوطه به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع)روبروی سه راهی آبیز
۱۲-پلاک ۵۲۶۵ فرعی آقای محمد دلاکه ششدانگ یک باب مغازه به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع)روبروی سه راهی آبیز
۱۳-پلاک ۵۲۶۸ فرعی آقای ناصر شمس ششدانگ یک زمین بایر به نشانی حاجی آباد کوچه شاهد ۱۱
۱۴-پلاک ۵۳۴۶ فرعی آقای حجت عابدینی ششدانگ یک زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آباد بلوار شهید رئیسی حد فاصل کوچه شهید رئیسی ۱۰و۱۲
۱۵-پلاک ۵۳۵۳ فرعی آقای دین محمد درویشی ششدانگ یک زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع)خیابان مهر کوچه مهر
۱۶-پلاک ۵۳۵۴ فرعی آقای شهاب دری ششدانگ یک زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع)خیابان مهر کوچه مهر
۱۷-پلاک ۵۳۵۵ فرعی آقای علی جامی مولید ششدانگ یک باب منزل در حال ساخت به نشانی حاجی آباد بلوار شهید رئیسی کوچه شهید رئیسی ۱۰
۱۸-پلاک ۵۳۵۶ فرعی آقای مرتضی نیک اندیش ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آباد بلوار شهید رئیسی کوچه شهید رئیسی ۱۲
۱۹-پلاک ۵۳۶۰ فرعی آقای محمود خزاعی ششدانگ یک باب منزل به نشانی حاجی آباد بلوار مطهری کوچه مطهری ۲۰ غفاری ۱۳
۲۰-پلاک ۵۳۶۱ فرعی آقای سعید نظری ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آبادخیابان شهید مطهری
۲۱-پلاک ۵۳۶۲ فرعی آقای محمود فلاحی ششدانگ یک باب منزل به نشانی حاجی آبادکوچه شهید مطهری
۲۲-پلاک ۵۳۶۳فرعی آقای امیر مهدی یعقوبی با ولایت پدرش ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آبادخیابان شهیدان موهبتی
۲۳-پلاک ۵۳۶۴فرعی آقای امیر مهدی یعقوبی با ولایت پدرش ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آبادخیابان شهیدان موهبتی
۲۴-پلاک ۵۳۶۵فرعی آقای رضا یعقوبی ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آبادخیابان شهید باهنر
۲۵-پلاک ۵۳۶۶فرعی آقای محمد یعقوبی ششدانگ یک قطعه زمین بایر به نشانی حاجی آبادخیابان ۲۲ بهمن – بهمن ۲
۲۶-پلاک ۵۳۶۷فرعی خانم ام البنین فلاحتی مقدم ششدانگ یک باب منزل به نشانی حاجی آباد خیابان شهید مطهری
۲۷-پلاک ۵۳۶۸ فرعی آقای محسن خسروی خوشینه ششدانگ یک زمین بایر به نشانی حاجی آبادبلوار امام رضا (ع)حاشیه میدان الغدیر
**تاریخ تحدید حدود:۱۴۰۴/۰۴/۰۲**
۲۸-پلاک ۵۳۷۰ فرعی آقای رضا بخشانی ششدانگ یک زمین بایر به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع)خیابان شهید بهشتی کوچه شهید بهشتی ۳
۲۹-پلاک ۵۳۷۱ فرعی آقای یاسر صفری ششدانگ یک زمین دایر مزروعی به نشانی حاجی آباد بلوار امام رضا (ع)خیابان شهید بهشتی کوچه شهیدبهشتی۱
۳۰-پلاک ۵۳۷۲فرعی خانم راحله سپری ششدانگ یک باب منزل به نشانی حاجی آباد کوچه شهیدبهشتی ۲
۳۱-پلاک ۵۵۵۶فرعی آقای اسماعیل عابدینی ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی حاجی آباد
۳۲-پلاک ۵۵۵۷فرعی آقای علی محمد اسدالهی ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی حاجی آباد
۳۳-پلاک ۵۵۵۸فرعی آقای علی محمد اسدالهی ششدانگ یک قطعه زمین دایر مزروعی مشجر به نشانی زیرکوه اراضی حاجی آباد
۳۴-پلاک ۵۵۵۹فرعی خانم نساء عابدینی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی حاجی آباد
۳۵-پلاک ۵۵۶۰فرعی خانم نساء عابدینی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی حاجی آباد
۳۶-پلاک ۵۵۶۱فرعی آقای عید محمد عابدینی ششدانگ یک قطعه زمین بند سار به نشانی زیرکوه اراضی حاجی آباد
**قطعات مفروزه مزرعه فندخت پلاک۸۷-اصلی**
۳۷-پلاک۱۹۵۶فرعی آقای عزیز محمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی فندخت
**تاریخ تحدید حدود-:۱۴۰۴/۰۴/۰۴**
**قطعات مفروزه مزرعه فتح آبادپلاک۲۷۳-اصلی**
۳۸-پلاک ۳۲۲فرعی موقوفه غلامرضا بیک بتولیت اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان زیرکوه ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی مشجر به نشانی شهرستان زیرکوه مزرعه فتح اباد
**تاریخ تحدید حدود-:۱۴۰۴/۰۴/۰۵**
**قطعات مفروزه مزرعه زهان پلاک۲۹۹-اصلی**
۳۹-پلاک ۳۱۳۹ فرعی آقای سید مصطفی حسینی اول ششدانگ یک باب منزل به نشانی زیرکوه شهر زهان خیابان شهید رجائی
۴۰-پلاک ۳۱۴۰ فرعی خانم طاهره معصومی ششدانگ یک باب منزل به نشانی زیرکوه شهر زهان خیابان ایت الله اوحدی
۴۱-پلاک ۳۱۴۱ فرعی آقای محمد حسن و علی اکبر شهرت همگی سیاری ششدانگ یک زمین دایر مزروعی (مشاعا بالسویه ) به نشانی زیرکوه شهر زهان
۴۲-پلاک۳۱۴۲ فرعی خانم سکینه نجفی ششدانگ یک باب منزل به نشانی زیرکوه شهر زهان خیابان حافظ
**تاریخ تحدید حدود-:۱۴۰۴/۰۴/۰۷**
**قطعات مفروزه چاههای کشاورزی فندخت پلاک۳۸۶ -اصلی**
۴۳-پلاک۶۲فرعی آقای عزیز محمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۴۴-پلاک۶۳فرعی آقای عزیز محمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۴۵-پلاک۶۴فرعی آقای عزیز محمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۴۶-پلاک۶۵فرعی آقای عزیز محمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۴۷-پلاک۶۶فرعی آقای عزیز محمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۴۸-پلاک۶۷فرعی آقای رحمت رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۴۹-پلاک۶۸فرعی آقای رحمت رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۵۰-پلاک۶۹فرعی آقای رحمت رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۵۱-پلاک۷۰فرعی آقای رحمت رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۵۲-پلاک۷۱فرعی آقای عظیم اله رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۵۳-پلاک۷۲فرعی آقای عظیم اله رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۵۴-پلاک۷۳فرعی آقای عظیم اله رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۵۵-پلاک۷۴فرعی آقای عظیم اله رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۵۶-پلاک۷۵فرعی آقای عصمت اله رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۵۷-پلاک۷۶فرعی آقای عصمت اله رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۵۸-پلاک۷۷فرعی آقای عصمت اله رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۵۹-پلاک۷۸فرعی آقای عصمت اله رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۶۰-پلاک۷۹فرعی آقای رئیس احمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۶۱-پلاک۸۰فرعی آقای رئیس احمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۶۲-پلاک۸۱فرعی آقای رئیس احمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۶۳-پلاک۸۲فرعی آقای رئیس احمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
**تاریخ تحدید حدود:۱۴۰۴/۰۴/۰۸**
۶۴-پلاک۸۳فرعی آقای رئیس احمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۶۵-پلاک۸۴فرعی آقای فیض احمدکمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۶۶-پلاک۸۵فرعی آقای فیض احمدکمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۶۷-پلاک۸۶فرعی آقای فیض احمدکمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۶۸-پلاک۸۷فرعی آقای خان محمد رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۶۹-پلاک۸۸فرعی آقای محمد صالح عزیزی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۷۰-پلاک۸۹فرعی خانم در دانه حسینی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۷۱-پلاک۹۰فرعی آقای فیض احمدکمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۷۲-پلاک۹۱فرعی آقای رئیس احمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۷۳-پلاک۹۲فرعی آقای رئیس احمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۷۴-پلاک۹۳فرعی آقای رئیس احمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۷۵-پلاک۹۴فرعی آقای فیض محمد رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۷۶-پلاک۹۵فرعی آقای فیض محمد رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۷۷-پلاک۹۶فرعی آقای فیض محمد رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۷۸-پلاک۹۷فرعی آقای فیض محمد رحمتی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۷۹-پلاک۹۸فرعی آقای عباس میرزائی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۸۰-پلاک۹۹فرعی آقای امان الدین نظری ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۸۱-پلاک۱۰۰فرعی آقای عزیز محمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
۸۲-پلاک۱۰۱فرعی آقای عزیز محمد کمالی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نشانی زیرکوه اراضی چاههای کشاورزی فندخت
**تاریخ تحدید حدود:۱۴۰۴/۰۴/۰۹**

انجام خواهد شد. لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت، به صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی و مجاورین شماره‌های فوق‌الذکر بوسیله این آگهی اخطار می‌گردد که در روز و ساعت مقرر بالا در محل حضور به هم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقررحاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی و نیز صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی که در موقع مقرر حاضر نبوده‌اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد. و برابر ماده ۸۶ آیین‌نامه اصلاحی قانون ثبت، از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. در غیر اینصورت متقاضی می‌تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت هم بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را طبق مقررات ادامه می‌دهد
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک زیرکوه

شناسه آگهی: ۱۹۳۶۶۷۴
۱۵۲

## آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ابراهیم شاملوفر و سمیه رضائی پناه به ترتیب به شماره ملی ۰۰۵۴۳۴۵۷۶۶ و ۰۰۸۰۷۷۹۶۰۳ وکالتا از سوی مالک با شماره وکالت ۱۴۴۶۰۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ دفتر ۲ شهریار که مراتب تایید ان به دفترخانه ارسال گردیده است باستناد دو برگ استشهادیه مصدق شده که امضا شهود ان ذیل شناسه یکتا به شماره ۱۴۰۴۰۲۱۵۴۴۰۱۰۰۰۰۷۷ رمز تصدیق ۴۰۰۰۱۸ مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۱ دفترخانه ۲ شهریار مدعی فقدان سند مالکیت ۳۵۴۷۲۴ سهم مشاع از سه میلیون و هفتصد و هفتاد و چهار هزار و دویست و هشتاد و دو سهم ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین به شماره شش هزار و هشتصد فرعی از پنجاه و سه اصلی مفروز و مجزی شده از شماره یک هزار و نهصد و پنج فرعی قطعه ۱ تفکیکی واقع در حوزه ثبتی شهریار استان تهران به مساحت ۳۷۷۴۲/۸۲ متر مربع ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۵۷۰۰۶۶۴۰ به شماره چاپی ۰۰۴۵۶۵ ج ۹۶ بنام جمشید شاه محمدی به شماره ملی ۴۳۹۱۵۹۰۲۶۳ ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم شده لذا مراتب به استناد تبصره ذیل ماده ۱۲۰ قانون ثبت در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نماید و در غیر اینصورت این اداره پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند المثنی طبق مقررات اقدام خواهد نمود.
م الف ۱۲۳۰۵

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار – مهدی ناصری

۱۴۷

## آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ابراهیم شاملوفر و سمیه رضائی پناه به ترتیب به شماره ملی ۰۰۵۴۳۴۵۷۶۶ و ۰۰۸۰۷۷۹۶۰۳ وکالتا از سوی مالک با شماره وکالت ۱۴۴۶۱۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ دفتر ۲ شهریار که مراتب تایید ان به دفترخانه ارسال گردیده است باستناد دو برگ استشهادیه مصدق شده که امضا شهود ان ذیل شناسه یکتا به شماره ۱۴۰۴۰۲۱۵۴۴۰۱۰۰۰۰۸۰ رمز تصدیق ۳۵۹۶۵۲ مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۱ دفترخانه ۲ شهریار مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ یک باب طویله و بهاربند بمساحت ۳۰۹ متر مربع به شماره ۳۳۹ فرعی از ۵۳ اصلی بمساحت ۳۰۹ متر مربع قطعه ۵ تفکیکی مفروز از قریه بابا سلمان ذیل صفحه ۴۱۱ دفتر ۷۱ به شماره ثبت ۱۰۲۵۸۷ به شماره چاپی ۵۷۷۵۴۴ در مالکیت حزب الله ایقانیان ثبت و سند صادر و تسلیم شده است و سپس مع الواسطه طی سند ۴۳۶۲۵ مورخ ۱۳۵۸/۳/۵ دفتر ۲ شهریار در مالکیت فریبا طالبی منتقل گردیده است لازم بذکر است که سند مالکیت مذکور جهت سه پلاک فرعی هر سه قطعه به شماره پلاک های ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ صادر و تسلیم شده است و سند انتقال مذکور مربوط به شماره فرعی ۳۳۹ فرعی از اصلی مذکور می باشد لذا مراتب به استناد تبصره ذیل ماده ۱۲۰ قانون ثبت در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نماید و در غیر اینصورت این اداره پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند المثنی طبق مقررات اقدام خواهد نمود. م الف ۱۲۳۰۴

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار – مهدی ناصری

۱۴۵

تلنگر

مسجد سلیمان، آینه‌ای از ایران بدون نفت

## از طلای سیاه تا روزگار سیاه

**اولین نقطه ورود نفت به ایران، روزگاری نماد پیشرفت صنعتی بود اما امروز با مشکلات اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند؛ شهری که باید راهی برای بازسازی و توسعه پایدار پیدا کند**

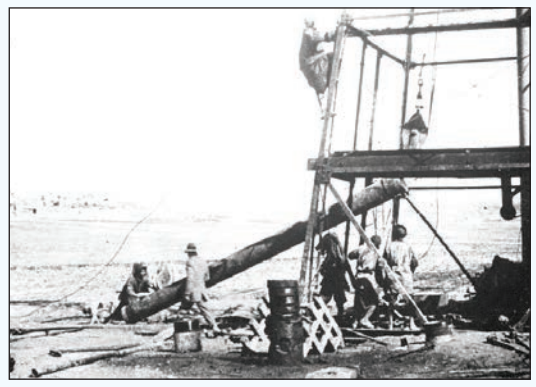

وقتی نام مسجدسلیمان به میان می‌آید، نخستین تصویری که به ذهن می‌آید، شهری است که در تاریخ ایران نقش مهمی ایفا کرده است. شهری که نخستین چاه نفت ایران در آن کشف شد و به سرعت تبدیل به نمادی از پیشرفت و رشد صنعتی شد. اما امروز، تصویر دیگری از مسجدسلیمان وجود دارد؛ شهری که درگیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی است و روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد.

مسجدسلیمان، در جنوب غربی ایران و در شمال استان خوزستان قرار دارد. این شهر، به واسطه کشف نفت در سال ۱۲۸۷ خورشیدی، دروازه ورود ایران به عصر صنعت بود. اولین چاه نفت ایران در این شهر به بهره‌برداری رسید و تحول بزرگی در اقتصاد کشور به وجود آورد. مسجدسلیمان، پیش از این کشف، روستایی کوچک بود اما پس از آن تبدیل به یکی از مهم‌ترین شهرهای صنعتی کشور شد.

در آغاز، این شهر فضای جدیدی برای کارگران و مهندسان داخلی و خارجی به وجود آورد. کارخانه‌ها و پالایشگاه‌های نفت شکل گرفتند، خطوط راه‌آهن ساخته شدند و زیرساخت‌های مدرن برای زندگی شهروندان فراهم آمد. مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها و امکانات شهری به سرعت رشد کردند و مسجدسلیمان تبدیل به الگویی برای توسعه و پیشرفت شد. مردم این شهر با امید به آینده‌ای روشن، در کارخانه‌ها کار می‌کردند و زندگی جدیدی را تجربه می‌کردند. شهر اولین بیمارستان، اولین استخر، اولین سینما، اولین زمین گلف، اولین خط آهن، اولین سالن تئاتر و ...

اما این روزهای پر رونق و امید به تدریج رنگ باختند. مشکلات مختلف، کم‌کم سایه سنگینی بر زندگی مردم مسجدسلیمان انداختند. ضعف مدیریت منابع، نوسانات اقتصادی و کمبود توجه به توسعه پایدار، باعث شد این شهر پس از فروکش کردن چاه‌های نفت خود، با بحران‌های جدی روبه‌رو شود. از همان دوران، بسیاری از سرمایه‌گذاران و مدیران ترجیح دادند به جای سرمایه‌گذاری در توسعه بلندمدت، به دنبال سودهای کوتاه‌مدت باشند و این روند، آسیب‌های زیادی به ساختار اقتصادی و اجتماعی مسجدسلیمان وارد کرد.

با گذشت زمان، بسیاری از نهادهای جدید به طور کامل تعطیل شدند. این موضوع باعث شد که فرصت‌های شغلی کاهش یابد و جمعیت جوان به دنبال کار به شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت کند. خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری نیز با کمبود منابع و توجه مواجه شدند و کیفیت زندگی ساکنان کاهش پیدا کرد. مدرسه‌ها و مراکز درمانی که زمانی نماد پیشرفت بودند، حالا به علت کمبود بودجه و نیروی انسانی، دچار مشکلات فراوان شده‌اند.

مسجدسلیمان امروز با چالش‌های زیادی مواجه است؛ از فقر و بیکاری گرفته تا مشکلات اجتماعی مثل افزایش آسیب‌های اجتماعی و کاهش امید به زندگی. فرزندان بسیاری از کسانی که روزگاری با شور و شوق در صنعت نفت کار می‌کردند، حالا بیکارند و در شرایط دشوار اقتصادی به سر می‌برند. این وضعیت تلخ، بسیاری از ساکنان را دلزده کرده و احساس ناامیدی در شهر به چشم می‌آید.

با وجود این شرایط سخت، مسجدسلیمان هنوز ظرفیت‌های بالقوه فراوانی دارد. مردم شهر همچنان به دنبال زندگی بهتر و آینده‌ای روشن‌تر هستند. اما برای بهره‌برداری مناسب از این ظرفیت‌ها، نیاز به مدیریت هوشمندانه، برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری هدفمند احساس می‌شود. اگر بتوان شرایط را بهبود بخشید، مسجدسلیمان می‌تواند دوباره جایگاه خود را به عنوان شهری پیشرو در صنعت و اقتصاد ایران باز یابد.

یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که می‌توان از تجربه مسجدسلیمان گرفت، اهمیت توجه به توسعه پایدار است. این شهر زمانی نشان داد که می‌توان با منابع طبیعی و تکنولوژی نوین، تحولی بزرگ ایجاد کرد. اما امروز نشان می‌دهد که اگر توسعه فقط بر پایه منابع کوتاه‌مدت و بدون توجه به آینده باشد، سرنوشت تلخی در انتظار خواهد بود. این هشدار به سایر شهرها و مناطق صنعتی ایران کمک می‌کند که مسیر اشتباه را تکرار نکنند و با نگاه بلندمدت، برنامه‌ریزی کنند.

مسجدسلیمان علاوه بر اهمیت اقتصادی، از نظر اجتماعی هم دارای جایگاه ویژه‌ای است. فرهنگ کارگری، زندگی جمعی و تجربه‌های مشترک مردم این شهر، بخش بزرگی از هویت آن را شکل می‌دهد. آسیب دیدن این ساختار اجتماعی، به معنی ضربه زدن به ریشه‌های عمیق فرهنگی و انسانی است که در مسجدسلیمان وجود دارد. برای بازسازی این شهر، باید به این ابعاد انسانی هم توجه شود.

امروزه مسئولان، فعالان اقتصادی و مردم مسجدسلیمان باید دست به دست هم دهند تا شرایط تغییر کند. ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، توسعه زیرساخت‌ها، تقویت خدمات اجتماعی و آموزش، و حفظ منابع طبیعی از اولویت‌هایی هستند که به بازسازی این شهر کمک می کنند. همچنین توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی حس تعلق و امید را در میان مردم تقویت کرده و انگیزه آنها را برای ساختن آینده‌ای بهتر بیشتر می‌کند.

مسجدسلیمان نمونه‌ای زنده است از چالش‌های بزرگ پیش روی بسیاری از شهرهای صنعتی کشور. این شهر یادآور روزهای پر از انرژی و امید و نیز شب‌های طولانی ناامیدی است. این تجربه‌ها باید به عنوان راهنمایی برای اصلاح مسیر توسعه در سراسر ایران مورد استفاده قرار گیرد.

در نهایت، مسجدسلیمان داستانی است درباره انسان‌هایی که در تلاش برای ساختن زندگی بهتر هستند، شهری که روزگاری پرنور بود و امروز به دنبال جرقه‌ای برای بازگشت به روزهای روشن می‌گردد. امید به آینده، کلید عبور از این بحران‌هاست.

صنعت نفت ایران در گیر وعده‌های دولت، فشار تحریم‌ها و واقعیت میادین فرسوده

# نفت ایران؛ زخمی، خسته و پیر

- آمار تولید نفت ایران در منابع داخلی و خارجی تفاوت معناداری دارد و شفاف نیست
- نمک‌زدگی میادین نفتی باعث کاهش کیفیت و هزینه‌بر شدن فرآوری نفت شده است

احترام قاضی
هفت صبح

**تولید نفت ایران همواره یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی و سیاسی کشور بوده است، اما در سال‌های اخیر با وجود وعده‌های متعدد افزایش تولید، آمارهای ارائه‌شده از سوی منابع مختلف، ابهامات و تناقض‌های قابل توجهی را به همراه داشته‌اند. از یک سو، افزایش فشار تحریم‌ها و فرسودگی تجهیزات تولید، میادین نفتی کشور را با چالش‌های جدی مواجه کرده و از سوی دیگر، رشد مصرف داخلی و نیاز مبرم به درآمدهای ارزی، مسئولان را مجبور به اتخاذ سیاست‌های تولید صیانتی کرده است. این گزارش با بررسی آخرین آمارها و تحلیل روندهای موجود، تلاش می‌کند تصویری روشن‌تر از وضعیت تولید نفت ایران ارائه دهد و به دلایل اختلافات آماری و پیامدهای آن بر اقتصاد کشور بپردازد.**

### تولید نفت ایران در چه وضعیتی است؟

صنعت نفت ایران، همچنان یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد کشور است و نقش حیاتی در تامین درآمدهای ارزی دارد. طی سال‌های گذشته، تحریم‌های اقتصادی، مشکلات فنی و افزایش مصرف داخلی، روند تولید نفت را تحت تاثیر قرار داده‌اند. بر اساس آمار رسمی وزارت نفت، تولید نفت خام ایران در محدوده ۳.۷ تا ۳.۸ میلیون بشکه در روز قرار دارد، اما این اعداد با گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند آژانس بین‌المللی انرژی و سازمان اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) متفاوت است که معمولاً بین ۳.۴ تا ۳.۶ میلیون بشکه در روز را اعلام می‌کنند. تفاوت این آمارها به دلیل تفاوت در روش‌های گزارش‌دهی، محدودیت دسترسی به اطلاعات و زمان‌بندی‌های متفاوت است.

### چرا آمار تولید نفت ایران اینقدر متناقض است؟

یکی از اصلی‌ترین دلایل اختلاف آمارها، روش‌های متفاوت گردآوری داده‌ها است. منابع داخلی معمولاً بر مبنای داده‌های میادین فعال و تولید گزارش شده توسط شرکت ملی نفت ایران آمار ارائه می‌دهند. اما سازمان‌های بین‌المللی با استفاده از داده‌های ثانویه، تصاویر ماهواره‌ای و تخمین‌های بازار جهانی تلاش می‌کنند عددی مستقل ارائه کنند. همچنین تحریم‌ها باعث شده‌اند ایران دسترسی کمتری به فناوری‌های جدید و تجهیزات دقیق داشته باشد که می‌تواند دقت آمار را کاهش دهد. علاوه بر این، برخی داده‌ها محافظه‌کارانه و با احتیاط اعلام می‌شوند تا از تاثیرات منفی در بازارهای جهانی و تحریم‌های بیشتر جلوگیری شود.

### بحران نمک زدگی میادین نفتی؛ تهدیدی خاموش

یکی از مشکلات فنی جدی که صنعت نفت ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند، افزایش میزان نمک و آب در نفت استخراجی است. این پدیده به ویژه در میادین غرب کارون به چشم می‌خورد و باعث افت کیفیت نفت و افزایش هزینه‌های فرآوری می‌شود. نمک زدگی باعث می‌شود فشار مخزن کاهش یافته و تولید نفت کاهش یابد. متاسفانه، این مشکل در چند سال اخیر شدت یافته و نیاز به سرمایه‌گذاری و فناوری‌های جدید برای مقابله با آن به شدت احساس می‌شود. اگر این روند ادامه یابد، ممکن است تولید برخی میادین به شکل قابل توجهی کاهش پیدا کند.

### تولید صیانتی؛ مقاومت در برابر فشار تحریم‌ها

در مواجهه با محدودیت‌های فناوری و فشارهای اقتصادی، وزارت نفت ایران سیاست «تولید صیانتی» را به اجرا گذاشته است. این سیاست به معنای مدیریت هوشمندانه استخراج نفت از مخازن به منظور جلوگیری از تخریب سریع آنها و افزایش طول عمر مفید میادین است. تولید صیانتی با هدف حفظ ظرفیت تولید در بلندمدت طراحی شده، اما در شرایطی که نیازهای ارزی کشور افزایش یافته و مصرف داخلی رو به رشد است، این سیاست به چالش کشیده می‌شود. تولید پایین‌تر می‌تواند به کاهش صادرات نفت و در نتیجه افت درآمدهای ارزی بینجامد، اما تولید بالا بدون کنترل می‌تواند ذخایر نفتی کشور را به سرعت تحلیل ببرد.

### مصرف داخلی؛ دشمن پنهان صادرات نفت

مصرف نفت خام در داخل کشور در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. افزایش جمعیت، رشد صنایع و توسعه زیرساخت‌های انرژی باعث شده حجم مصرف داخلی نفت خام بالا رود. این موضوع به معنای کاهش نفت قابل صادرات است و در نهایت درآمدهای ارزی کشور را محدود می‌کند. افزایش مصرف داخلی نفت خام بدون بهینه‌سازی مصرف انرژی، فشار مضاعفی بر تولید نفت وارد می‌آورد و سیاست تولید صیانتی را پیچیده‌تر می‌کند. در این میان، کمبود سرمایه برای نوسازی و بهینه‌سازی صنایع و شبکه‌های توزیع انرژی، به مشکلات موجود دامن زده است.

### وعده‌ها و واقعیت‌ها؛ آیا افزایش تولید ممکن است؟

مسئولان وزارت نفت بارها اعلام کرده‌اند که قصد دارند تولید نفت را تا ۴۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهند. با وجود این، کارشناسان حوزه نفت معتقدند بدون جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، انتقال فناوری و به‌روزرسانی تجهیزات، این اهداف بسیار بلندپروازانه خواهند بود. بیشتر رشد تولید فعلی از طریق بهینه‌سازی میادین موجود حاصل شده و دستاوردهای تکنولوژیکی خاصی رخ نداده است. ادامه فشار بر میادین بدون اصلاحات اساسی می‌تواند منجر به افت کیفیت نفت و کاهش پایداری تولید شود.

### سرمایه‌گذاری و فناوری؛ دو رکن کلیدی برای نجات صنعت نفت

بدون سرمایه‌گذاری قابل توجه و به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته، صنعت نفت ایران با خطر کاهش ظرفیت تولید روبه‌رو است. استفاده از روش‌های نوین افزایش بازیافت نفت (EOR)، مانند تزریق آب و گاز، به همراه بهبود تجهیزات و فرآیندهای تولید، می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند. آموزش نیروی انسانی متخصص، اصلاح قوانین و بهبود فضای کسب‌وکار نیز از عوامل مهم برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی به شمار می‌روند. تنها از طریق این اصلاحات ساختاری می‌توان تعادل میان نیازهای اقتصادی و حفظ منابع نفتی را برقرار کرد.

### پیچیدگی‌های تحریم و دسترسی محدود به داده‌ها

تحت تاثیر تحریم‌ها، شرکت‌های نفتی خارجی از همکاری با ایران منصرف شده‌اند و دسترسی به فناوری‌های نوین بسیار محدود شده است. این وضعیت باعث شده اطلاعات مربوط به تولید نفت کمتر شفاف و دقیق باشد. همچنین، بازارهای جهانی با احتیاط عمل کرده و برخی آمارها محافظه‌کارانه ارائه می‌شوند. این شرایط باعث می‌شود تصمیم‌گیران داخلی و بین‌المللی در مواجهه با سیاست‌های نفتی ایران با چالش‌های بیشتری روبه‌رو شوند و تحلیل دقیق روندها دشوار شود.

### چه آینده‌ای در انتظار تولید نفت ایران است؟

در مجموع، تولید نفت ایران در سال‌های اخیر توانسته است پس از افت شدید، به ثبات نسبی برسد اما با مشکلات فنی، اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای دست و پنجه نرم می‌کند. استمرار سیاست تولید صیانتی و محدودیت‌های تحریمی، فرصت افزایش چشمگیر تولید را کاهش داده است. برای حفظ جایگاه جهانی، جذب سرمایه و فناوری و مدیریت مصرف داخلی از اهمیت زیادی برخوردارند. اصلاحات اساسی در ساختار مدیریتی و تکنولوژیکی صنعت نفت کشور، کلید عبور از وضعیت فعلی خواهد بود.

## جوان سازی میادین نفتی پیر

صنعت نفت ایران، با وجود داشتن ذخایر عظیم نفتی، در سال‌های اخیر با چالش‌های جدی در حوزه تولید مواجه شده است. دو عامل مهم که نقش تعیین‌کننده‌ای در وضعیت کنونی دارند، نوآوری ناکافی در فناوری بازیابی نفت از میادین کم‌بازده و افزایش سن چاه‌های نفتی است. این دو موضوع، علاوه بر تاثیر مستقیم بر کاهش ظرفیت تولید، زنگ خطری برای آینده پایدار صنعت نفت کشور محسوب می‌شوند.

از اواسط دهه‌های گذشته، بسیاری از میادین نفتی ایران به مرحله‌ای رسیده‌اند که استخراج نفت از آن‌ها به‌سادگی ممکن نیست و نیازمند فناوری‌های پیشرفته بازیابی نفت می‌باشند. فناوری‌هایی مانند تزریق دی‌اکسید کربن ($CO_2$)، تزریق نانو مواد و استفاده از روش‌های حرارتی می‌توانند فشار مخزن را افزایش داده و میزان استخراج نفت را به طور قابل توجهی بهبود بخشند. با این حال، به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری و محدودیت‌های فناورانه، صنعت نفت ایران تاکنون نتوانسته از این ظرفیت‌ها به شکل مطلوب استفاده کند. اغلب فناوری‌های موجود بیشتر کپی‌برداری شده و به‌صورت محدود در پروژه‌ها به کار گرفته شده‌اند و در نتیجه، توسعه و بهره‌برداری جامع و بومی از این فناوری‌ها در سطح کلان رخ نداده است.

افزون بر این، بسیاری از چاه‌های نفت کشور به دلیل قدمت بالای خود، با کاهش شدید فشار مخزن و افت تولید مواجه‌اند. چاه‌هایی که عمر مفیدشان به بالای ۳۰ تا ۴۰ سال رسیده، در حال حاضر دیگر توانایی استخراج نفت با نرخ‌های گذشته را ندارند. این امر باعث شده است که بخش قابل توجهی از ظرفیت تولید کشور به تدریج کاهش یابد. برای جبران این افت، صنعت نفت به طور موقت به استفاده از روش‌های فشار مضاعف یا تزریق آب روی آورده است، اما این روش‌ها نیز دارای محدودیت‌های ذاتی هستند و نمی‌توانند جایگزین فناوری‌های نوین شوند.

پیچیدگی این مسئله زمانی بیشتر می‌شود که در نظر بگیریم این کاهش تولید در شرایطی رخ می‌دهد که کشور به دلیل نیازهای ارزی و تحریم‌ها، نیازمند حفظ یا حتی افزایش تولید نفت برای تامین درآمدهای مالی است. فشار بر صنعت نفت برای تولید بیشتر، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های فناوری و عمر چاه‌ها، می‌تواند منجر به آسیب‌های بلندمدت شود و بهره‌وری کلی را کاهش دهد.

در این راستا، ضرورت سرمایه‌گذاری هدفمند در حوزه تحقیق و توسعه فناوری‌های نوین بازیابی نفت بیش از پیش احساس می‌شود. همچنین، بازسازی و احیای چاه‌های قدیمی، به‌کارگیری فناوری‌های نوین تعمیر و نگهداری و توسعه برنامه‌های مدیریت عمر مخازن از جمله اقدامات کلیدی هستند که می‌توانند به افزایش و تثبیت تولید کمک کنند. صنعت نفت ایران اگر بخواهد از این گردنه سخت عبور کند، باید نگاه استراتژیک‌تری به موضوع فناوری و مدیریت منابع داشته باشد. علاوه بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، فرهنگ نوآوری و توسعه بومی فناوری باید در بدنه صنعت تقویت شود تا بهره‌وری از میادین نفتی کاهش نیابد و تولید پایدار حفظ شود. با ترکیب نوآوری مستمر در بازیابی نفت‌های کم‌بازده و مدیریت صحیح عمر مفید چاه‌ها، می‌توان چشم‌انداز روشنی برای صنعت نفت ایران ترسیم کرد؛ صنعتی که نه تنها امروز بلکه در دهه‌های آینده نیز بتواند به عنوان ستون اقتصاد کشور به ایفای نقش بپردازد.

## نیاز مالی چند صد میلیارد دلاری

هزینه‌های توسعه میادین نفتی یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی صنعت نفت ایران و جهان است. توسعه میادین نفتی شامل عملیات گسترده‌ای می‌شود که از اکتشاف، حفاری، احداث زیرساخت‌ها، نصب تجهیزات تولید، حمل و نقل و بهره‌برداری تشکیل شده است. هر کدام از این مراحل هزینه‌های زیادی را به صنعت تحمیل می‌کند و موفقیت پروژه‌ها به مدیریت دقیق این هزینه‌ها وابسته است.

یکی از دلایل اصلی افزایش هزینه‌های توسعه میادین نفتی، عمق و پیچیدگی مخازن نفتی است. بسیاری از میادین نفتی ایران، به‌ویژه در مناطق غرب کارون و خوزستان، دارای ساختارهای پیچیده زمین‌شناسی هستند که نیازمند تجهیزات پیشرفته و تخصص فنی بالا برای استخراج بهینه نفت می‌باشند. حفاری در این میادین علاوه بر هزینه‌های بالا، نیازمند تکنولوژی‌های نوین است که معمولاً وارداتی و گران‌قیمت هستند.

تحریم‌های بین‌المللی یکی دیگر از عوامل موثر بر افزایش هزینه‌هاست. محدودیت دسترسی به فناوری‌های روز و تجهیزات مدرن باعث شده شرکت‌های نفتی ایران برای تهیه قطعات و فناوری‌های لازم به بازارهای غیررسمی و واسطه‌ها روی بیاورند که این موضوع به طور قابل توجهی هزینه‌های توسعه را افزایش داده است. همچنین، تحریم‌ها امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را محدود کرده و این موضوع فشار بیشتری بر منابع مالی داخلی وارد می‌آورد.

سرمایه‌گذاری در توسعه میادین نفتی نیازمند تامین مالی بلندمدت است. پروژه‌های نفتی معمولاً دوره بازگشت سرمایه طولانی دارند و نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی ریسک سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد. بنابراین، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی برای توسعه هر میدان نفتی باید با دقت و در نظر گرفتن شرایط بازار و هزینه‌های عملیاتی صورت گیرد.

یکی از چالش‌های مهم در ایران، ساختار اداری و فرآیندهای پیچیده داخلی است که باعث طولانی شدن زمان اجرای پروژه‌ها و افزایش هزینه‌های غیرمستقیم می‌شود. همچنین، کمبود نیروی متخصص و آموزش ناکافی در بخش‌های فنی و مدیریتی پروژه‌ها تاثیر منفی بر بهره‌وری و کنترل هزینه‌ها دارد.

با وجود تمام این مشکلات، در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری انجام شده است. استفاده از فناوری‌های نوین حفاری، بهره‌برداری بهتر از میادین فرسوده با روش‌هایی مثل تحریک چاه‌ها و تزریق گاز و توسعه میادین مشترک با کشورهای همسایه نمونه‌هایی از این اقدامات هستند. در نهایت، توسعه پایدار میادین نفتی ایران مستلزم ترکیبی از جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، ارتقای فناوری بومی، اصلاح ساختارهای مدیریتی و همکاری گسترده بین بخش‌های مختلف است. تنها با مدیریت بهینه هزینه‌ها و استفاده هوشمندانه از منابع، می‌توان به اهداف افزایش تولید و پایداری صنعت نفت دست یافت و نقش ایران را در بازار جهانی نفت حفظ کرد.

نگاه تاریخی به برد تیم ملی فوتبال ایران مقابل هنگ‌کنگ در مقدماتی جام ملت‌های آسیا ۱۹۸۸ با ترکیب جوان‌شده دهداری در روزهای جنگ

# ایران وسط جنگ، گل زد و برد

## رسانه‌ها از تیم بدون ستاره دهداری حمایت کردند و به حاشیه‌های تیم نپرداختند

در روزی که دومین دوره مجلس شورای اسلامی به کار خود پایان داد و ایران پیشنهاد خاویر پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد را برای از سرگیری گفت‌وگوها پذیرفت، پرویز دهداری باید تیمش را در اولین بازی مقدماتی جام ملت‌های آسیا در ورزشگاه داسارات رانگاسالا شهر کاتماندو کشور نپال به مصاف هنگ‌کنگ می‌فرستاد. او ترکیب تیمش را با این بازیکنان به میدان فرستاد:

**دروازه‌بان:** احمدرضا عابدزاده

**مدافعان:** سیامک رحیم‌پور (کاپیتان)، نادر محمدخانی، سعید جان‌فدا، جواد زرینچه

**هافبک‌ها:** محسن عاشوری، مجید نامجومطلق، مهدی فنونی‌زاده، کریم باوی

**مهاجمان:** سیروس قایقران، صمد مرفاوی

**گل اول با سیروس**

سیروس قایقران اسطوره فوتبال انزلی و کاپیتان پرافتخار تیم ملی ایران در این بازی یکی از جوانانی بود که پرویز دهداری به میدان فرستاد. سیروس ۲۶ ساله در دقیقه ۹ بازی گل اول را برای ایران به‌ثمر رساند.

در نیمه دوم دهداری چند تعویض انجام داد و مرتضی کرمانی‌مقدم به جای محسن عاشوری و مجتبی محرمی به جای سعید جان‌فدا وارد زمین شدند.

**گل دوم با صمد**

صمد مرفاوی مهاجم ۲۴ ساله آن زمان تیم ملی، یکی از کشف‌های پرویز دهداری هم به حساب می‌آمد. صمد در دقیقه ۷۴ گل دوم را برای ایران زد تا هنگ‌کنگ در اولین بازی شکست را از تیم‌ملی بپذیرد. ایران در این دوره از رقابت‌ها با سوریه، کره شمالی، نپال و هنگ‌کنگ همگروه بود. مسابقات به‌صورت متمرکز در پایتخت کشور نپال برگزار می‌شد و تیم ایران در نهایت به‌عنوان تیم دوم گروه به جام ملت‌های آسیا ۱۹۸۸ صعود کرد.

**حواشی و اتفاقات**

دهداری در این بازی ترکیبی کاملا جوان شده از تیم ملی را به میدان فرستاد. درواقع این بازی نوعی رونمایی از تیمی بود که بعدها به عنوان تیم دهداری معروف شد. سیامک رحیم‌پور در ۲۵سالگی بازوبند کاپیتانی را به بازو بست و ستاره‌های آینده تیم ملی نیز دوران جوانی را سپری می‌کردند. با وجود نبود چهره‌های باتجربه و ستاره‌های محبوب هواداران اما به‌واسطه شرایط آن سال‌های کشور و سال‌های پایانی جنگ تحمیلی، رسانه‌ها بدون حاشیه‌نگاری تنها به موفقیت تیم پرداختند.

**رویدادهای مرتبط**

در خرداد ۱۳۶۷ جام باشگاه‌های تهران ۱۳۶۷ یادواره شهدای ۱۷ شهریور آغاز شد و در پاییز همان سال پرسپولیس به مقام قهرمانی رسید. همچنین ورزشکاران ملی در حال آماده‌سازی برای رقابت‌های مهم بین‌المللی مانند بازی‌های آسیایی و المپیک بودند (از جمله تیم زیر ۲۳ سال و تیم کشتی آزاد). این در حالی‌است که در آن روزها ایران تحت تاثیر جنگ تحمیلی بود و فوتبال در اولویت‌های بعدی قرار می‌گرفت. با این‌حال برد برابر هنگ‌کنگ در روزهایی اتفاق افتاد که تیم ایران بعد از چند سال دوری از رقابت‌ها با بازیکنان جوان و مربیانی ایده‌آل‌گرا به مسابقات آمده بود.

پیکار با هنگ‌کنگ: گام اول فوتبال ایران

آغازی خوش برای فوتبال ایران

دهداری: از نتیجه بدست آمده، راضی نیستم!

دهداری چه گفت ...

دستور کار ایران برای دیدار اول

**از دید رسانه‌ها**

رسانه‌ها و ورزشی‌نویسان بعد از بازی به این موضوع پرداختند که تیم جوان ایران با مجموعه‌ای از بازیکنان نسبتا گمنام حریف خود را شکست داد. با این‌حال پرویز دهداری بعد از بازی از نتیجه راضی نبود: «از نتیجه به‌دست آمده راضی نیستم.» این تیتری بود که برخی رسانه‌ها پس از مسابقه از جانب سرمربی وقت تیم‌ملی منتشر کردند.\ هفته‌نامه دنیای ورزش درباره این بازی نوشت: «پیکار با هنگ‌کنگ؛ آغاز خوش برای فوتبال ایران». در این گزارش به صحبت‌های مربیان و خلاصه بازی اشاره شده است. دیگر رسانه ورزشی آن دوران این بازی را یک شروع خوب برای تیم ملی ایران در مقدماتی جام ملت‌ها دانسته و تیتر زد: «آغاز خوش برای فوتبال ایران».

**عکس دسته‌جمعی تیم ملی ایران (سال ۱۳۶۷) از راست ایستاده: جواد زرینچه، نادر محمدخانی، کریم باوی، مرتضی فنونی‌زاده، احمد سجادی، سیروس قایقران؛ نشسته از راست: مرتضی کرمانی‌مقدم، فرشاد پیوس، مجید نامجومطلق، محمد تقوی و مجتبی محرمی**

---

گزارشی درباره آینده دروازه‌بان الجزایری پرسپولیس

## تیم ملی الجزایر گندوز را به سپاهان می‌برد

دروازه‌بان تیم ملی الجزایر، الکسیس گندوز، در آستانه ترک تیم پرسپولیس در نقل‌وانتقالات تابستانی قرار دارد. این تصمیم پس از جذب دروازه‌بان جدید توسط پرسپولیس گرفته شده و آینده او را در آستانه چالش‌های پیش‌روی تیم ملی الجزایر مبهم کرده است. این موضوع می‌تواند معضلی جدید برای ولادیمیر پتکوویچ، سرمربی تیم ملی، در انتخاب دروازه‌بان اصلی ایجاد کند. پرسپولیس با پیام نیازمند (دروازه‌بان دوم تیم ملی ایران) از سپاهان به توافق رسید و این انتقال، گندوز را به سمت خروج از تیم سوق می‌دهد. گفته می‌شود مدیریت پرسپولیس قصد دارد پیشنهاد فسخ قرارداد به صورت توافقی را به گندوز ارائه دهد. قرارداد او تا تابستان ۲۰۲۷ اعتبار دارد، اما در صورت توافق، می‌تواند با دریافت یک میلیون دلار به عنوان خسارت، از تیم جدا شود. منابع خبری اشاره کرده‌اند که این دروازه‌بان سابق شباب بلوزداد مخالفتی با ترک تیم ندارد، چرا که نمی‌خواهد دروازه‌بان دوم باشد. جایگاه او در تیم ملی و تمایلش به رقابت در سطح بالا برای حفظ موقعیت خود در ترکیب الجزایر، از دلایل اصلی این تصمیم است. همچنین پرسپولیس ترجیح می‌دهد از سهمیه بازیکن خارجی خود در پستی دیگر استفاده کند.

**سپاهان گزینه بعدی ؟**

برخی گزارش‌ها، گندوز را به سپاهان پیوند داده‌اند. این تیم به دنبال جایگزینی برای پیام نیازمند است و ممکن است این انتقال به صورت یک مبادله انجام شود. این گزینه با توجه به سازگاری گندوز با شرایط لیگ ایران و رضایت او از حضور در این رقابت‌ها، کاملاً محتمل است.

**معضل دروازه‌بانی الجزایر**

این تحولات می‌تواند چالشی جدی برای گندوز و تیم ملی الجزایر ایجاد کند، به‌ویژه با توجه به مشکلات فعلی پتکوویچ در پست دروازه‌بانی. اوضاع برای گزینه‌های دیگر این تیم نیز چندان مطلوب نیست.

**آینده گندوز کجاست؟**

با توجه به شرایط پیش‌رو، احتمال انتقال او به سپاهان یا یک تیم دیگر در لیگ ایران وجود دارد. اما تصمیم نهایی او می‌تواند تأثیر مستقیمی بر ترکیب تیم ملی الجزایر داشته باشد.

---

گزارش ویژه

بررسی درآمد آرسنال از قهرمانی در لیگ قهرمانان فوتبال زنان و مقایسه با درآمد تیم‌های مردان از یوفا

## فاصله میلیاردی فوتبال مردان و زنان در اروپا

**ضعیف‌ترین تیم مردان در لیگ قهرمانان اروپا بیش از ۲۰ برابر قهرمان زنان درآمد داشت**

ایلیا بهزاداول
خبرنگار ورزشی

باوجود نابرابر بودن عرصه رقابت در فوتبال‌حرفه‌ای مردان و زنان، به‌نظر درفوتبال اروپا گام‌های بزرگی برای پرکردن این فاصله زیاد برداشته شده است. رقابت‌های لیگ قهرمانان زنان فوتبال اروپا روز شنبه با برگزاری دیدار نهایی بین آرسنال و بارسلونا به پایان رسید و در فوتبال زنان، دیگر خبری از ناکامی‌های سریالی توپچی‌های شمال لندن در رقابت‌های اروپایی نبود. نایب‌قهرمان سوپرلیگ زنان فوتبال انگلیس با گلی که استینا بلک‌استنیوس مهاجم سوئدی به ثمر رساند، توانست برای نخستین بار پس از ۱۸ سال، عنوان قهرمانی در رقابت‌های اروپایی را کسب کند. بر کسی پوشیده نیست که از لحاظ اقبال عمومی به فوتبال زنان و قراردادهای تجاری در این بخش از فوتبال، تحول بزرگی طی سال‌های اخیر ایجاد شده است.

سال ۲۰۰۷ و زمانی که آرسنال با برتری مقابل تیم اومئا سوئد به قهرمانی در اروپا رسید، دیدار نهایی اروپا به میزبانی ورزشگاه دوم آرسنال در شمال لندن با حضور تنها ۳۴۶۷ نفر هوادار در یک ورزشگاه با ظرفیت ۴۵۰۰ نفر برگزار شد. حالا و پس از ۱۸ سال، آرسنال در شرایطی توانست قهرمانی در اروپا را کسب کند که دیدار نهایی، در ورزشگاه اصلی باشگاه اسپورتینگ لیسبون پرتغال و با حضور ۳۸۳۵۶ هوادار برگزار شد. بخش بزرگی از جمعیت حاضر در ورزشگاه با توجه به هواداری از بارسلونا، با ناامیدی لیسبون را ترک کردند اما پیشرفت قابل توجه در میزان اقبال هواداران به تماشای رقابت‌های فوتبال زنان، مسیر رو به پیشرفت و تحول در بخش همواره در سایه مستطیل سبز را نشان می‌دهد. با این حال مهم‌ترین دغدغه بازیکنان، مربیان، هواداران و فعالین حقوق ورزشکاران زن در جهان نه مسئله اقبال عمومی و حضور هواداران، بلکه افزایش درآمد حاصل از برگزاری رقابت‌های فوتبال زنان در بالاترین سطح است.

از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰، برای قهرمانی در رقابت‌های لیگ قهرمانان فوتبال زنان اروپا که در آن زمان با نام دیگری برگزار می‌شد، هیچ پاداش مالی وجود نداشت و آرسنال پس از قهرمانی در رقابت‌های سال ۲۰۰۷، هیچ درآمدی کسب نکرد. یوفا از سال ۲۰۱۰، جوایز مالی را به رقابت‌های لیگ قهرمانان زنان اروپا اضافه کرد و این مبلغ با توجه به سیاست‌های عدالت‌خواهانه یوفا و نهادهای اروپایی فصل به فصل در حال افزایش است.

در این فصل، یوفا به طور کلی ۲۴ میلیون یورو پاداش کلی را برای این مسابقات در نظر گرفته که ۴۸ درصد از این مبلغ، به تیم‌های حاضر در مرحله اصلی، ۲۹ درصد به تیم‌های غایب در مرحله اصلی و ۲۳ درصد به باشگاه‌هایی که در لیگ قهرمانان اروپا حضور ندارند تعلق می‌گیرد. این مبلغ با توجه به گزارش مالی یوفا در دسامبر ۲۰۲۴، طی سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۷، مبلغ اهدایی به تیم‌های حاضر در مرحله لیگ به ۱۸ میلیون یورو افزایش پیدا می‌کند و از سال ۲۰۲۷ تا ۲۰۳۰، ۲۴ میلیون یورو درآمد صرفاً برای تیم‌های حاضر در مرحله لیگ مسابقات در نظر گرفته شده است. با این حال اگر این مبلغ را بین باشگاه‌ها تقسیم کنیم، با رقمی مواجه خواهیم شد که تفاوت بزرگی با درآمدهای باشگاه‌ها حاصل از حضور در لیگ قهرمانان مردان دارد.

اگر تمام پاداش‌های تیم زنان آرسنال از ابتدای مسابقات تا قهرمانی را جمع بزنیم، به مبلغی در حدود یک‌میلیون و ۵۶۰ هزار یورو می‌رسیم؛ این در حالیست که تیم مردان آرسنال با وجود ناکامی در صعود به فینال لیگ قهرمانان اروپا، ۱۱۶ میلیون یورو درآمد از طریق حضور در این مسابقات و صعود به لیگ قهرمانان اروپا کسب کرده است و تنها دو تیم حاضر در فینال، درآمد بیشتری نسبت به آرسنال دارند.

نکته جالب اینکه ضعیف‌ترین تیم این فصل لیگ قهرمانان اروپا یعنی اسلوان براتیسلاوا اسلواکی، مجموعا ۲۱ میلیون یورو درآمد از لیگ قهرمانان اروپا کسب کرده که به نسبت تیم قهرمان لیگ قهرمانان فوتبال زنان اروپا، رقم قابل توجهی محسوب می‌شود. یوفا در سال‌های اخیر، سعی در هرچه نزدیک‌تر کردن درآمد باشگاه‌ها و بازیکنان در فوتبال مردان و زنان داشته اما چالش بزرگ نابرابری در بحث حق پخش تلویزیونی، بلیت‌فروشی مسابقات، فروش پیراهن و قراردادهای تجاری، برابری در درآمدزایی فوتبال مردان و زنان اروپا را به یک مأموریت غیرممکن تبدیل می‌کند. یوفا برای رقابت‌های یورو ۲۰۲۵ زنان، جوایز مخصوص تیم‌های ملی در این مسابقات را تا ۱۵۶ درصد افزایش داده و این اقدام، می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین گام‌ها برای رسیدن به درآمدی قابل توجه در فوتبال زنان نسبت به گذشته باشد؛ با این حال این تحولات بزرگ، لازم اما ناکافی به نظر می‌رسند.

---

حاشیه

رونمایی از نامزد در شب قهرمانی سه‌گانه

## ستاره پاری‌سن‌ژرمن در کنار وارث امپراتوری دوسان

لی کانگ-این، ستاره کره‌ای باشگاه پاری‌سن‌ژرمن، به‌تازگی به‌صورت رسمی از رابطه عاطفی‌اش با «پارک سانگ-هیو» پرده برداشت؛ آن‌هم در جریان جشن قهرمانی در فینال جام حذفی فرانسه، جایی که او به‌همراه پارک در زمین مسابقه حضور یافت. پاری‌سن‌ژرمن شنبه گذشته موفق شد تیم رمس را در ورزشگاه «استاد دو فرانس» شکست دهد و با این پیروزی، سه‌گانه داخلی را کامل کند. پس از پایان بازی، لی کانگ-این و نامزدش برای اولین‌بار به‌طور علنی در کنار یکدیگر دیده شدند. پارک سانگ-هیو که حالا به‌عنوان شریک عاطفی لی شناخته می‌شود، از وارثان امپراتوری اقتصادی دوسان است؛ یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعتی و تجاری کره جنوبی. طبق گزارش مجله فوربس، ارزش دارایی‌های شرکت دوسان در حال حاضر حدود ۲۱.۸ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. گزارش‌ها همچنین حاکی از آن است که پارک سانگ-هیو در حال حاضر در پاریس مشغول تحصیل است. پدر او، پارک جین-وون، معاون شرکت دوسان بوبکت کره است و خود او فرزند رئیس پیشین گروه دوسان، پارک یونگ-سونگ، محسوب می‌شود. لی کانگ-این این فصل زیر نظر لوئیس انریکه عملکرد درخشانی داشته و در ۴۵ بازی برای پاری‌سن‌ژرمن به میدان رفته و موفق به زدن ۶ گل و ارسال ۶ پاس گل شده است.

**آگهی فقدان سند مالکیت**

آقای ابراهیم شاملوفر و سمیه رضائی پناه به ترتیب به شماره ملی ۰۰۵۴۳۴۵۷۶۶ و ۰۰۸۰۷۷۹۶۰۳ وکالتا از سوی مالک با شماره وکالت ۱۴۴۶۱۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ دفتر ۲ شهریار که مراتب تایید ان به دفترخانه ارسال گردیده است باستناد دو برگ استشهادیه مصدق شده که امضا شهود ان ذیل شناسه یکتا به شماره ۱۴۰۴۰۲۱۵۴۴۰۱۰۰۰۰۷۹ رمز تصدیق ۷۸۹۴۶۹ مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۱ دفترخانه ۲ شهریار مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ قطعه سوم تفکیکی به شماره ۳۳۷ فرعی از ۵۳ اصلی بمساحت ۴۶۴/۴۰ متر مربع مفروز از قریه بابا سلمان ذیل صفحه ۴۱۱ دفتر ۷۱ به شماره ثبت ۱۰۲۵۸۷ به شماره چاپی ۵۷۷۵۴۴ در مالکیت حزب الله ایقانیان ثبت و سند صادر و تسلیم شده است و سپس مع الواسطه طی سند ۴۳۵۴۶ مورخ ۱۳۵۸/۲/۱۵ دفتر ۲ شهریار در مالکیت جمشید ایقانیان منتقل گردیده است لازم به ذکر است که سند مالکیت مذکور جهت سه پلاک فرعی هر سه قطعه به شماره پلاکهای ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ فرعی صادر و تسلیم شده است و سند انتقال مذکور مربوط به شماره فرعی ۳۳۷ فرعی از اصلی مذکور میباشد لذا مراتب به استناد تبصره ذیل ماده ۱۲۰ قانون ثبت در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نماید و در غیر اینصورت این اداره پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند المثنی طبق مقررات اقدام خواهد نمود.

م الف ۱۲۳۰۳

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار – مهدی ناصری

۱۴۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: بابک نبی، دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی،
ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

# هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۳:۰۹ | طلوع آفتاب: ۰۴:۵۱ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۱ | اذان مغرب: ۱۹:۳۲

یادداشت

## خاطرات گمشده در بایگانیِ هیچ‌کس

مهناز چتر فیروزه
هفت صبح

خیابان‌های این شهر حافظه کوتاه‌مدتی دارند. هنوز صدای سوت قطارهای قدیمی در ایستگاه‌ها باقی نمانده که پیاده‌روها جای خود را به ساخت‌وسازهایی داده‌اند که حتی نامِ بناکنندگان‌شان هم در حافظه این شهر دوام نمی‌آورد. مردم، روزی هزاربار از کنار یکدیگر عبور می‌کنند بی‌آنکه بدانند صبح همان روز، دو محله آنسوتر، چه اتفاقی افتاده است. اگر هم بدانند، آن دانستن عمری کوتاه‌تر از یک تیتر خبری دارد؛ فردا، همه چیز از نو، همه چیز بی‌تاریخ، همه چیز بی‌معنا. انگار توافق نانوشته‌ای میان‌مان بسته‌ایم برای فراموش کردن، برای سرپوش گذاشتن بر خاطرات جمعی. ما آدم‌های امروز، وارثان هزار تجربه مشترک و هزاراندوه نیمه‌کاره‌ایم که همیشه از یاد می‌روند، مثل گلبرگ‌هایی که در اولین نسیم صبحگاهی فرو می‌ریزند و کسی حتی زحمت جمع کردن‌شان را به خود نمی‌دهد. این فراموشی عمومی تنها محدود به حادثه‌ها و تلخی‌ها نیست؛ حتی شادی‌های‌مان هم، به محض عبور از لبخند، در حافظه جمعی جایی ندارند. آنقدر به سرعت خاطره‌ها را کنار می‌گذاریم که گویی میان ما و دیروز، دیواری شیشه‌ای کشیده‌اند: هرچه پشت آن است، محو و بی‌رمق. زمانی، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها کنار سماورهای روشن و لحاف‌های رنگارنگ، قصه‌ها را نسل به نسل می‌سپردند تا چیزی از گذشته در لابه‌لای زندگی جاری بماند. حالا اما، روایت‌های ما عمدتاً در لابه‌لای کانال‌ها و گروه‌های مجازی و پیام‌هایی که فردا کسی به خاطرشان نمی‌خندد و نه اشکی می‌ریزد، جا می‌ماند. هر روز موج تازه‌ای از خبرها، دردها و شایعات می‌آید و همان روز می‌رود. حافظه جمعی، جایی شبیه انباری شده که هرچه را بی‌فایده بیابیم، بی‌هیچ افسوسی دور می‌ریزیم. این ناپایداری حافظه اجتماعی، بهایی گزاف دارد: تجربه‌های مشترک، بی‌اثر و بی‌اعتبار می‌شوند. وقتی فراموش می‌کنیم که دیروزمان چه بوده، فردا هم شکل مبهمی به خود می‌گیرد. امیدها، خواسته‌ها، حتی اعتراض‌ها و شادی‌ها، همه مثل بادکنک‌های سرگردانی‌اند که نخ‌شان را به دست فراموشی داده‌ایم. برای جامعه‌ای که هیچ تجربه‌ای را تا انتها مرور نمی‌کند، هیچ نتیجه‌ای هم پایدار نمی‌ماند. حتی اشتباهات، محکوم به تکرارند؛ حتی پیروزی‌ها، بی‌افتخار می‌شوند. چه بر سرمان آمده که این‌قدر راحت گذشته را از یاد می‌بریم؟ شاید زندگی مدرن با این سرعت نفسگیر، جایی برای مکث و تامل نگذاشته است. شاید هم، سنگینی گذشته را بر دوش کشیدن برای‌مان دشوار شده و ساده‌ترین راه، بستن چشمان‌مان به روی آن است. اما این فراموشی، هزینه دارد؛ نه فقط برای تاریخ و هویت‌مان، که برای روابط انسانی، اعتماد اجتماعی و حتی آینده فرزندان‌مان. تجربه‌های مشترک، پایه‌های نامرئی یک جامعه‌اند. بدون آنها، خانه‌ای شنی می‌سازیم بر ساحلی که هر موجی می‌تواند آن را با خود ببرد. اگر هر روز دیروز را از یاد ببریم، فردا را بر کدام خاطره و تجربه‌ای می‌توان بنا کرد؟ شاید زمان آن رسیده باشد که بار دیگر، قصه‌های کوچک و تجربه‌های بزرگ‌مان را جدی بگیریم؛ برای ماندگار شدن، برای پرهیز از تکرار خطاها و برای ساختن فردایی که از یاد نخواهد رفت. حافظه اجتماعی، جانِ جامعه است. نگذاریم نفسش به شماره بیفتد.

یک دقیقه زندگی

## دست بر فرمان، پا بر رکاب

حمید بهشتی
هفت صبح

حس عجیبی است، آن لحظه که دوچرخه زیر پاهایت بی‌هوا می‌لرزد و دستانت برای نخستین‌بار دیگر به پشتیبان پشت زین احتیاج ندارند. تا دیروز تکیه‌گاه پدر یا دست‌های مهربان مادر بود که هر بار خیال سقوط را پس می‌زد، اما امروز، در همین چند متر که چرخ‌ها بر آسفالت حیاط خانه می‌چرخد، مرز میان کودک دیروز و انسان فردا را احساس می‌کنی. این همان نقطه آغاز است، جایی که برای اولین‌بار طعم رها شدن و رهایی را با پوست و استخوان درک می‌کنی. هوای عصر، پر از گرمای نیمه‌جان خورشید و بوی خاک نم‌خورده، در ریه‌هایم فرو می‌رفت و صدای دوچرخه‌ام که بر سنگریزه‌های حیاط می‌لغزید، با تپش قلبم هم‌نوا بود. نمی‌دانستم قرار است چه اتفاقی بیفتد؛ فقط یک لحظه، پدر گفت «برو!» و من رفتم. دوچرخه زیر پایم تاب خورد، عجیب بی‌وزن شدم، مثل پرنده‌ای که بی‌آنکه درس پرواز را کامل بیاموزد، پرتابش کنند به هوای بی‌مرز. دستم به فرمان، نگاه به افق و دنیایی که ناگهان بزرگ‌تر شده بود. نه خبری از دست‌های پشت سر بود و نه فریادهای دلگرم‌کننده. هرچه بود، من بودم و دو چرخ لاغر و حس عریانی از بی‌پناهی. عجیب است که نخستین تجربه‌های استقلال، اغلب با ترس و لرز همراهند. ترسی بی‌کلام، اما عمیق؛ ترس از سقوط، از زخم شدن زانوها، از خنده همسالان یا حتی از فریاد ناامیدی پدر. ولی درست همین نقطه، جایی که مرز بین کودک بودن و مستقل شدن خط می‌کشد، خاستگاه رشد است. دوچرخه، در آن لحظه دیگر فقط وسیله‌ای برای بازی نبود. شده بود استعاره‌ای از زیستن، از دویدن، از پیش رفتن بی‌هیچ تکیه‌گاهی. در آن چند ثانیه که دست‌ها لرزید، پاها کم آوردند و نگاه مضطرب در جست‌وجوی نشانی از «امنیت» برگشت به پشت سر، به چشم‌های نگران پدر که دیگر فقط تماشاچی بود، فهمیدم بسیاری از لحظه‌های مهم زندگی همین گونه‌اند: بی‌خبر و بی‌هشدار، حمایت‌ها ناگهان رها می‌شوند و تو باید خودت را به آغوش خطر بسپری. همان ثانیه‌ای که حس کردم دوچرخه فرمان نمی‌برد، جاده رو به شکاف و افتادن می‌رود، ناگهان معجزه‌ای کوچک رخ داد. معجزه‌ای که فقط در دل کودک می‌تواند خانه کند؛ حس اعتماد به خود. شروع کردم به رکاب زدن. پایم را محکم‌تر فشردم، دستانم فرمان را سفت‌تر چسبیدند و چرخ‌ها (این موجودات بی‌ثبات اما دلیر) مرا به جلو راندند. ناگهان، حیاط خانه بزرگ‌تر شد، دیوارها دورتر و دنیای پیرامون بازتر. صدای پدر که با خوشحالی گفت «آفرین!» مثل بادی گرم بر صورتم نشست. دیگر هیچ‌کس نگفت مواظب باش، حواست باشد یا نترس. انگار همه چیز تغییر کرده بود. آن لحظه کوتاه، مثل نقطه‌ای روشن بر تار و پود ذهنم حک شد. بعدها فهمیدم زندگی بارها مرا دوباره پشت زین دوچرخه‌های تازه می‌نشاند؛ آزمون‌های شغلی، مهاجرت، عاشق شدن، از دست دادن. هربار دلشوره‌ای تازه، اما آن تجربه نخستین، آن خاطره شجاعانه که با زانوهای زخمی و تنی خاکی به پایان رسید، همیشه جایی در ذهنم نور می‌داد. تعادل، شاید واژه‌ای فلسفی باشد، اما ریشه‌اش را نخستین‌بار همان‌جا، میان خاک و عرق و ضربان تند قلب پیدا کردم. برای پیدا کردنش باید از کمک‌ها دل کند، باید لرزید، باید افتاد و بالاخره باید رکاب زد. این قانون نانوشته زندگی است: هیچ تعادلی بی‌تزلزل تجربه نمی‌شود و هیچ پروازی بی‌دلشوره آغاز نمی‌گردد.

نگاه

### کنسرت، رویا یا امتیاز؟

## سقفی که هر روز کوتاه‌تر می‌شود

بابک نبی
دبیر صفحه آخر

در آستانه تابستان و در روزهایی که خردادماه را پشت سر می‌گذاریم، صدای موسیقی در تهران هر روز دورتر و کم‌رنگ‌تر می‌شود؛ نه برای آنهایی که از تماشای صحنه و شنیدن ملودی لذت می‌برند، برای جیب‌هایی که از این موسیقی سهمی ندارند. حالا، بلیت کنسرت دیگر صرفا یک تکه کاغذ نیست؛ یک امتیاز ویژه است، یک مجوز برای ورود به جهانی که هر روز گران‌تر، دور از دسترس‌تر و انحصاری‌تر می‌شود.

این روزها خبرها از رکوردشکنی تازه در بازار بلیت کنسرت‌ها حکایت دارد؛ به‌ویژه آنکه حالا در کنسرت بزرگ علیرضا قربانی که در فضای باز استادیوم آزادی برگزار می‌شود، سقف قیمت بلیت به یک میلیون و ششصد و پنجاه هزار تومان رسیده است؛ رقمی که تنها در کمتر از سه ماه، سیصد هزار تومان جهش داشته است. مقایسه ساده اما تلخ است: در اسفند سال گذشته، سقف بلیت کنسرت‌ها یک میلیون و سیصد هزار تومان بود. این رشد قیمت، اگر چه ممکن است برای عده‌ای تنها یک عدد باشد، اما برای بسیاری دیگر به معنای حذف از چرخه تجربه موسیقی زنده است.

این سوال ساده اما جدی، هر روز ذهن مخاطبان موسیقی را مشغول می‌کند: کنسرت برای چه کسانی است؟ برای چه کسانی باقی می‌ماند؟ و سهم طبقه متوسط از این سفر فرهنگی چیست؟ آیا شنیدن موسیقی، حتی در سطوحی پایین‌تر از استانداردهای جهانی، باید به چنین کالای لوکسی تبدیل شود؟

**اقتصاد تماشا، اقتصاد حذف**

شاید بتوان گفت اقتصاد کنسرت در ایران دیگر نه بر مبنای شوق و ذوق مخاطب، که بر مبنای سیاست حذف بنا شده است؛ حذف تدریجی آنان که توان مالی‌شان همراهی نمی‌کند. این حذف آرام و خزنده است. اول صندلی‌های ردیف جلو، بعد ردیف میانی و حالا کل سالن... تجربه موسیقی زنده دارد به یک امتیاز طبقاتی بدل می‌شود.

برای آنان که ماهانه حقوقشان یا روی خط فقر حرکت می‌کند و یا گاهی به زیر خط فقر هم سرک می‌کشد، خرید یک بلیت برای خود و خانواده، به معنای چشم‌پوشی از بسیاری ضروریات است. این اقتصاد تماشا، مخاطب را نه فقط از سالن‌ها که از رویاها، از خاطره‌سازی‌ها و از احساس جمعی، حذف می‌کند.

در سال‌های نه‌چندان دور، موسیقی زنده در ایران همگانی‌تر بود. شاید سالن‌ها کوچک‌تر و امکانات محدودتر بود، اما قیمت بلیت‌ها هنوز با درآمد طبقه متوسط نسبتی داشت. حالا اما، تجربه موسیقی زنده (حتی بدون نام‌های بزرگ و حتی برای اجراهایی بی‌حاشیه) دیگر صرفاً یک اتفاق ویژه نیست؛ یک هزینه بزرگ است. رفته‌رفته، فرهنگ مصرف موسیقی زنده به سمتی می‌رود که تنها یک طبقه خاص به آن دسترسی دارد؛ آن هم نه با لذت، که با حس امتیاز.

**سهم هنرمند، سهم مخاطب**

شاید برخی بگویند افزایش هزینه‌های تولید، تورم، قیمت اجاره سالن و دستمزد عوامل، همگی در این رشد قیمت بی‌تأثیر نیستند. بله، بی‌تردید بخشی از این واقعیت‌ها به اقتصاد کلان کشور بازمی‌گردد. اما این چرخه افزایش قیمت، راه‌حل نیست؛ برعکس، به سرعت در حال تبدیل کردن موسیقی زنده به قلمرویی اختصاصی برای معدود افراد است.

در این میان، هنرمندان نیز، بیش از هر زمان دیگر، با دوگانگی عجیبی مواجه‌اند: از یک سو باید درآمد و حیات هنری خود را حفظ کنند و از سوی دیگر، فاصله با مخاطبی که هر روز دورتر می‌شود، برایشان نگران‌کننده است. آنچه باقی می‌ماند، سالن‌هایی با صندلی‌های خالی یا پر از چهره‌هایی آشناست؛ چرخه‌ای که نه برای هنرمند، نه برای مخاطب و نه برای آینده موسیقی، امیدبخش نیست.

**فرهنگِ لوکس یا حق عمومی؟**

باید از خود بپرسیم: آیا کنسرت، تئاتر، سینما و دیگر جلوه‌های هنر باید امتیازی لوکس و دست‌نیافتنی باشند؟ آیا فرهنگ و هنر، باید مانند خودرو، خانه و بسیاری دیگر از کالاها، به فهرست رویاهای دور و دراز طبقه متوسط افزوده شوند؟

در غیاب سیاست‌گذاری‌های حمایتی، این پرسش جدی‌تر می‌شود: آیا نهادهای متولی فرهنگ و هنر، صدای خاموش تماشاگران محروم را می‌شنوند؟ آیا دست‌اندرکاران دغدغه‌ای برای احیای عدالت فرهنگی دارند یا تنها تماشاچی رشد بی‌ضابطه قیمت‌ها هستند؟

موسیقی زنده، چیزی فراتر از تفریح است. فرصتی است برای همدلی، خاطره‌سازی، رشد اجتماعی و حتی امید به آینده‌ای بهتر. قیمت بلیت اما، هر روز دیواری بلندتر میان مردم و این رویا می‌کشد؛ دیواری که اگر همین امروز درباره آن فکر نکنیم، فردا دیگر خیلی دیر خواهد بود.

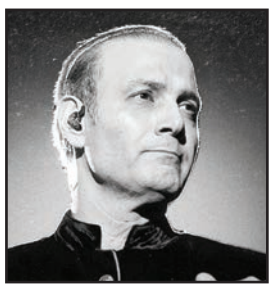

## قهوه زیر ذره‌بین علم: چهار افسانه‌ای که باید فراموش کنیم

ایمان برین
هفت صبح

هر صبح، بوی قهوه‌ای که از آشپزخانه می‌پیچد، حکم آغاز روزی تازه را برای من دارد. دانه‌ها را با حوصله آسیاب می‌کنم، آب را به دمای مطلوب می‌رسانم و با دقت هر قطره را به فنجانم هدایت می‌کنم. شاید برای بعضی‌ها قهوه فقط یک نوشیدنی باشد، اما برای من و بسیاری دیگر، قهوه بخشی از یک آیین است؛ راهی برای آغاز روز، برای لحظه‌ای مکث و تامل و البته، برای گرفتن یک ضربه انرژی. اما هرچه محبوبیت قهوه بیشتر می‌شود، افسانه‌ها و سوءتفاهم‌ها هم درباره‌اش بیشتر شکل می‌گیرند.

چرا باید اجازه بدهیم این شایعات لذت یک فنجان قهوه را از ما بگیرند؟ به عنوان یک عاشق قهوه و کسی که دل در گروی علم و تحقیق دارد، تصمیم گرفتم چند افسانه مشهور قهوه را زیر ذره‌بین پژوهش‌های علمی قرار دهم. شاید وقتش رسیده باورهایمان را کمی بازنگری کنیم.

**افسانه اول: قهوه دارک رُست قوی‌تر است**

خیلی‌ها بر این باورند که قهوه دارک رُست (رُست تیره) قوی‌تر است و کافئین بیشتری دارد. این باور منطقی به نظر می‌رسد: قهوه تیره‌تر، مزه قوی‌تری دارد، پس حتماً انرژی بیشتری هم می‌دهد. اما واقعیت علمی خلاف این است.

تفاوت اصلی بین قهوه دارک رُست و لایت رُست در میزان حرارتی است که دانه‌ها هنگام برشته شدن دریافت می‌کنند. مقاله‌ای در مجله Nature (منتشرشده در سال ۲۰۱۷ توسط مگان فولر و نینی رائو) نشان داد که قهوه با رُست متوسط حتی کافئین بیشتری از قهوه دارک رُست دارد، آن هم زمانی که وزن برابری از هر دو نوع مصرف شود. پس اگر عاشق مزه تلخ و سنگین دارک رُست هستید، نوش جان‌تان! اما بدانید انرژی اضافی‌ای نسبت به لایت رُست نصیب‌تان نمی‌شود.

**افسانه دوم: قهوه باعث کوتاهی قد می‌شود**

یکی دیگر از باورهای قدیمی این است که بچه‌ها نباید قهوه یا نوشیدنی‌های کافئین‌دار بخورند، چون رشدشان متوقف می‌شود. اما هیچ سند علمی برای این ادعا وجود ندارد. دکتر روی کیم در وبلاگ کلینیک کلیولند می‌نویسد: «کافئین هیچ تاثیری روی رشد ندارد.» حتی مشخص نیست این شایعه از کجا آمده است. البته باید گفت که کافئین می‌تواند اشتها را کمی سرکوب کند، اما این اثر آن‌قدر چشمگیر نیست که بخواهد بر رشد تأثیر منفی بگذارد.

البته نوشیدن قهوه برای کودکان همچنان توصیه نمی‌شود؛ نه به خاطر رشد، بلکه به دلایلی مانند مشکلات خواب، اضطراب و ضربان قلب نامنظم. (راستش را بخواهید، این عوارض گاهی گریبان بزرگسالان — حتی روزنامه‌نگاران قهوه‌دوست — را هم می‌گیرد!)

**افسانه سوم: قهوه بدن را کم آب می‌کند**

همه شنیده‌ایم که قهوه دیورتیک است و باید پس از نوشیدن آن بیشتر آب بنوشیم. اما واقعیت این است که قهوه عمدتاً از آب تشکیل شده و این مقدار آب، اثر خفیف دیورتیک کافئین را خنثی می‌کند. در مطالعه‌ای که سال ۲۰۱۴ در نشریه PLoS ONE منتشر شد، محققان دانشگاه بیرمنگام تأثیر مصرف قهوه و آب را روی وضعیت آب بدن ۵۰ مرد بررسی کردند و هیچ تفاوت معناداری بین این دو مشاهده نکردند. یعنی نوشیدن قهوه حتی تا چهار فنجان در روز به اندازه نوشیدن آب، بدن را هیدراته نگه می‌دارد.

**افسانه چهارم: قهوه برای قلب مضر است**

شاید چون قهوه گاهی باعث تپش قلب می‌شود، تصور شده نوشیدن آن برای قلب مضر است. اما تحقیقات نه تنها چنین ارتباطی پیدا نکرده‌اند، بلکه حتی برخی مطالعات جدید نشان می‌دهند قهوه می‌تواند برای سلامت قلب مفید باشد. مطالعه‌ای گسترده در سال ۲۰۲۲ (انجمن قلب اروپا) با بررسی بیش از ۵۰۰ هزار نفر، نشان داد افرادی که روزانه دو تا سه فنجان قهوه حتی فوری یا بدون کافئین می‌نوشند، با کاهش قابل توجه بیماری قلبی و مرگ‌ومیر روبه‌رو هستند.

در پایان، یک حقیقت ساده باقی می‌ماند: هر چیزی باید به اندازه باشد و همیشه توصیه پزشک ارجح است. اما حالا، با خیال راحت‌تر، می‌توانیم لذت یک فنجان قهوه را به دور از افسانه‌ها و با تکیه بر یافته‌های علمی تجربه کنیم. قهوه، این دوست صمیمی صبح‌های ما، هنوز برایمان حرف‌های زیادی دارد.

عکس روز

## سیلاب بمبئی: زندگی روی موج‌ها

**در دل باران بی‌امان بمبئی، خیابان‌ها به رودخانه‌ای خروشان تبدیل شده‌اند. مردی همراه با کودکی که ترک موتورش نشسته، در تلاش است وسیله‌اش را از میان سیلابی نیرومند عبور دهد. چهره خسته اما مصمم او در قاب تصویر، روایتگر زندگی روزمره‌ای‌ست که با طبیعتی بی‌رحم درمی‌آمیزد؛ جایی که باران فقط باران نیست، آزمونی‌ست برای بقا، برای امید، برای عبور از سختی. این تصویر نه فقط یک لحظه، که نمایی از تاب‌آوری انسان در برابر شهری‌ست که گاهی نفسش را آب می‌برد.**

یادداشت

## از نسل روشنگری

علی مسعودی‌نیا
نویسنده

به روزگار خودمان که نگاه می‌کنم، شگفت‌زده می‌شوم از آن نسل صبور و کاری و کارآمد و روشنگر، که سال‌ها پیش‌تر از ما، بدون دسترسی‌ها و امکانات و ابزار امروزی، چنین پویا و پرتلاش که این همه اثر و تاثیر ماندگار از خود بر جای گذاشتند. حسن کامشاد هم یکی از همین ستاره‌های پرفروغ نسل روشنگری ایران بود. نسلی که در آن مترجم، فقط کارش برگردان متنی از زبانی به زبان فارسی نبود و گویی برای خودش رسالت و کرامت ویژه‌ای می‌دید فراتر از زبان‌دانی؛ برخی مترجمان آن نسل، حکم آموزگار و چراغ راه را داشتند. گویی عزم‌شان این بود که مسیری مسدود را بگشایند و ذهن انسان ایرانی را با افق‌های تازه و روشن آشنا کنند. چنین بود که امثال کامشاد تنها به تقویت و تسلط به چند زبان قانع نبودند. زبان‌دانی انگار بهانه بود برای جست‌وجوها و کشف‌های تازه و ابلاغ آن به دیگرانی که خواهان آگاهی بودند. چنین بود که کامشاد نیز بی‌قراری می‌کرد در آموختن و نگاهی به گذشته خودمان داشت و نگاهی به امروز و اکنون جهان و میانجی پیوند این دو ساحت بود. خاطراتش را که در کتاب با ارزش «حدیث نفس» می‌خوانی، می‌بینی چه انسان شگرفی بود و چگونه به کشورش و کارش عشق می‌ورزید. کامشاد همانند یک سفیر فرهنگی بود که هم آگاهی عموم را مدنظر داشت و هم دغدغه‌های نخبگان را. این از کارنامه سترگ ترجمه‌اش هویداست. اگر «دنیای سوفی» را ترجمه می‌کند یا «سرگذشت فلسفه» را که هنوز بهترین کتاب‌های مرجع هستند برای کسی که بخواهد از اندیشه‌های فیلسوفان سر در بیاورد، آن‌طرف «مورخ و تاریخ» را دارد و «تاریخ چیست»، که سیراب‌کننده اذهان آگاه‌تر است. خوش‌سلیقه در انتخاب رمان و هوشمند در ترجمه زندگی‌نامه و نابغه در گزینش کتاب‌های عمومی فلسفه. نکته بسیار جالب و بارز کارنامه او این است که هیچ‌کدام از کتاب‌هایی که برای ترجمه برگزیده، خشک و آکادمیک و حوصله‌سربر نیست. جدی‌ترین کارهایش هم خالی از طنز و تفنن نیستند و چنین رویکردی خود گواهی است بر درک بالای او از راهکارهای روشنگرانه. تقریبا تمام آثاری که ترجمه کرده- و درخشان و سالم و بی‌اطوار هم ترجمه کرده- نه فقط آگاهی‌بخش، که بانمک و مفرح‌اند؛ مثل «تاریخ بی‌خردی» و «ویتگنشتاین، پوپر و ماجرای سیخ بخاری». از طرفی او تنها به واردات فرهنگی توجه نداشته. کار باارزش او «پایه‌گذاران نثر جدید فارسی» یک آنتولوژی دوزبانه قابل اعتماد است که بخشی از تاریخ ادبیات ما را به خوانندگان غیرایرانی می‌شناساند و در نوع خود بسیار قابل اعتناست. نمی‌دانم چه شد که هر چه پیش آمدیم و به زمانه کنونی نزدیک شدیم، چهره‌هایی چون او کم و کمتر ظهور کردند، حال آن‌که به شدت پیداست از وضعیت فرهنگی‌مان که بیش از هر زمانی نیازمند چنین بلندهمتان خوش‌سوادی هستیم که فارغ از سودای نام و نان، به ارتقای هدفمند فرهنگ مردم میهن‌شان بیندیشند. به همین دلیل با درگذشت هر یک از آدم‌های آن نسل، یک جای خالی چشمگیر و بی‌بدیل بر جا می‌ماند و حسرت و دریغی بی‌التیام.

کوچه موسیقی

### کنسرت هری پاتر در تهران

## تجربه‌ای تازه برای علاقه‌مندان موسیقی و سینما

گاه بعضی رویدادها صرفاً یک برنامه سرگرم‌کننده نیستند، فرصتی هستند برای تجربه‌ای تازه، بازخوانی خاطره‌ها و کشف ابعادی نو از هنر. برگزاری اولین کنسرت موسیقی فیلم‌های هری پاتر در ایران را می‌توان از همین دست رویدادها دانست؛ یک تجربه چندوجهی که موسیقی، تصویر و نوستالژی را کنار هم می‌نشاند.

کنسرتی که قرار است دهم خرداد در اسپیناس پالاس تهران اجرا شود، با حضور بیش از صد نوازنده و گروه کر، تلاشی است برای بازآفرینی موسیقی‌هایی که سال‌هاست برای میلیون‌ها نفر در جهان یادآور دنیای جادویی هری پاتر است. ملودی‌های جان ویلیامز، پاتریک دویل، نیکلاس هوپر و الکساندر دسپلا که هر کدام به نحوی در شکل دادن به فضای این مجموعه فیلم نقش داشته‌اند، این بار قرار است با اجرای زنده شنیده شوند. رهبر ارکستر این برنامه سینا خیرآبادی است و مدیریت هنری آن را سینا صالحی بر عهده دارد.

ویژگی این رویداد، تلفیق اجرای موسیقی زنده با پخش هم‌زمان بخش‌هایی از فیلم است؛ روشی که در سال‌های اخیر در برخی کشورهای دیگر هم برای خلق تجربه‌ای متفاوت از تماشای فیلم‌های محبوب به کار رفته است. در این نوع اجرا، مخاطب فقط شنونده موسیقی نیست، تماشاگر لحظات خاطره‌انگیز فیلم نیز خواهد بود؛ لحظاتی که حالا با جلوه‌ای متفاوت و حضوری‌تر، دوباره مرور می‌شوند.

این کنسرت صرفاً برای طرفداران هری پاتر جذاب نیست؛ اگر به موسیقی فیلم علاقه‌مندید یا دوست دارید یکی از مهم‌ترین آثار ارکسترال دهه‌های اخیر سینما را با کیفیتی متفاوت و در فضایی زنده بشنوید، این اجرا می‌تواند تجربه‌ای ارزشمند باشد. شاید برای بسیاری از خانواده‌ها هم فرصتی باشد تا با نسل جوان‌تر، بر سر یک خاطره مشترک به گفت‌وگو بنشینند.

البته این برنامه ابعادی فراتر از موسیقی صرف دارد. حضور یک گروه نوازندگان گسترده، باعث می‌شود که تجربه شنیداری و دیداری مخاطب کیفیتی متفاوت پیدا کند. برگزارکنندگان وعده داده‌اند که این کنسرت فراتر از یک اجرای مرسوم موسیقی، تجربه‌ای سینمایی نیز خواهد بود.

اگر به دنبال تجربه‌ای متفاوت در تقاطع موسیقی و سینما هستید، این کنسرت می‌تواند یک انتخاب فرهنگی جالب برای روزهای پیش‌رو باشد؛ تجربه‌ای که نه تکرار فیلم‌های هری پاتر است و نه صرفاً یک اجرای موسیقی و ترکیبی است از هر دو، در فضایی زنده و با حضور تماشاگران ایرانی.